



دانشکده علوم اجتماعی و تعاون  
مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

روانشناسی اجتماعی کار صنعتی در ایران

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

کتاب اول

# خاستگاه کارگران تهران

توسط :

گروه جامعه‌شناسی شهری

برگردان :

باقر ساروخانی

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



دانشکده علوم اجتماعی و تعاون  
مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

روانشناسی اجتماعی کار صنعتی در ایران

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

کتاب اول

# خاستگاه کارگران تهران

توسط :

گروه جامعه‌شناسی شهری

برگردان :

باقر-ساروخانی

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

چاپ و صحافی این کتاب در شهریور ماه ۱۳۵۷ در چاپخانه  
مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران به پایان رسیده است.

## غلط نامه

واژه صحیح	واژه غلط	سطر	صفحه
مسأله	مسئله	آخر	۳۹
کم شماری	کم شمار	ماقبل آخر	۴۷
تبرستان دارای	دارا	۲۰	۵۵
P.Vieille	V. Pieille	۲۷	۵۵
کارگرایست	کارگرایست	آخر	۱۰۳
کارگر دارای	کارگرا دارای	ستون سوم جدول	۱۱۰
جمع	تعداد جمع	ستون چهار جدول	۱۱۱
موقیت دیگر	موقیت و دیگر	ستون شش جدول	۱۱۳
جمع	جمع	ستون آخر جدول	۱۱۳

## فهرست مطالب

صفحه	موضوع
الف	یادداشت مترجم
۱	فصل اول : محیط جغرافیائی نخستین
۱	الف : کلیات
۲	۱ - توزیع کارگران برحسب محل تولد
۴	۲ - ترکیب سنی کارگران
۶	۳ - زمان سکونت خانواده در محیط اولیه
۸	۴ - تحرك کارگران قبل از هیجده سالگی
۱۰	ب : مشخصات اجتماعی مناطق روستاهای نخستین
۱۱	۱ - انواع روستاهای نخستین ( مالکیت ، قدمت ، افوحره ای )
۱۴	۲ - تقسیم روستا به طوایف ، روابط بین طوایف و روستاها
۲۱	۳ - مقام وموقعیت طایفه و خانوار پاسخگو در روستا
۲۸	پ : مشخصات اجتماعی محله های شهری نخستین
۲۹	۱ - افق اجتماعی محله
۳۱	۲ - روابط خانوار در محله ودر شهر ، روابط بین محله ها
۴۱	۳ - مقام وموقعیت خانوار در محله
۴۳	نتیجه
۴۶	فصل دوم : محیط خانوادگی نخستین
۴۶	الف : شکل وحجم خانوار
۴۷	۱ - ملاحظات دموگرافیک
۵۰	۲ - شکل خانوار
۵۵	ب : ساخت خانواده ، روابط خانوار ، خویشاوندان وگروههای محلی
۷۱	ج : توزیع فعالیتهای اقتصادی در درون خانوار
۷۲	۱ - فعالیتهای حرفه ای
۸۴	۲ - توزیع مبادلات در درون خانوار

۸۶	۳ - منزلتهای رسمی درگروههای محلی
۸۸	نتیجه
۹۰	فصل سوم : کودک در محله و خانواده
۹۰	الف : محیط تربیتی به معنای اخص
۹۰	۱ - والدین و تربیت فرزندان
۹۲	۲ - فعالیتهای دوران کودکی
۹۴	۳ - دسته های کودکان
۹۷	۴ - مدرسه و آموزش
۱۰۴	ب : تمایلات و تصاویر عاطفی مرتبط با دوران آمادگی
۱۰۴	۱ - تمایلات شغلی
۱۱۴	۲ - تصاویر عاطفی مرتبط با دوران آمادگی
۱۲۳	نتیجه
۱۲۵	نتیجه گیری کلی

۲. آنچه درین دفتر به نگارش آمده، در واقع سونوخته هزاران ایمان است که از اقصی نقاط ایران در جستجوی شیوه تازه‌ای از زندگی به تهران آمده‌اند. کوشش می‌شود تا زوایای ذهنی آنان و همچنین مسائل و مشکلاتشان در آنی خلط از تاریخ ایران ملاحظه شود. علاوه برین سعی می‌گردد تا ریشه‌های اجتماعی و جغرافیائی آنان یاد گرفته شود تا هم ابعاد مهاجرت در ایران در آغاز دهه اخیر سنجیده شود و هم آنکه مسائل و مشکلات مهاجرین در برخورد با تمدن شهری ایران مورد سنجش قرار گیرد.

لیک، گذشته ازین، این دفتر را سوئی ویژه است و آن اینکه از خلال اوراق آن می‌توان حرکت نیروی انسانی در خدمت صنعت را با مقایسه با داده‌های امروز ملاحظه کرد. در واقع، با دیدن این داده‌ها مشخص می‌شود که کارگری صنعتی در ایران از کجا آغاز گشت، در چه شرایطی تحقق یافت و کوششهای ایران در سالهای اخیر مبنی بر نزدیک ساختن کلوسرمایه با مشارکت کارگران در سود کارخانه‌ها و همچنین مشارکت در سهام آبفا، چه تغییری بر زندگی کارگر ایرانی نهاده است. حمایت از نیروی انسانی توسط سازمانهایی نظیر وزارت کار و موجدیات دیگر گونی بازار کار را فراهم آورد که در آن دیگر عرضه و تقاضا تعیین کننده قیمت کار نیست، بلکه تأمین حداقل زندگی بر کارگر با اعمال سیاستهای رفاهی نظیر بیمه‌های اجتماعی و همچنین کوشش در تأمین مسکن برای کارگران در هر واحد کار و در مجاورت آن مورد توجه است. با تحقق چنین اقداماتی، کیفیت بعنوان بعدی در زندگی کارگر ایرانی مطرح نظر قرار می‌گیرد، همانطور که در میزان تولید نیز از جهاتی بسیار مفید می‌افتد. گذشته ازین افزایش تقاضای کار با توجه به تعداد واحدهای صنعتی و همچنین توجه به آموزش مداوم و بالطبع ارتقاء تخصص کارگر و در نتیجه افزایش بازده و مزد، چهره تازه‌ای بر روابط صنعتی در ایران بخشید که جز با مقایسه با شرایط کار صنعتی در آغاز دهه اخیر قابل تشخیص نیست و این مقایسه بین داده‌های این کتاب که ویژگیهای کار صنعتی را در دهه قبل مشخص میدارد، با مسائل، و نیازها و ویژگیهای کار صنعتی در شرایط امروز انگیزه اصلی در برگردان آنست.

داده‌های این کتاب حاصل کوششهای گروه جامعه‌شناسی شهری در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۲۰۲۰ است، جمعیت نمونه آن را ۳۰۰ کارگر صنعتی تشکیل میدهند



## پنج

که بطور تعادفی گزیده شده‌اند و در آن پل وی بی ( P.Vicille ) بعنوان مدیر تحقیق ، مرتضی کتبی وابسته تحقیق و عطارها ، محتاط ، استیفا بعنوان تکنیسین شرکت داشته‌اند برگردان آن از سال ۲۰۲۷ آغازگردید که مسائل بسیاری در چاپ نهائی موجبات تأخیرش را فراهم آورد. بسال ۲۰۳۹ آقای مرتضی ثاقب‌فردر برگردان چند قسمت از کتاب همت‌گماشت که امکان تداوم نیافت .

باشد که در این کوششها نه‌تنها آهنگ حرکت در زندگی هزاران کارگر ایرانی دیده شود ، بلکه مسیر تحرك نیز بدست آید که خود در شناسائی آینده مهمترین بعد صنعت یعنی نیروی انسانی آن مارا یاری خواهد کرد

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## فصل اول

### محیط جغرافیائی نخستین

هدف مادر این فصل، پاسخ به کلی‌ترین پرسش‌هایی است که درباره محیط یک جمعیت صنعتی مطرح میشود. نخستین پرسش شاید این باشد که منشأ جغرافیائی این جمعیت کجاست، یعنی این عده تاچه حد از روستاها و یا شهرهای ایران برخاسته‌اند؟ دیگر آنکه سابقه سکونت خویشات کارگران در محل تولد آنان به چند سال میرسد؟ تحرک جغرافیائی کارگران در دوران کودکی ونوجوانی آنان چگونه بوده است؟

اما با توجه به خصوصیات جغرافیائی این مناطق، بدون در نظر گرفتن مشخصات اجتماعی روستا یا شهر، تبیین تفاوتها ویا تجانس آنان ازین طریق بی‌معنا خواهد بود. در این‌جا، بخصوص خواهیم کوشید تا برپاره‌ای از مشخصات گروه‌هایی که در محیط‌های اولیه کارگران وجود داشته‌اند، تکیه بیشتری نمائیم، به بررسی پویائی آنها به پردازیم وجنبه‌هایی از اوضاع شغلی آنها را آشکار سازیم. اما کوشش مابیشتر معطوف به مطالعه ساخت اجتماعی یعنی وجود یا عدم الگوهای زندگی فنودالی در این روستاها خواهد بود. بدین معنا که می‌خواهیم ببینیم آیا سازمان‌بندی خانوار در این روستاها بصورت طایفه‌ای است یاخیر؟ روابط بین طوایف ویا هر نوع ارتباطی که گروه‌های ساکن در منطقه بایکدیگر دارند، چگونه است؟ علاوه براین، مقام وموقعیت خانوار وطایفه اولیه کارگر پاسخگو را مطالعه می‌کنیم (طایفه‌گروهی است که بر اساس خویشاوندی بوجود می‌آید واصطلاح فرانسوی «Lignage» ترجمه دقیقی برای آن نیست). به عبارت دیگر، از خود می‌پرسیدیم آیا این کارگران به خانواده‌های غنی تعلق داشته‌اند ویا فقیر، به قشرهای بالای جامعه خود وابسته بوده‌اند ویا ازگروه‌های پائین آن برخاسته‌اند؟

این فصل به ۳ مبحث تقسیم شده است. مبحث نخست به بحث درباره خصوصیات کلی کارگران تهران اختصاص یافته است. مبحث دوم از مشخصات اجتماعی روستاها گفتگو می‌کند ودر مبحث سوم به مشخصات اجتماعی شهرهای اولیه کارگران مهاجر می‌پردازیم.

### کلیات :

الف - در این مبحث، که مشخصات محیط اولیه کارگران وخصوصیات سنی آنها مورد نظر است، مطالب زیر به ترتیب مطرح خواهد شد:

۱- توزیع کارگران برحسب محل تولد.

۲- ترکیب سنی کارگران.

۳- تحرک کارگران پاسخگو قبل از ۱۸ سالگی.

۱- توزیع کارگران برحسب محل تولد:

الف- توزیع کارگران برحسب محل تولد:

از میان ۲۹۳ کارگری که به پرسش‌های ما پاسخ داده‌اند و فعلاً در تهران زندگی می‌کنند، ۲۰۰ نفر یعنی بالغ بر ۲/۳ آنها در دهات متولد شده‌اند و ۹۳ نفر دیگر در شهرها تولد یافته‌اند (منظور از شهرها نقاطی است که بیش از ۵ هزار نفر در آنها ساکن هستند).

توزیع ۹۳ کارگری که منشاء شهری داشته‌اند، به ترتیب زیر بوده است:

۲۸ نفر متولد تهران بوده‌اند (یعنی ۱۰٪ کل جمعیت نمونه) ۲۲ نفر در مراکز استانها مانند تبریز، اصفهان، شیراز، رشت، مشهد، اهواز، کرمانشاهان، سنندج، کرمان و ساری متولد شده‌اند و ۴۳ نفر دیگر متولد سایر شهرها بوده‌اند. هیچیک از کارگران جامعه نمونه، از اقبایل چادرنشین ایران برنخاسته‌اند.

ب- توزیع کارگران برحسب شهرستانهایی که در آنها متولد شده‌اند:

از میان ۲۹۳ کارگر مورد مطالعه، ۲۴ نفر یعنی ۶/۱۱٪ کل جمعیت در شهرستان تهران (۱۸ نفر در خود پایتخت و ۶ نفر در روستاهای اطراف آن) متولد شده‌اند. سرشماری سال ۲۰۱۰ که یگانه منبع مادرین تحقیق در مورد جمعیت ایران است، نشان میدهد که در گروه سنی میان ۲۰ تا ۴۰ سال (نزدیک‌ترین گروه از لحاظ سنی به جامعه نمونه‌ای که مورد بررسی ما قرار گرفته است) ۳۱/۲٪ جمعیت پایتخت در اطراف شهرستان تهران متولد شده‌اند. اختلاف، با ارقام سرشماری عمومی سال ۲۰۱۰ نه معلول تفاوت میان گروههای سنی مورد بررسی و سرشماری است و نه از تحول جمعیت پایتخت میان سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۰۴ ناشی میشود، بلکه باید پذیرفت منشاء جمعیت کارگر پایتخت بیشتر روستائی است تا شهری.

۲۰۹ کارگری که منشاء آنها شهرستانهای دیگری بجز تهران بوده است به ترتیب

زیر توزیع میشوند:

(شهرستانهایی را که کمتر از ۵ مهاجر از آنها برخاسته‌اند، جمعاً یکجا یادداشت

کرده‌ایم).

شهرها	دهات	جمع
تبریز	۱۹	۲۷
اردبیل	۲۰	۲۰
سراب	۲۱	۲۳
قزوین	۱۳	۱۸
اصفهان	۱۳	۱۶
رشت	۹	۱۴
اراک	۱۲	۱۳
زنجان	۶	۷
کرج	۷	۷
ساوه	۷	۷
ملایر	۵	۶
الیگودرز	۵	۵
مشهد	۳	۵
میانه	۵	۵
دیگرشهرها	۴۷	۷۰
خارج	—	۵
بی پاسخ	۲	۲
جمع:	۱۹۴	۲۵۹

از مقایسه نسبت مهاجرین هریک از شهرستانها در تهران در جمعیت نمونه با آنچه سرشماری عمومی در این مورد بدست میدهد، جدول زیر حاصل میشود:

سرشماری	جمعیت نمونه	سرشماری
۱۱/۷	۱۰/۶	تبریز
۶/۶	۹/۸	اردبیل
۱/۴	۹/۱	سراب
۵/۹	۷/۱	قزوین
۶/۳	۶/۳	اصفهان
۴/۴	۵/۵	رشت
۹/۷	۵/۱	اراک
۳/۷	۴/۳	زنجان

۱	۲/۸	کرج
۲/۲	۲/۸	ساوه
۱/۹	۲/۴	ملایر
۰/۲	۲	الیگودرز
۳/۶	۲	مشهد
۰/۸	۲	میانه
<u>۴۰/۶</u>	<u>۲۸/۳</u>	<u>تکرار شهرها</u>
۱۰۰	۱۰۰	جمع کل:

ملاحظه میشود که ۱۴ شهرستانی که بیش از سایرین به جمعیت نمونه ما مهاجر داده‌اند، در کل جمعیت تهران آنچنان مهاجر فراوانی ندارند (۷۱/۷٪ در برابر ۵۹/۴٪). این تفاوت، ناشی از تعداد بیشتر مهاجرین ترک زبان در جمعیت نمونه ماست. به عبارت دیگر کارگران ۶ شهرستان ترک زبان (زنجان، تبریز، سراب اردبیل، میانه، قزوین)، ۴۲/۹٪ جمعیت نمونه ما را تشکیل میدهند. در حالیکه تنها ۳۰/۱٪ کل جمعیت تهران از این نواحی برخاسته‌اند. بنابراین، باید پذیرفت که ترک زبانها تمایل مخصوصی به انجام فعالیتهای یدی و مخصوصاً کارگری ساده دارند.

### ۲ - ترکیب سنی کارگران

از ابتدا تصمیم گرفته شد کارگران مورد بررسی دارای سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال باشند، عدم دقت دفاتر کارخانه‌ها اجازه نمیداد که چنین تصمیمی بخوبی جامه عمل بپوشد. بنابراین، مصاحبه با کارگرانی بعمل آمد که بطور اتفاقی انتخاب شده بودند. جوانترین آنها ۲۸ سال داشت و مسن‌ترین آنها ۶۵ سال و با تشکیل مقاطع سنی ۵ ساله، توزیع سنی کارگران به ترتیب زیر حاصل میگردد:

گروههای سنی	تعداد کارگران	درصد
کمتر از ۲۰ سال	۸	۲/۷
۲۰ تا ۲۵	۶۰	۲۰/۵
۲۵ تا ۳۰	۶۷	۲۲/۸
۳۰ تا ۳۵	۵۵	۱۸/۸
۳۵ تا ۴۰	۵۶	۱۹/۱
۴۰ تا ۴۵	۲۸	۹/۶
۴۵ تا ۵۰	۱۹	۶/۵
۵۰ و بیشتر		
<u>جمع:</u>	<u>۲۹۳</u>	<u>۱۰۰</u>

بجاست مقایسه‌ای بین توزیع سنی کارگران مورد بررسی و جمعیت مرد در تهران بعمل آوریم و مخصوصاً گروههای سنی ۲۵ تا ۳۴ و ۳۴ تا ۶۴ سال را مورد توجه قرار دهیم.

در جامعه نمونه ارقام زیر ملاحظه میشوند:

یعنی ۵۳/۰٪	۱۲۷	۲۵-۳۴ سال
یعنی ۴۶/۰٪	۱۱۱	۳۵-۴۴ سال
یعنی ۱۰۰/۰٪	۲۳۸	جمع:

شناسائی توزیع سنی جمعیت تهران جز با مراجعه به سرشماری سال ۲۵۱۰ میسر نیست. افرادی که در سال ۲۵۲۲ سنی میان ۲ تا ۳۴ سال دارند و آنهاست که میان ۳۵ تا ۴۴ ساله هستند، در سال ۲۵۱۰ سن آنها میان ۱۳ تا ۲۸ و ۲۷ تا ۳۷ سال بوده است. بنابراین، در سرشماری سال ۲۵۱۰ در ۳ گروه سنی زیر جای میگرفته اند:

۱ تا ۲۴ سال	- / ۱۶۴۰۰۰ نفر
۲۵ تا ۳۴ سال	- / ۱۴۲۰۰۰ نفر
۳۵-۴۴ سال	- / ۹۲۰۰۰ نفر

فرض میکنیم (فرضی که البته تا حدودی بسیار تخمینی است) که در داخل هر یک از این گروههای سنی، توزیع افراد بطور یکسان صورت پذیرد، بدین ترتیب، میتوان اهمیت جمعیتی را که در سال ۲۵۱۰ در گروههای سنی ۱۳ تا ۲۸ و ۲۷ تا ۳۷ سال جای میگرفت، چنین حدس زد:

یعنی ۵۶/۰٪	- / ۱۶۴۴۰۰	۲۳ تا ۲۷ سال
یعنی ۴۳/۰٪	- / ۱۲۶۰۰۰	۲۸ تا ۳۷ سال
یعنی ۱۰۰/۰٪	- / ۲۹۰۴۰۰	جمع:

در خلال ۷ ساله‌ای که سرشماری را از تحقیق ما جدا میکند، مرگ و میر در دو گروه بالا ضعیف و مشابه با یکدیگر بوده است، پس میتوان پذیرفت که به نسبت سالمندتر شدن آنها، میزان دو گروه سنی نسبت به کل جمعیت بطور معننا بهی تغییر نیافته است. اما تعداد آنها تحت تأثیر مهاجرتهاى که در نیمه اول ۷ سال مورد بحث مابوقوع پیوسته، در نیمه دوم به کاستی گرائیده است. میتوان پذیرفت (نتایجی که با در نظر گرفتن توزیع سنی مهاجرین بدست میآید، مؤید این مطلب است) که مهاجرتها موجب افزایش تعداد افرادی شده اند که به گروههای جوان تعلق دارند.

چنین مقایسه‌ای میان سن کارگر و کل جمعیت مرد تهران، ما را باین نتیجه میرساند که جمعیت کارگر مافعلا سالمندتر است و این نتیجه با سایر نتایجی که بدست آورده ایم (از آن جمله نتایجی که از تحرک حرفه‌ای کسب کرده ایم) تفاوت چندانی ندارد.

## ۳- زمان سکونت خانواده در محیط اولیه:

از پرسش‌های مطرح شده در خصوص تحرک جغرافیائی در چند نسل توضیحاتی این چنین بدست می‌آید: (باید اضافه کنیم که منظور ماصرفاً محل تولد است نه منطقه‌ای که این محل در آن قرار می‌گیرد).

پاسخ‌ها در سه گروه طبقه‌بندی شده‌اند:

۱- فقط از یک نسل باین طرف

۲- از دو نسل پیش

۳- از ۳ نسل و بیشتر

در طبقه‌بندی آخر، جوابهائی از قبیل، «نسل پشت‌بجیل» و «جدپشت‌جد» نیز گنجانیده

شده‌اند. از تقاطع نتایج بدست آمده با محل تولد کارگران جدول زیر بدست می‌آید:

محل تولد					منطقه سکونت
تهران	مراکز استانها	شهرهای دیگر	دهات	جمع کل	
۱۰	۴	۵	۱۱	۳۰	یک نسل
۴	۴	۳	۱۱	۲۲	دو نسل
۱۴	۱۴	۳۵	۱۲۶	۲۲۹	۳ نسل و بیشتر
-	-	-	۲	۲	بی جواب
۲۸	۲۲	۴۳	۲۰۰	۲۹۳	جمع

مدت سکونت در محل تولد به محض اینکه کارگران متولد تهران را کنار می‌گذاریم و به کارگران متولد در دهات می‌پردازیم، افزایش مییابد (۵۰٪ خانواده‌های کارگران متولد تهران از ۳ نسل پیش در همان شهر زندگی میکنند). در مورد مراکز استانها این نسبت به ۶/۶۳٪ میرسد، در حالیکه در شهرهای دیگر به ۵/۸۱ درصد افزایش مییابد و در دهات ۸۸٪ مییابد. کمتر از ۵٪ خانواده‌های مجموع کارگران مورد بررسی از ۳ نسل به اینطرف در تهران متولد شده‌اند.





۴- تحرک کارگران پاسخگو قبل از ۱۸ سالگی :

تغییر محل مسکونی کارگران را قبل از ۱۸ سالگی بادر نظر گرفتن سنی که در طی آن این تغییر رخ داده است بررسی و تحلیل کرده نتایج زیر را بدست آورده ایم:

بادر نظر گرفتن این مطلب که سنین بالا دقت لازم را ندارند و آنچه از جدول بالا بدست می آید صرفاً جریان کلی تحول را مشخص میکند، ملاحظات زیر میتواند قابل قبول باشد: - قبل از ۱۸ سالگی، ۱۵۹ کارگر یعنی ۵۴٪ کل جمعیت نمونه مادر محیط اولیه خود ثابت بوده اند. قبل از ۱۴ سالگی (سنی که در واقع پایان کودکی است)، ۲۲۶ کارگر یعنی ۷۷٪ محل مسکونی خود را تغییر نداده اند.

قبل از ۱۸ سالگی، ۱۳۴ کارگر، یعنی ۴۶٪ کل کارگران، دست کم یک بار محیط اولیه خود را تغییر داده اند، نیمی از این کارگران بعد از ۱۳ سالگی دست به چنین تغییری زده اند. ۲۳- کارگر (یعنی ۸٪ آنها) دست کم دوبار محیط اولیه خود را قبل از ۱۸ سالگی، ۲ کارگر دست کم ۴ بار محیط مسکونی خود را تعویض کرده اند.

اکنون به بررسی مفهوم تحرک جغرافیائی کارگران قبل از ۱۸ سالگی میپردازیم، ۱۳۴ تغییری که در جهت تعویض محل مسکونی اول به دوم حادث شده است به ترتیب زیر تجزیه میشود (از دوسورد که در آن محل ثانوی سکونت با دقت یادداشت نشده است صرف نظر گردیده است).

- در ۱۲۰ مورد از ۱۳۲ مورد (یعنی در ۹۱٪ موارد) تحرک موجب گرایش

محل سکونت دوم					محل سکونت اولیه
تهران	مراکز استانها	شهرهای دیگر	رهات	جمع	
-	-	۱	-	۱	تهران
۸	۱	۱	-	۱۰	مراکز استانها
۱۴	۳	۴	۱	۲۲	شهرهای دیگر
۶۹	۱۳	۱۳	۴	۹۹	رهات
۹۱	۱۲	۱۹	۶	۱۳۲	جمع

کارگران از نقاط کم جمعیت به نقاط بزرگتر گردیده است. در مورد تغییر محیط موجب گرایش به منطقه‌ای گردیده است که جمعیت کمتری نسبت به محیط اولیه داشته است.

۹۰ کارگری که از روستاها برخاسته‌اند (۴۷٪ کل جمعیت روستائی در جامعه نمونه ما) بسوی شهرها رهسپار شده‌اند (۶۹ نفر آنها مستقیماً بسوی پایتخت عزیمت کرده‌اند و ۲۱ کارگر شهرنشین، شهر خود را به مقصد پایتخت ترک گفته‌اند).

تعویض محل سکونت دوم به سوم کمتر اتفاق می‌افتد، لیکن کمبود تعداد نمونه امکان هرنوع نتیجه‌گیری و تحلیل معتبر و علمی را در این مورد از بین می‌برد. باین همه، در جدول زیر چگونگی این نوع تحرک را بررسی میکنیم:

محل سکونت سوم					محل سکونت دوم	
جمع	دهات	شهرهای دیگر	مراکز استانها	تهران		
۳	۱	۱	۱	-		تهران
۹	۱	۲	۱	۵		مراکز استانها
۷	-	۱	۱	۵		شهرهای دیگر
۱	-	-	-	۱		دهات
۲۰	۲	۴	۳	۱۱		جمع

اکنون به بررسی و محاسبه بردیا باخت هر منطقه سپرداریم. یعنی توزیع جمعیت مورد مطالعه را در سن ۱۸ سالگی مورد تحقیق قرار می‌دهیم. (طبق معمول در این جائیز از مواردی که قبلاً استثنا کرده‌ایم چشم می‌پوشیم).

حرکات کارگران مورد مطالعه قبل از ۱۸ سالگی از نظر جغرافیائی، موجب عزیمت از دهات و مهاجرت بسوی تهران میگردد. شهرهای دیگر بخصوص مراکز استانها، بردو باخت یادادوستدهائی از نظر جمعیتی داشته‌اند که تقریباً یکدیگر را جبران کرده است. در واقع مراکز استانها نقش توقفگاه موقتی را میان دهات و تهران ایفا میکنند. محیط اولیه کارگران روستائی الاصل، به استثناء مواردی که هیچگونه خاطره‌ای درباره آن نداشته‌اند، اغلب،

محل	توزیع در هنگام تولد	برد	باخت	توزیع در ۱۸ سالگی
تهران	۲۸	۱۰۲	۴	۱۲۶
مراکز استانها	۲۲	۱۸	۱۷	۲۳
دهات	۲۰۰	۳	تبریز	۱۰۷
شهرهای دیگر	۴۳	۱۸		۳۷
جمع	۲۹۳	۱۴۱	۱۴۱	۲۹۳

همان محل تولدشان است، لذا کوشش میشود تا محیط‌های مسکونی دوم در مورد آنان مورد تحلیل قرارگیرد. بدین ترتیب، احتمالاً تعدادی چند از محیط‌های روستائی کاسته میشود و در مقابل برواحدهای شهری مورد بررسی افزوده میشود. بنابراین، در صفحات بعد، به تحلیل ۱۹۹ محیط روستائی و ۹ محیط شهری بعنوان محیط اولیه کارگران میپردازیم.

بد مشخصات اجتماعی مناطق روستائی نخستین

در این قسمت، خواهیم کوشید تا مشخصات بعضی از گروههای اولیه را که کارگران در محل مسکونی با آنها در تماس بوده‌اند، یا بطور دقیق‌تر، تصویری را که فعلاً کارگران از آنها دارند، مطرح و بررسی نمائیم.

ابتدا، تحت عنوان «روستا» سه ویژگی یا صفت مشخصه را شامل وضع مالکیت (که نشان دهنده میزان سلطه فئودالیزم در روستاست)، قدمت خود روستاها و تمایل آن به توسعه (که خودگواهی برپویائی دهکده میباشد) و نیز ترکیب شغلی اهالی روستا (که خود نمودار توزیع فعالیتهای حرفه‌ای در روستاست) ، مورد تحلیل قرار میدهیم. سپس به بررسی ساخت داخلی دهکده و به ویژه تقسیم‌بندی آن به طوایف (که مدتها بعنوان الگوی جاری سازمان بندی جوامع روستائی شناخته شده بود)، میپردازیم و سرانجام درباره روابط میان طوایف در داخل دهکده و روابط دهات با یکدیگر به اختصار سخن خواهیم گفت. در پایان کار، طایفه یا خانوار اولیه خود کارگر مورد نظر را عنوان کرده و به بررسی موقعیت و مقام ، آن در داخل روستا خواهیم پرداخت.

## ۱- انواع روستاهای نخستین:

الف- وضع مالکیت:

زمین ده معمولاً به مالکینی تعلق دارد که خود در کشت و زرع دخالتی ندارند. با این همه، چگونگی این تملک با در نظر گرفتن ماهیت صاحب ملک تنوعی ویژه می‌یابد و موارد زیر را میتوان در این زمینه برشمرد:

۱- دهاتی که به قطعاتی تقسیم شده و هر قطعه از آن مالکی است (خرده مالکی که خود به کشت و زرع نمی‌پردازد، یعنی کشاورز نیست). چه خوب بود اگر می‌توانستیم میان این دو نوع مالکیت تفاوتی قائل شویم و مشخصات هر یک را بطور دقیق بررسی کنیم. لیکن، پرسشگران، کمتر توضیحات دقیقتری از پاسخگویان می‌خواستند و فقط واژه «خرده مالک» تکرار شده است. بدون آنکه مشخص شود چه نسبتی از پاسخگویان در خود ده زارع بوده‌اند. شاید این امر یعنی عدم توجه پاسخگویان (یا پرسشگران) به جدا کردن این دو حالت از یکدیگر مربوط به این باشد که کمتر خرده مالکی در ده به زارعت می‌پردازد (تعداد اندکی از آنها را در بین پدران پاسخگویان ملاحظه می‌کنیم و تقریباً هیچگاه، هیچیک از آنان مالک کل ده نیست).

۲- تمام ده متعلق به مالک واحدی است، خواه این مالک در شمار فئودالها (اریاب) باشد و خواه در شمار اشراف (آریستوکرات‌ها).

۳- دهات خالصه

۴- روستاهای وقفی

توزیع ۱۹۹ روستا که بعنوان محیط اولیه و خاستگاه نخستین ۱۹۹ کارگر معرفی شده به قرار زیر است:

درصد	تعداد	
۶۵/۴	۱۳۰	خرده مالکی
۵	۱۰	مالکیت اشراف
۲۸/۱	۵۶	مالکیت فئودالها
۱/۵	۳	دهات خالصه
.	.	دهات وقفی
۱۰۰/۰	۱۹۹	جمع

تمایل ما آن بود که با در نظر گرفتن توزیع فوق، به بررسی تأثیر نوع مالکیت بر چگونگی مهاجرت بپردازیم. اما متأسفانه سرشماری سال ۲۵۱۵ میان دهاتی که خرده مالک دارند و دهاتی که متعلق به یک مالک هستند، تفاوتی قائل نشده است. در صورتیکه، برعکس

در همین سرشماری تفاوت میان مالکینی که خود به زراعت و بهره‌برداری می‌پردازند و کسانی که صرفاً مالک ده هستند، در نظر گرفته شده است.

در عین حال، دهاتی را که بکلی یکی از این دو نظام تعلق دارند با دهاتی که هر دو نظام را در خود پذیرفته‌اند، از یکدیگر متمایز نکرده است. از این رو، اطلاعات حاصله از این سرشماری زمینه مقایسه جالبی را فراهم نمی‌سازد. مهمترین نتیجه‌ای که از این توزیع بدست می‌آید، اهمیت قابل ملاحظه‌ای است که مالکیت منقسم یا خرده مالکی در دهات ایران بخود می‌گیرد و این خود شکلی از تولید روستائی است که با نظام فئودالی فرق دارد و در آن این امکان که چگونگی توزیع محصولات تولید شده صورت فئودالی بخود نگیرد، حتی اگر فشار اقتصادی مالک بر زارع کاهش نیافته باشد بسیار است.

علاوه بر آن، در این جدول ملاحظه میشود که روستاهای خالصه اهمیت کمتری دارند و دهات وقتی به هیچ وجه در آنها یافت نمیشوند و این خود نشانه‌ای است از تعداد این گونه روستاها در سراسر کشور.  
ب- قدمت روستا:

در میان ۱۹۹ روستائی که محیط اولیه کارگران را تشکیل میدهند، دهکده بتازگی پس از بزیرکشت در آمدن زمین‌های جدید بوجود آمده است. ۶۰۰ روستا نیز اخیراً زمینهای تازه‌ای را بخود ملحق کرده‌اند و بنابراین، بطور کلی ۳۳٪ دهات نخستین در طی ده سال اخیر به گسترش زمین زراعی خود پرداخته‌اند. این نکته قابل توجه است که گسترش ده مانع جدی مهاجرت روستائیان نشده است. (افزایش جمعیت روستا معمولاً سریع‌تر بوده و بدین ترتیب امتیازاتی را که گسترش زمین زراعی ده برای روستائیان فراهم میکرد، خنثی کرده است).  
پد وضع شغلی در روستاهای نخستین:

از نظر حرفه‌ای، محیطی که کارگر امروز کودکی خود را در آن گذرانیده است، تا حدودی باعث آشنائی مقدماتی وی با مسائل فنی کنونی گشته است. لیکن، محیط اولیه کارگر هرچه بوده باشد، آنچه از نظر حرفه‌ای برای وی اهمیت دارد، هنوز در خاطر او مضبوط است. از اینرو، تصویری که کارگر امروز از ساخت شغلی روستای اولیه خود دارد، گویای واقعی چگونگی دهات ایران از این جهت است. بی‌تردید، در این بحث، سخن ما متوجه فعالیت‌هایی است که خارج از فلور و کشت و زرع در دهات جریان می‌یابند. فعالیت‌هایی که کارگران بدانها اشاره میکنند به گروههای زیر تقسیم شده‌اند:

۱- دادوستدهائی که در مورد مواد غذایی انجام میشوند (نانوائی، قصابی، بقالی و

جزاین‌ها...).

۲- دادوستدهائی که بر روی مواد دیگری بجز مواد غذائی انجام میشوند (پارچه لباس، کفش وغیره...).

۳- پیشه‌وران قدیمی وستنی (نعلبند، قالی باف، کوزه‌گر، مسگرو...).

۴- خدمات متفرقه (آرایشگر، حمامی ونظایر آن...).

۵- امور دینی (ملائی، آخوندی و...).

۶- پیشه‌وران جدید (تعمیرکاری ماشین، تعمیر دوچرخه وباصطلاح دوچرخه‌سازی... وکارگران مربوط).

۷- رباخوران.

۸- کارمندان (ژاندارم، کارمندان اداری وغیره...).

۹- اطباوداروسازان.

درهریک از روستاها، به شمارش نوع فعالیت‌های موجود در آن پرداخته‌ایم وهریک

ازگروه‌های شغلی را به ترتیب تعداد دفعاتی که نام آن آورده شده است یادداشت کرده‌ایم.

تعداد	مشاغل
۱۵۸	۱- خرده‌فروشی مواد غذائی
۱۴۷	۲- خدمات متفرقه (مربوط به بهداشت تن)
۱۴۰	۳- امور دینی
۱۰۵	۴- پیشه‌وران قدیمی
۵۴	۵- رباخوران
۱۵	۶- خرده‌فروشی مواد غیرغذائی
۸	۷- کارمندان
۴	۸- اطباء وداروسازان

این ارقام، وضع شغلی روستاهائی را که کارگران مورد مطالعه مادر آنها متولد شده‌اند، بطور دقیق نشان میدهد. دادوستد مواد اولیه، خدمات مربوط به آرایش وپیرایش تن، وامور دینی، گروه شغلی را تشکیل میدهند که در ۷۰ تا ۷۵ درصد دهات ایران وجود دارند. در بیش از نیمی از دهات این کشور پیشه‌وران قدیمی وجود دارند و در برخی از آنها رباخوران حرفه‌ای یافت میشوند، (عملاً ربا در میان اکثر کسبه رواج دارد). از این چند گروه شغلی که بگذریم، کمتر روستائی هست که گروه شغلی دیگری در خود داشته باشد، بطور کلی، ساخت شغلی دهات ایران بیش از ۳ گروه از گروه حرفه‌ای رادارا نیست.

## ۲- تقسیم دهات نخستین به طوایف؛ روابط میان طوایف و روستاها

در این جا، هدف ما تحلیل گوشه‌هائی از روابط اجتماعی در روستاها است. ابتدا به بحث درباره توزیع جمعیت دهات بر حسب طوایف یعنی گروه‌های رقیب که بر اساس روابط تولیدی بوجود می‌آیند، می‌پردازیم. سپس روابط بین دهات را مطرح می‌کنیم، و نگاه سخن از نقش ازدواج در ایجاد استحکام روابط در دهات خواهیم‌راند.

الف- فراوانی طایفه‌ها در روستاهای نخستین به‌قرار زیر است:

تعداد طوایف:	تعداد دهات	درصد (از کل دهات)
یک طایفه	۱۵	۷/۵
دو طایفه	۲۰	۱۰/۵
سه طایفه و بیشتر	۱۴۶	۷۳/۴
تعداد طوایف بدقت مشخص نشده‌اند	۴	۲
دهاتی که دارای طایفه مشخصی نیستند	۱۳	۶/۵
بدون پاسخ	۱	۰/۵
جمع:	۱۹۹	۱۰۰/۵

در طبقه‌بندی دهات به یک طایفه‌ای، دو طایفه‌ای، سه طایفه‌ای و بیشتر، بهتر بود روستاها را بطور دقیق‌تر تقسیم می‌کردیم. باین همه، باید متذکر شد که پاسخ‌ها اغلب مبهم بوده‌اند؛ افراد غالباً در این مورد جوابهائی بدین صورت میدادند: «روستای مادارای چند طایفه بود» این پاسخ نشان دهنده این است که تعداد طایفه‌ها از رقم یک بیشتر بوده است، بدون اینکه تعدد چندانی یافته باشد. در قسمت «تعداد طوایف نامعلوم است» و یا بی‌جواب پرسشنامه هائی راجا می‌دادیم که در آن به سؤال مربوط به تعداد طایفه‌ها پاسخ داده نشده است، در حالیکه، همه‌جا در پرسشنامه قراین نشان میدادند که حتماً یک یا چند طایفه در روستا بوده است.

بطور کلی، در ۱۸۵ روستا (یعنی ۹۳٪ کل روستاها)، طایفه بعنوان یک واقعیت اجتماعی تجلی می‌کند. علاوه بر این، در ۱۶۶ روستا (یعنی ۸۳/۵٪ کم کل روستاها) مطمئناً بیش از یک طایفه در ده وجود دارد.

بد اکنون ۱۸۵ روستائی را که جمعیت آنها از یک یا چند طایفه تشکیل یافته است، در نظر می‌گیریم. در ۱۷۱ مورد، (یعنی ۹۲/۵٪ موارد) خانواده کارگر پاسخ دهنده به یکی از آن طوایف تعلق داشته است و در ۱۴ مورد به هیچ‌یک از آنان تعلق نداشته است (همه



این دهات از جمله روستاهائی بودند که در آن‌ها بیش از یک طایفه وجود نداشته است). بدین قرار، ۸۶٪ از خانوارهای اولیه کارگران به یک طایفه تعلق داشته‌اند.

پد وسعت و حدود طایفه اولیه کارگران به ترتیب زیر توزیع میشود:

طایفه های محدود	۱۰۶
طایفه های گسترده در یک ده	۱۳
طایفه های گسترده در دوده	۱۲
طایفه های گسترده در سه ده	۱۳
طایفه های گسترده در چهار ده	۶
طایفه های گسترده در ده	۴
طایفه های گسترده در ۶ ده و بیشتر	۱۱
بدون پاسخ	۶
جمع:	۱۷۱

در ۳۴/۵٪ موارد که کارگر پاسخگو به یک طایفه تعلق داشت، این طایفه از محدوده جغرافیائی یک روستا خارج میشد. در صورت گستردگی طایفه، معمولا شماره دهات مربوط بدان زیاد نیست. بنابراین، گرایش طوایف بدان است که در حدود روستای خود باقی بمانند و یا اقل فقط اندکی از محدوده جغرافیائی آن بیرون روند. شکل خارجی‌ای که طایفه بخود می‌گیرد، با قدرت آن در داخل هر ده بستگی دارد. زیرا رقابت میان طوایف در دورن یک ده جریان می‌یابد. با این همه، گسترش طایفه بهر شکلی که انجام‌گیرد، میتواند به افزایش نیروی آن در داخل ده بینجامد.

حال به بررسی فرضیاتی چند در مورد رابطه گسترش طایفه و دیگر پدیده‌های اجتماعی در ده یا در طوایف دیگر، مپیردازیم:

فرضیه اول: هر قدر شماره طایفه‌ها در روستا محدودتر باشد، بهمان میزان گسترش آنها افزایش می‌یابد. این امر نتیجه مستقیم قدرت طوایف در داخل روستاهاست. میدانیم در بعضی از دهات سازمان اجتماعی‌ای وجود دارد که دارای ریشه ایلی است و در داخل هر ایل هر طایفه در چندین دهکده گسترش می‌یابد.

این فرضیه چندان قابل قبول بنظر نمی‌رسد، زیرا میان گسترش طوایف و تعداد آنها در داخل یک روستا ارتباط دقیقی بچشم نمی‌خورد.

فرضیه دوم: گسترش مالکیت و توسعه طوایف دو پدیده مرتبط با یکدیگرند، چون طایفه نتیجه یک سلسله روابط تولیدی است، بنابراین باید بانوع مالکیت در ارتباط باشد،

گسترش طایفه از حدود روستا				تعداد طوایف در روستا
جمع	دیگر	گسترده	بدون گسترش	
۱۵	۱	۴	۱۰	۱ طایفه
۲۰	۲	۷	۱۱	۲ طایفه
۱۴۶	۱۷	۴۶	۸۳	۳ طایفه و بیشتر
۱۸	۱۴	۲	۲	دیگر
۱۹۹	۳۴	۵۹	۱۰۶	جمع

یعنی هنگامی که روستائی به یک مالک بزرگ تعلق دارد، گسترش طوایف باید سریع تر و مهم تر باشد

نوع مالکیت				گسترش طایفه
جمع	دیگر حالات	بزرگ	تقسیم شده	
۱۰۶	۱	۳۰	۷۵	بدون گسترش
۵۹	۲	۲۲	۳۵	گسترده
۳۴	-	۱۴	۲۰	دیگر حالات
۱۹۹	۳	۶۶	۱۳۰	جمع

۲۸ درصد طوایفی که گسترشی ندارند یعنی محدود هستند و ۳۷٪ طوایفی که از محدوده جغرافیائی روستا در میگذرند، در روستاهائی مستقر هستند که از طریق فنودالیزم یعنی مالکیت بر اراضی وسیع اداره میشوند.

این فرضیه رامیتوان تا اندازه‌ای پذیرفت ولی نه بطور کامل.

فرضیه سوم: توسعه یک طایفه میان چند روستا موجب استحکام قدرت آن در داخل هریک از این روستاها میشود، زیرا بدین ترتیب، این طایفه میتواند روابط تولیدی مناسب‌تری برای خود بوجود آورد.

گسترش طایفه				قدرت طایفه در داخل روستا
بدون گسترش	گسترده	موارد دیگر	جمع	
۱۰	۴	۱	۱۵	طایفه‌های تنها
۲۲	۱۸	۲	۴۲	طایفه‌های برتر و مستغذ
۲۲	۱۵	-	۲۷	طوایف متوسط و پسا با وضع مختلط
۴۸	۲۲	۳	۷۳	طوایف ضعیف
۴	-	۲۸	۳۲	موارد دیگر
۱۰۶	۵۹	۳۴	۱۹۹	جمع

۴۵٪ طوایفی که از حدود جغرافیائی روستا فراتر نمی‌روند، ضعیف هستند؛ در حالیکه، فقط ۳۷٪ طایفه‌هایی که از این حدود تجاوز می‌کنند، تا این حد ضعیف بنظر میرسند. باین همه، این فرضیه نیز چندان قابل قبول بنظر نمی‌رسد.

ج- تحلیل اختلافات و کشمکشهای میان روستاهای اولیه کارگران پاسخگو با دهات مجاور بسادگی امکان‌پذیر نیست، زیرا، اغلب ایشان بجای واژه «کشمکش» از لغاتی مانند دعوا و زدو خورد استفاده کرده‌اند و این واژه‌ها لزوماً نمیتوانند نمایشگر کشمکش اجتماعی بصورت یک واقعت مداوم و پی‌گیر در جامعه باشند. از میان ۱۹۹ کارگری که منشاء روستائی داشته‌اند، ۶۷ نفر دارای خاطراتی حاکی از زدو خورد و یا نوعی برخورد شدید میان روستاها بوده‌اند.

چ- این برخوردها اغلب میان دهاتی واقع شده‌اند که بستگی طایفه‌ای باروستای پاسخگو نداشته‌اند.

تعداد

۵۵	هنگامی که دهات متخاصم از طوایف گوناگونند
۸	هنگامی که میان دهات متخاصم بستگی طایفه‌ای دیده میشود
۲	هنگامی که میان دهات متخاصم بستگی محدود وجود دارد
۲	بدون جواب
۶۷	جمع:

د- ۶۴ کارگر به دشمنی و کشمکش میان دهات اشاره می‌کنند (۳ نفر درین مورد خاطره‌ای ندارند) و ما ۹۵ دلیل رادر ۳ گروه جداگانه تقسیم‌بندی کرده و بررسی می‌کنیم:

۱- کشمکش‌هایی که برسر توزیع آب، زمین، مرتع، تملک محصول و غیره بوجود می‌آیند.

۲- کشمکش‌هایی که ناشی از مناسبات میان طوایف و روابط تولید باشند (ارباب اختلاف میان روستاها را دامن می‌زنند)

۳- کشمکش‌هایی که بعلت تفاوت‌ها و اختلافات فرهنگی ایجاد میشوند (مثلا یک روستای بهائی نشین مورد حمله روستای مجاور قرار می‌گیرد).

بدین ترتیب:

— تصاحب محصول و استفاده از وسایل تولیدی جمعا زاینده ۸۶ اختلاف هستند که از میان آنها:

۴. اختلاف ناشی از توزیع آب،

۳۶ اختلاف نتیجه توزیع زمین زراعی و مرتع،

۱. اختلاف ناشی از تملک محصول می‌باشد.

۷- اختلاف ناشی از روابط اجتماعی است و توزیع آن چنین است:

۴ اختلاف نتیجه روابط میان گروه‌های خویشاوند است.

۲ اختلاف از روابط تولیدی ناشی میگردد.

۱ اختلاف حاصل سایر عوامل است.

— اختلافات فرهنگی که تعداد آنها مجموعاً ۴ مورد است.

در ایران، غیر از مقرراتی که ازدواج میان پاره‌ای از خویشاوندان را ممنوع می‌سازند، قوانین رسمی و دقیقی در مورد ازدواج وجود ندارد؛ بلکه، در این مورد خانواده‌ها سیاست مخصوصی را بکار می‌برند و آن استفاده از این نهاد بمنظور توسعه و تحکیم قدرت خانوار است. زناشوئی میان پسر عمو و دختر عمو با همه عقایدی که بدان وابسته است، ناشی از همین سیاست میباشد. علاوه بر این، زناشوئی‌ها در افق روابط اجتماعی ایران محدود به فضای جغرافیائی

تنگی است. آنچه در این جابرسی میشود، از یکسو محدودیت‌هایی است که ازدواج در ایران بعلت جنبه‌های سیاسی و اجتماعی که با آن همراه است، بخود می‌گیرد و از سوی دیگر تنگی افق روابط اجتماعی است که برزناشویی اثر می‌گذارد، کلیه این محدودیت‌ها را میتوان به سه گروه تقسیم کرد:

- ۱- محدودیت‌های مربوط به گروه‌هایی که در همان روستا تشکیل شده‌اند:
  - محدودیت‌های شدید: ازدواج‌ها فقط در روستای نخستین، صورت می‌گیرند.
  - محدودیت‌های خفیف: ازدواج‌ها در همان روستائی که محل تولد کارگران است و در یک یا چند روستای دیگر تحقق می‌یابند.
  - عدم محدودیت: زناشویی، بدون توجه به محل تولد صورت می‌گیرد.
- ۲- محدودیت‌های مربوط به طوایف
  - محدودیت‌های شدید: در این صورت ازدواج صرفاً افراد یک طایفه تحقق می‌یابد.
  - محدودیت‌های خفیف: در این حالت ازدواج در داخل طایفه و گاهی نیز باطوایف دیگر صورت می‌گیرد.
  - عدم محدودیت: در این صورت، ازدواج بدون توجه به طایفه‌ای که افراد بدان تعلق دارند، انجام میشود.

تقاطع این دو ملاک در جدول زیر نشان داده شده است:

محدودیت‌های مربوط به روستای نخستین				محدودیت‌های مربوط به طایفه
جمع	عدم محدودیت	محدودیت خفیف	محدودیت شدید	
۴۰	۱۶	۱۳	۱۱	محدودیت شدید
۹۹	۱۲	۷۱	۱۶	محدودیت خفیف
۵۶	۲۶	۱۹	۱۱	عدم محدودیت
۱۹۵ (۱)	۵۴	۱۰۳	۳۸	جمع

۱- در چهار مورد به پرسش‌ها پاسخی داده نشده است.

کتر اتفاق می‌افتد که خانواری خود را محدود به ازدواج هم در داخل طایفه وهم در داخل روستای خویش نماید. (تنها ۱۱ مورد یعنی ۵/۵٪ کل کارگران چنین محدودیت شدیدی داشته‌اند). اما کمتر طایفه و روستائی نیز به افراد خود آزادی کامل در انتخاب همسر میدهد (۲۶ مورد یعنی ۳/۱۳٪).

در بیشتر موارد، هر خانوار با خانوار دیگری که به طوایف دیگری متعلق است، رابطه زناشویی برقرار می‌کند، (۹۹ خانوار یعنی ۵۱٪ کل خانوارها). ویا روستائی باروستای دیگر چنین می‌کنند (۱۰۳ مورد یعنی ۵۳٪). غالباً تعداد این قبیل طوایف یادهاست معدودند و بیشتر ترجیح میدهند که ازدواج را در داخل طایفه یا روستای خویش انجام دهند (۷۱ مورد یعنی ۳۶/۴٪).

در قبال چنین داده‌هائی، فرضیه‌ای به ذهن خطور می‌کند و آن است که آیا بین میزان درآمد یک خانوار و نوع محدودیت‌هائی که در مورد ازدواج قائل میشود، رابطه‌ای وجود ندارند؟ بعبارت دیگر، نخستین اندیشه‌ای که بنظر میرسد، اینست که خانوارهای نسبتاً مرفه برای ازدواج محدودیت‌های بیشتری قائل می‌گردند. یعنی حتی المقدور می‌کوشند که زناشویی در داخل خود طایفه آنها صورت گیرد. از طرف دیگر، چون خانوارهای بی‌بضاعت از نظر اجتماعی محدودترند، یعنی نمی‌توانند با هر یک از گروه‌های اجتماعی که مایل باشند با راحتی ازدواج کنند، غالباً همسری را برمی‌گزینند که متولد در گروهی است که از نظر اقتصادی هم سطح خود آنهاست و نیز از لحاظ جغرافیائی در روستای واحدی زندگی می‌نمایند.

با اینهمه، تحلیل داده‌ها نشان میدهد که میزان درآمد خانوار هیچگونه اثری در این مورد ندارد. همچنین گسترش طایفه و خروج آن از حدود جغرافیائی ده تاثیر فراوانی بر این پدیده برجای نمی‌گذارد. از این داده‌ها میتوان چنین نتیجه گرفت که همه خانوارها، محدودیت‌های نسبتاً واحدی را برای ازدواج قائل میشوند و سیاست آنها در این مورد تقریباً یکسان است. مثلاً خانوارهای نسبتاً مرفه برای حفظ موقعیت خویش و خانوارهای فقیر بمنظور ارتقاء منزلت اجتماعی افراد خود از طریق ازدواج روش واحدی را در پیش می‌گیرند. اما احتمالاً پاسخگویان مورد نظر ما در این مورد پاسخهای داده‌اند که وضع یک روستا را تا حدودی مشخص می‌سازد ولی وضع خانواده آنها را دقیقاً روشن نمی‌کند؛ گفتنی است که بعلاوه گذشت زمان، بدون تردید بخاطر آوردن اوضاع دقیق خانوار نیز کار ساده‌ای نمیباشد. بدین ترتیب، نتایج بدست آمده، وضع خانوارهای روستائی را بطور دقیق توصیف و تعریف نمی‌کنند، بلکه تنها شرایط کلی روستا را مشخص می‌سازند. بخصوص باید توجه داشت که در این مناطق سیاست خانوار در مورد ازدواج هنوز تاثیر فراوانی در چگونگی انتخاب همسر دارد.

### ۳- مقام و موقعیت طایفه و خانوار پاسخگو در روستا :

الف- هنگامی که خانوار اولیه کارگر به طایفه‌ای تعلق داشت (۱۷۱ مورد) از او خواسته شده است که طایفه خود را از نظر موقعیت و منزلت با سایر طوایف روستا مقایسه کند. طرح پرسش‌ها بدین صورت بوده است که: آیا این طایفه یگانه طایفه موجود در آن روستا بوده است؟ آیا از نظر اجتماعی بالاتر از سایر طوایف بوده و یا پائین‌تر از آنها و یا آنکه در مقایسه با طوایف دیگر از چه امتیازاتی برخوردار بوده است؟ نتایج بدست آمده بقرار زیرند:

تنها طایفه روستا	۱۵ مورد
طایفه‌ای در مقام بالاتر	» ۴۲
طایفه‌ای در موقعیت میانه	» ۳۳
طایفه‌ای با امتیازات محدود	» ۴ مورد
طایفه‌ای در مقام پائین	۷۳ مورد
بی‌جواب	۴ مورد
جمع	۱۷۱ مورد

کارگران جمعیت نمونه ماسعولا طایفه خود را پایین‌تر از سایر طوایف معرفی می‌کنند. باین همه، باید پذیرفت که در این مورد احتمالاً پاسخ‌ها تطابق کاملی با واقعیت ندارند. جملاتی که کارگران بکار برده‌اند، نشان می‌دهد که پاسخگویان از فقیر قلمداد کردن طایفه خود خشنود نیستند و حتی هنگام بکار بردن این صفت در مورد طایفه خویش به‌عذرخواهی می‌پردازند (گوئی مرتکب گناهی شده باشند). آیا این طرز برخورد کارگر با گذشته، تا حدی موجب تحریف ادراک او از موقعیت طایفه او نمی‌شود؟ دلیلی برای اثبات این مدعا نداریم. باین همه، در صفحات بعد خواهیم دید، هنگامی که موضوع درآمد خانوار مطرح می‌شود، پاسخ‌ها از واقعیت بدور می‌افتند. اما در حال می‌توان پذیرفت که آنچه کارگر پاسخگو در مورد مقام و موقعیت طایفه خود می‌گوید، چندان از واقعیت دور نیست. این طرز برخورد کارگر فقط برفرد متکی نیست بلکه لاینقطع سایر نیروها را می‌سنجد، بایکدیگر مقایسه می‌کند و تصویری کلی و تطبیقی در اختیار ما می‌گذارد.

۱) توزیع غیرعادی پاسخ‌ها در این مورد، ناشی از آن است که پاسخگویان اغلب بدون آنکه از آنها قبلاً خواسته شده باشد، بیهوده اصطلاح «مقام و موقعیت متوسط» را به‌هنگام پرسش تکرار می‌کنند.

بد بمنظور تشریح مقام و موقعیت طایفه پاسخگو در روستای اوچند عبارت را بایکدیگر تلقیق نموده در اختیارش قرار داده‌ایم. این عبارات با ساخت اجتماعی-اقتصادی روستا پیوند دارند و می‌توانند بسادگی آنرا تشریح کنند:

۱- عبارت «گسترده تر-محدودتر» که مربوط به مفهوم «کمی» نیروی کار در طایفه است.

۲- عبارت «قوی تر-ضعیف تر» که مربوط به قدرت طایفه از لحاظ روابط اجتماعی در روستاست.

۳- عبارت «غنی تر-فقیرتر» که مسأله ثروت و درآمد را مطرح می کند. از این گذشته، کارگران به هنگام پاسخ، به برخی از امتیازات دیگر طایفه خود نیز اشاره کرده اند و این منظور را از طریق جملات زیر نشان داده اند: «رئیس روستا از طایفه ما بود»، «طایفه ما زمین بیشتری در اختیار داشت»، «در طایفه ما افرادی بودند که هم دهقان بودند و هم صاحب زمین»، «نیای بزرگ طایفه ما حضرت علی بوده است» و غیره....  
مجموعاً، ۱۱۹ پاسخگو طایفه خود را از لحاظ کهنتری و مهتری و نظایر آن توصیف کرده اند و در توصیف خود از ۱۸۶ اصطلاح بهره جسته اند که توزیع آنها بقرار زیر است:

۶	گسترده تر
۲	محدودتر
۳۳	قوی تر
۵۶	ضعیف تر
۲۶	غنی تر
۵۲	فقیرتر
۱۱	دارای امتیازات ویژه
۱۸۶	جمع

اگر اصطلاحات متقابل و متضاد بالا را از نو گروه بندی کرده بایکدیگر ترکیب کنیم نتایج زیر حاصل میشود:

۸	وسعت طایفه
۸۹	قدرت طایفه
۷۸	ثروت طایفه
۱۱	امتیازات مخصوص طایفه
۱۸۶	جمع:

کارگران بر اصطلاحاتی که مربوط به وضع قدرت در روابط اجتماعی میشوند ویردرآمد تکیه بیشتری می کنند و بالعکس مسأله نیروی کار را از نظر دور میدارند. و این خود معلول آن است که نیروی انسانی بعلت فراوانی آن چندان مورد توجه نیست، یعنی قدرت طایفه بدان بستگی ندارند.



هنگام تحلیل و بررسی روابط و پیوند کلمات بایکدیگر، می بینیم که واژه «وسعت طایفه» هیچگاه به تنهایی بکار نمی رود بلکه همیشه اصطلاح قدرت در مناسبات اجتماعی» همراه آن است.

۱- پاسخ هائی که یک یادو واژه در خود دارند (۱۱ مورد):

واژه دوم					واژه اول
امتیازات ویژه	ثروت	وسعت	قدرت	هیچ	
۴	۴۳	۴	-	۳۰	قدرت
-	-	-	-	-	وسعت
-	-	-	-	۲۸	ثروت
-	-	-	-	۲	امتیازات ویژه

۲- پاسخ هائی که ۳ واژه در خود دارند (۸ مورد):

مورد ۳ قدرت + وسعت + ثروت:

مورد ۱ قدرت + وسعت + امتیازات ویژه

مورد ۴ قدرت + ثروت + امتیازات ویژه

این داده ها، نشان میدهند که واژه قدرت که ۸ بار تکرار شده است، و ثروت که ۷ بار از آن سخن به میان آمده است، مجموعاً ۵ بار همراه بایکدیگر تکرار میشوند و این خود نشان دهنده چگونگی سازمان اقتصادی-اجتماعی جامعه روستائی در ایران است. بهد موقعیت اقتصادی خانوارها در روستا، با مقام و موقعیت طایفه ای که بدان تعلق دارند، کاملاً وابسته نیست. خانوارهائی که به طوایفی فقیر متعلق هستند، گاه از رفاه قابل ملاحظه ای برخوردارند. و عکس چنین پدیده ای نیز صادق است. اما پیش از آنکه از پاسخگو-یان درباره مقام و موقعیت خانوار آنها پرسش شود، از آنها پرسیدیم که آیا در داخل یک روستا از نظر اقتصادی تفاوت فراوانی میان افراد دیده میشود؟ از ۱۹۹ پاسخ، ۱۷۹ مورد آن (۹۰٪) این تفاوت را تایید می کنند ولی ۲۰ پاسخ آنرا انکار می کنند (چنین انگاری شگفت مینماید، زیرا نظام فئودالی مستلزم وجود تنوع موقعیت ها در داخل روستاست)، از این رو، به نظر میرسد که تحلیل دقیق ۲۰ پاسخ یاد شده امری ضروری است:

ابتدا، مشاهده میشود که در مورد تفاوت میان خانوارها در درون روستا آشکارا به پاسخ‌هایی در مورد مقام و موقعیت طوایف می‌انجامد

اما محتوای سایر پاسخ‌ها امکان تحلیل بیشتری را فراهم می‌سازد:

— در ۱۰ مورد با کمال اطمینان میتوان از تفاوت میان خانواده‌ها سخن گفت زیرا:

— در دو مورد خانواده کارگر از شرایط نسبتاً خوبی برخوردار است (در هر دو مورد پدر کارگر رئیس روستاست).

— در دو مورد خانواده کارگر دچار ورشکستگی گردیده و ثروت خود را از دست داده است.

— در شش مورد، خانواده کارگر جزو خانوارهای فقیر ده محسوب میشود.

— تنها در یک مورد، عدم تفاوت اقتصادی در بین افراد موجه بنظر میرسد و این مورد در روستائی دیده شده که در حومه تهران واقع است و در آن گروه‌هایی از کارگران و دهقانان زندگی می‌کنند. در این روستا، افراد از نظر سطح درآمد، اختلاف فراوانی باهم ندارند.

— در ۹ مورد هیچگونه شاخصی که نشان دهنده اختلاف میان افراد از نظر اقتصادی باشد در دست نیست، هرچند که این عدم تفاوت مشکوک بنظر میرسد.

— در دو مورد، پاسخگو ادعا می‌کند که همه افراد روستای نخستین آواز رفاه قابل توجهی برخوردار بوده‌اند.

— در ۷ مورد ادعای کارگری پاسخگو این است که کلیه خانوارهای روستای او فقیر و حتی خیلی فقیر بوده‌اند.

— در ۷ مورد اخیر، و در ۶ مورد یاد شده (مربوط به گروه سوم)، کارگران به استثمار روستائیان توسط ارباب اشاره می‌کنند. چنین سینما ی که احساس چنین شرایط نامطلوبی برای همه افراد روستا موجب اضمحلال و تحریف واقعیت در ذهن آنان میشود. آنچنانکه دیگر تفاوت‌های فردی از نظر اقتصادی را فراموش می‌کنند.

ت- ۱۷۹ پاسخگو سخن از تفاوت بین افراد از نظر اقتصادی به میان می‌آورند، پاسخ‌ها بطریق زیر طبقه بندی شده‌اند:

۱۲۲	خانوار ماجزه خانوارهای فقیر روستا بود
۲۱	خانوار ما از جمله خانوارهای متوسط روستا بشمار می‌آید
۳۵	خانوار مادر زمره خانوارهای مرفه روستا محسوب میشد
۱	بدون پاسخ
۱۷۹	جمع کل:

تعداد خانوارهایی که از سوی پاسخگویان در زمره خانوارهای فقیر ده محسوب شده‌اند ۸۶٪ کل را تشکیل می‌دهد.

در این جا باید پرسید آیا بیان کارگر واقعیت اجتماعی را آنطوریکه هست جلوه‌گر می‌سازد؟ از پاسخی که کارگران در این مورد می‌دهند، چنین برمی‌آید که فقر نوعی عیب خانوادگی محسوب می‌شود. باین همه، بنظر می‌رسد که گفتار کارگران بیان نسبتاً دقیق ادراکی است که از سطح درآمد خود در گذشته دارند. در جای دیگر نیز از پاسخگویان خواسته شده است تا اطلاعاتی در زمینه میزان درآمد خانوار اولیه خود در اختیار ما بگذارند و این اطلاعات با آنچه قبلاً بدست آمد، شباهت و نزدیکی بسیار دارند.

اکنون برای نمونه به مقایسه گفته‌های کارگرانی که رئیس خانوار اولیه آنها روستائی و کشاورز بوده است، می‌پردازیم (بهتر است با استفاده از شاخص‌هایی که معرف میزان درآمد هستند، فقط به ساختن مقیاس‌هایی به پردازیم که هریک به فعالیت خاصی وابسته‌اند).

بیاناتیکه سطح نعل را نشان می‌دهد						طبقه بندی شاخص هائیکه معرف میزان درآمد هستند
جمع	اطهار نشده	غنی	متوسط	فقیر	عدم تفاوت	
۵۹	-	۱	۳	۴۹	۶	فقیر
۴۶	-	۱	۱۱	۲۶	۸	متوسط مایل به فقیر
۲۷	۱	۶	۷	۱۲	۱	متوسط
۱۸	-	۱۵	۲	۱	-	متوسط مایل به غنی
۹	-	۹	-	-	-	غنی
۱۵۹	۱	۳۳	۲۳	۸۸	۱۵	جمع

باتوجه به اینکه از یکسو سوالی که میزان درآمد کارگر را استفسار می‌کرد، هیچگونه اشاره‌ای به واژه «حدمتوسط» نداشت و بنابراین هیچ عاملی پاسخگو را وادار نمی‌کرد که خود را در این سطح طبقه بندی کند و از سوی دیگر طبقه بندی میزان درآمد با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که در اختیار داریم، تا حدود زیادی تقریبی است، میتوان گفت که در این طبقه بندی تنها تضاد اصلی مشخص می‌شود.

علاوه براین، ملاحظه میشود که کارگرانی که تفاوت میان افراد روستائی اولیه خود را از نظر اقتصادی ناچیز می‌شمارند، معمولا از خانوارهای فقیر برخاسته‌اند و این خود مؤید تحلیل قبلی ما از این نوع پاسخ‌هاست.

ج- اکنون بیانات پاسخگویان را در مورد مقام و موقعیت طایفه خود از طرفی و مقام و موقعیت خانوار خود از طرف دیگر، مقایسه می‌کنیم.

جدول زیر نتایج چنین مقایسه‌ای را نشان می‌دهد

مقام و موقعیت خانوار						مقام و موقعیت طایفه
جمع	بدون پاسخ	فقیر	متوسط	غنی	عدم تفاوت	
۱۳	-	۸	۲	۲	۱	روستای بدون طایفه
۱۴	-	۱۱	-	۱	۲	پاسخگوی بدون طایفه
۱۵	-	۶	۲	۲	۵	طایفه واحد
۴۲	-	۱۶	۴	۲۱	۱	طایفه مهم
۳۳	-	۱۱	۱۰	۵	۷	طایفه متوسط
۴	-	۱	-	۲	۱	طایفه با وضعی مختلط
۷۳	۱	۶۵	۲	۲	۳	طایفه کم‌اهمیت
۵	-	۴	۱	-	-	متفرقه
۱۹۹	۱	۱۲۲	۲۱	۳۵	۲۰	جمع

—رابطه مستقیمی بین مقام و موقعیت خانوار اولیه روستائی و طایفه اولیه او وجود دارد. با این همه، فقط نیمی از خانوارهایی که به طوایف ثروتمند تعلق دارند، غنی بشمار آمده‌اند، حال آنکه بیشتر خانوارها به طوایف فقیر و بی‌چیز متناسب شده‌اند.

— اکثریت پاسخگویانی که خانوار آنها در یک روستای چند طایفه‌ای به هیچ طایفه‌ای تعلق نداشت، فقیر بشمار آمده‌اند.

— همین مطلب در مورد پاسخگویانیکه وجود هر نوع طایفه‌ای را در روستای خود منکر شده‌اند و یا پاسخگویانی که تعداد و یا اساساً وجود طایفه‌ای را بیاد نمی‌آورده‌اند، نیز صدق می‌کند.

د- سپس درباره طرق کسب ثروت و علل فقر، از طریق پرسش‌های زیر به تحلیل عقاید کارگران پاسخگو پرداخته‌ایم:

- ۱- از آنهایی که خانوار اولیه خود را در شمار فقرا محسوب داشته‌اند، پرسیده‌ایم: «ثروتمندان چگونه به ثروت دست می‌یابند؟»
- ۲- از کارگرانی که خانوار اولیه خود را جزو اغنیاء بحساب آورده‌اند، پرسیده‌ایم: «علت فقر فقیران چیست؟»

از پاسخگویان دسته اول، ۱۱۰ نفر (۱۲ نفر از ۱۲۲ نفر پاسخ نداده‌اند)، ۱۲۶ انگیزه را بعنوان علل و سوجبات کسب ثروت ذکر کرده‌اند:

۷۱	صرفه‌جوئی
۵	کسب و کار، فعالیت، پشتکار،
۱۱۷	تملک و دسترسی به کالائی خاص (مولد ثروت)
۳۳	غصب و دزدی
۱۲۶	جمع:

بدین ترتیب، بنظر بسیاری از کارگران، صرفه‌جوئی عامل اصلی کسب ثروت محسوب نمی‌شود، در صورتیکه زرنگی و پشت هم‌اندازی و نیز دارا بودن قدرت است که وسیله اساسی احتکار و کسب ثروت بشمار می‌آید. مالکیت اموال که غالباً فرد از طریق ارث پدری بدانها دست می‌یابد (از ۷۱ نفر، ۶۳ نفر باین عامل اشاره کرده‌اند) همواره تضمین‌کننده رفاه خانوار بشمار آمده است.

گاه منظور از اموال و غنائم ذکر شده پول است (۲۰ بار از آن سخن رفته است) و گاه وسایل تولید مانند زمین و بخصوص احشام (۳۰ بار ذکر شده است). در این‌جا، اشاره باین نکته ضروری است که پاره‌ای از کارگران با وجود آنکه خواسته شده بود مقایسه رابه داخل روستای خود محدود سازند، ترجیح داده‌اند، سیدان گسترده‌تری را مورد داوری قرار دهند. با این همه، هنگامی که مالکیت، علت ثروت برخی از خانوارها شمرده می‌شود، کارگران بیشتر دهقانان صرفه روستای خود را در نظر می‌آورند.

از ۳۵ کارگری که خانوار اولیه خود را در شمار خانوارهای ثروتمند روستا محسوب میدارند، ۳۲ نفر آنها به ذکر علل و عواملی که موجب فقر خانوارهای دیگر شده‌اند، می‌پردازند و ۳ عامل به ترتیب زیر قابل طبقه‌بندی است:

۶	بیکاری، تنبلی، نادانی
۱۱	آفات طبیعی، ورشکستگی
۱۷	عدم دسترسی به وسایل تولید (مثل زمین، احشام و...)
۳۴	جمع:

بدین ترتیب، مادر این‌جا بانوعی تبیین «بورژواآبانه» از پدیده فقر بااستعمال اصطلاحاتی مثل «بیکاری»، «تنبلی» و غیره برخورد می‌کنیم. با این همه، این‌گونه تبیین‌ها فقط بخش ناچیزی از کل تبیین‌های انجام شده را تشکیل می‌دهد. آیا این شگفت‌انگیز نیست که بطور کلی اکثر کسانی که چنین پاسخهائی بما داده‌اند خود امروزه در شمار فقرا هستند؟

#### مشخصات اجتماعی محله‌های شهری نخستین:

کوشیدیم تادرباره کارگرانی که از شهرها برخاسته‌اند، همان مطالعه‌ای را انجام دهیم که درباره کارگران روستائی الاصل کردیم. مسائلی که در این‌جا مطرح می‌کنیم و شاخص‌هائی را که بکار برده‌ایم، یا همان مسائل و شاخصهائی پیشین هستند و یا نزدیکی بسیاری با آنها دارند. یگانه تفاوتی که در مورد اخیر وجود دارد، آن است که محله را در این‌جا بعنوان یک کل در نظر گرفته‌ایم. بنظر نمی‌رسید که زمین برای روستائیان و شهرنشینان ارزش یکسانی داشته باشد و ارزش نسبی‌ای که افراد برای زمین قائل هستند، میتواند همچون شاخصی برای شناسائی میزان قدرت الگوهای سنتی و کهن در جامعه امروز باشد. از سوی دیگر، تحلیل و بررسی طوایف شهری مستلزم توضیح و شرح بیشتری نسبت به طوایف روستائی است. خاصه آنکه میتوان از خود پرسید آیا وجود طوایف در شهرها نتیجه خاطرهای است که از وجود آنها در روستاها باقی مانده است و یا آنکه وجود طایفه در شهر دارای علل وجودی ویژه خویش است؟ بطور کلی همسانی شاخص‌هائی که در تحلیل شهر وده بکار برده‌ایم، نتایج جالبی بدست می‌دهد. این مبحث مانند مبحث گذشته به ۳ جزء تقسیم و خلاصه میشود:

- ۱- محیط اجتماعی محله
- ۲- روابط خانوار در محله، شهر و روابط میان محلات.
- ۳- مقام و موقعیت خانوار در محله.

## ۱- افق اجتماعی محله

شاخص‌هایی که بمنظور مطالعه محله‌ها بکار رفته‌اند عبارتند از: ترکیب جمعیت محله از لحاظ قشرهای اجتماعی- حرفه‌ای، قدمت منازل، وضع شغلی.

الف- در مورد توزیع جمعیت شهرها از لحاظ قشرهای حرفه‌ای، دو نوع قشربندی متمایز تشخیص داده می‌شود که انواع دیگر حد متوسط وینابین این دو نوع هستند. شکل قدیمی توزیع براساس محله است که در آن یک یا چند آریستوکرات یا شخصیت متنفذ توسط یک جمعیت ناهماهنگ از نظر شغلی احاطه شده‌اند و یا آنها دارای مناسبات شغلی کم‌ویش نزدیکی هستند.

در شکل جدید، جمعیت برحسب سطح درآمد توزیع می‌شود. در هر محله میزان درآمد اکثریت بهم نزدیک است. ازچنین نظرگاهی میتوان پاسخهای داده شده را درباره نوع محله اولیه طبقه‌بندی کرد. طبقه‌بندی پاسخها بطریق زیر است.

## محله‌های همسان

۲۵	فقط فقرا
۱۱	آریستوکراتها، اغنیاء و متنفذین
۱۲	طبقات متوسط
۴۸	جمع

## محله‌های کاملاً ناهمسان

این محلات از گروه‌های اجتماعی متباینی تشکیل شده‌اند:

۱۲	آریستوکرات و فقیر
۲۷	ثروتمند و فقیر
۳۹	جمع:

## محله‌های نسبتاً ناهمسان:

۴	آریستوکرات یا ثروتمند و طبقات متوسط
۱	طبقات متوسط و فقرا
۵	جمع:
۲	موارد دیگر و پرسش‌های بی‌پاسخ
۹۴	جمع کل

بدینگونه، تقریباً نیمی از محله‌های اولیه کارگران، توسط پاسخگویان همسان قلمداد شده‌اند، یعنی افراد آن از نظر اقتصادی تفاوت چندانی بایکدیگر ندارند. باین همه، ترکیب

واقعی محله تحت تأثیر دریافت وادراک ویژه‌ای که کارگران از ساخت آن در ذهن دارند، شکل دیگری بخود می‌گیرد.

در واقع، ازمیان کسانی که محله اولیه خود را صرفاً مرکب از خواه آریستوکرات یا متنفذ، وخواه ثروتمند ویا ترکیبی از آنها میدانند، تنها دونفر را بعلت شغل پدرشان میتوان در شمار طبقه بالا یادقیق تر در شمار طبقه متوسط مایل به بالا محسوب داشت. دیگران هرچند که خانواده آنها فقیر ویا از طبقه متوسط سرفه بوده است، باعتبار سلطه وکثرت خانواده‌های حاکم در محله خود، آنها محله اغنیاء قلمداد کرده اندونمونه کامل آن مثال کارگری است که از یکی از شهرهای کوچک ایران برخاسته است. لیک شهر خود را از جمله مراکز خانواده‌های بزرگ ومنتفذ ایران میدانند. بدین ترتیب، احتمال زیادی هست که محله هائی را که معمولاً پاسخگو یان بعنوان محل سکونت افرادی مشابه از نظر درآمد، قلمداد می‌کنند وخصوصاً محله‌های اغنیاء می‌خوانند از جمله آنهائی باشند که اغنیاء وقرآ وایحیانا آریستوکراتها باهم در آن زندگی می‌کنند. اما برعکس هنگامی که پاسخگویان محله هائی را بعنوان محل مسکونی افراد بی‌چیز ویا گروه‌های متوسط قلمداد می‌کنند، میتوان ادعای آنها را بعنوان یک واقعیت پذیرفت.

بطور کلی، بنظر نمی‌رسد بیش از ۰.۴٪ از محله‌های اولیه کارگران دارای افرادی بوده باشند که از نظر میزان درآمد بهم شبیه باشند. تنها ۱/۴ کارگران از محله هائی برخاسته‌اند که صرفاً محل سکونت افراد فقیر بوده است. برعکس، تعداد بیشتری از افراد (۰.۴ مورد از ۹ نفر) محله اولیه خود را از جمله محلات اعیان‌نشین و ثروتمند نشین میدانند. ب- خانواده کارگر هنگامی که با اعیان و منتفذین در یک محله زندگی می‌کرده است، روابط چندانی با آنها نداشته است.

۳	خانواده پاسخگو، مستخدم اغنیاء بوده است
	خانواده پاسخگو با اغنیاء دارای روابط دیگری
۲	جز روابط ارباب‌نوکری بوده است
۱۰	خانواده پاسخگو هیچ رابطه‌ای با اغنیای محل نداشته است
۳	ی‌جواب
۲۳	جمع:

در این پرسش‌نامه بیش از این نمی‌توانستیم مساله پیچیده روابطی را که بصورتی غیر مستقیم میان گروه‌های اجتماعی گوناگون تحقق می‌یافت، مورد بحث قرار دهیم.



پد قدمت تاریخی محله ها را میتوان با در نظر گرفتن گروههای شغلی که در آنها زندگی می کنند ، تعیین کرد. کارگران جامعه نمونه ما معمولاً از محله هائی برخاسته اند که ساختما نهای قدیمی داشته اند . فقط ه نفر سالهای اولیه زندگانی خود را در محله هائی گذرانده اند که دارای بناهای جدید بوده است.

بدین قرار، هم از نظر شغلی وهم از نظر ساختمان ، محله های اولیه کارگران قدیمی بنظر میرسند و تحلیل فعالیت های حرفه ای ساکنان محله های اولیه پاسخگویان نیز ما را بهمین نتیجه میرساند .

ج- وضع شغلی محله های اولیه کارگرانی که از شهرهای دیگر به تهران آمده اند، با همان دقتی بررسی شده است که چگونگی ساخت شغلی روستاهای اولیه کارگران روستائی الاصل .  
۹ . پاسخگو جوابهائی در این مورد در اختیار مانده اند (فقط ۷ نفر پاسخ نداده اند).  
فعالیت های ذکر شده برحسب اهمیت شان به ترتیب زیر توزیع میشوند:

۷۸

— خرید و فروش غذائی

۶۲

— پیشه وران قدیمی

۳۹

— خرید و فروش موادی غیر از مواد غذائی

۲۲

خدمات مربوط به بهداشت تن

۱۸

— پیشه وران جدید و کارگران

۱۰

— امور دینی

۱۰

— کارمندان ادارات

در این جا ملاحظه میشود که داد و ستد مواد غذائی بیش از دیگر مشاغل ذکر شده است و این همان چیزی است که در روستاها اغلب بدان برخورد کرده ایم. تفاوت وضع شغلی در شهر و روستا در دو قسمت خلاصه میشود:

۱ - گروه هائی از قبیل رباخوران ، روحانیون و کسانی که به خدمات مربوط به بهداشت تن میپردازند، در روستا کمتر بچشم میخورند .

۲- برعکس، تعداد گروههای دیگر، بخصوص پیشه وران شاغل در دادوستد مواد غیر غذائی، پیشه وران جدید و کارگران بیشتر است. باین همه ، قابل توجه است که پیشه وران جدید و کارگران از طرفی و کارمندان از طرف دیگر دارای تعداد متعابھی نیستند. این امر، بی تردید ، روشنگر ترکیب واقعی شغل در محله های اولیه کارگران در ده ، حدود بیست یاسی سال گذشته است.

۲- روابط خانوار در محله و در شهر، روابط میان محلات.

الف- فرض بر این بوده است که خانوارهای خویشاوند در شهر گردهم می آیند و گروه هائی را تشکیل میدهند تا دیگران را نیز از روستاها فرا خوانند .

در میان این خویشاوندان، ۳۴۰ خانوار یعنی ۴۰٪ آنها در همان محلی زندگی میکرده‌اند که خانوار اولیه کارگر پاسخگو در آن ساکن بوده است، به عبارت دیگر، خانوار اولیه کارگران شهرنشین بطور متوسط در محل خود دارای خانوار خویشاوند بوده است.

اگر این رقم با آنچه در کشورهای صنعتی در موارد مشابه بدست می‌آید، مقایسه شود، بی‌تردید نسبت بالائی جلوه خواهد کرد. برعکس، همین نسبت در مقایسه با تمرکز خویشاوندان در روستاهای ایران ناچیز بنظر می‌آید، زیرا، در واقع قبلا دیده‌ایم که  $\frac{2}{3}$  طوایف روستائی فقط در داخل یک روستا زندگی میکردند.

بنابراین، کارگر انیکه در سنین جوانی خود از شهری دیگر به تهران آمده‌اند، در مقایسه با کارگران روستائی الاصل دارای محیط اجتماعی متنوع‌تر و وسیع‌تری بوده‌اند. باین همه، گرایشی به تشکیل گروههای کوچک در حول و حوش خانوار اولیه خود داشته‌اند.

ب - تجمع جغرافیائی خویشاوندان در شهر با استفاده از شاخص دیگری نیز آشکار میشود: هنگامی که از کارگران پرسیده میشود آیا در محله اولیه شما افرادی بوده‌اند که با یکدیگر خویشاوندی داشته باشند، پاسخ‌های کارگران به ترتیب زیر توزیع میشود:

۷۱	— گروههای خویشاوند دیگری در محله ما وجود داشتند
۱۵	— در محله ما گروههای خویشاوند نبودند
۴	— چیزی بیاد ندارم
۴	— بدون پاسخ
۹۴	جمع

پد محاسباتی که در مورد میزان توسعه گروههای خویشاوند قبلا انجام داده‌ایم، نتایجی بدست میدهند که به ترتیب زیر میتوان خلاصه کرد:

فراوانی خانوارهای خویشاوند در خود محل و در محل‌های دیگری که در یک شهر واقع شده‌اند، بقرار زیر است:

بدین ترتیب، بیش از ۴۰٪ خانوارها حداکثر دو خانوار خویشاوند در خود محله دارند: حال آنکه تقریباً ۳۰٪ آنها دارای خانوار خویشاوند ویا بیشتر در محله خود هستند. توزیع تعداد خویشاوندان انیکه در خارج از محله و صرفاً در شهر تجمع می‌کنند، نیز نتایج مشابهی بدست میدهد:

تعداد خانوارهای خویشاوندی	در مرحله	در شهر ولی در خارج از محله	در تمام شهر
هیچ	۲۷	۲۳	۷
یک و دو	۱۴	۱۲	۱۱
سه و چهار	۲۳	۱۸	۱۵
پنج و شش	۱۴		۹
هفت و هشت	۴	۷	۱۱
نه و بیشتر یا "زیاد"	۱۲	۲۰	۴۱
بدون نظر	-	۱	-
جمع	۹۴	۹۴	۹۴

با این همه، رابطه ثابتی میان تعداد خویشاوندان مجتمع در محله و تعداد خویشاوندان مجتمع در شهر ولی در خارج از محله، موجود نیست.

توزیع نسبت‌های دسته اول در مجموع خویشاوندان شهری، با میزان تمرکز خویشاوندان در محله، بطور قابل ملاحظه‌ای تنوع و تغییر می‌یابد. توزیع فراوانی این میزان عادی نیست بلکه برعکس بسیار گسترده است.

اگر دو حالت استثنائی را که در یکی تمرکز بحد اعلای خود میرسد و در دیگری به صفر تقلیل می‌یابد، کنار بگذاریم، هنگامی که در محلی تمرکز خانوارها افزایش می‌یابد، بهمان نسبت نیز شمار خانوارهای خویشاوند که در آن زندگی می‌کنند روبه افزایش می‌گذارد. حال آنکه تعداد خانوارهای خویشاوند که در محله‌های مختلف یک شهر زندگی می‌کنند، کاهش می‌یابد، این کاهش و افزایش یکدیگر را خنثی می‌کنند؛ لیکن، بطور کلی باید گفت که تجمع خانوارهای خویشاوند روبه تقلیل گذاشته است. در موارد خاصی که خانوار نه در محله خود خویشاوند دارد و نه در شهر، تعداد خویشان آن خانوار کمتر از حد متوسط است.

نوع	تعداد جانوارهای مستوی در سه روز اول		تعداد جانوارهای شیب در سه روز اول		تعداد جانوارهای اولیه	نسبت تجمع ششوسه در مرحله
	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد		
۶۷۷	۱۳۶	۶/۷	۱۳۶	-	۲۰	هیچ
۱۴۵	۱۸۹	۱۲	۱۵۱	۶۵	۱۳	کتر از $\frac{1}{2}$
۱۲۲	۲۲۱	۷	۱۲۷	۵۲	۱۸	از $\frac{1}{2}$ تا $\frac{3}{4}$
۱۰۱	۲۰۳		۵۸	۷۶	۱۹	بیش از $\frac{3}{4}$
۲۷۸	۶۱	-	-	$\frac{3}{8} + X$	۱۶	هنگی
-	-	-	-	-	۷	بدون نسبت
۱۲	۱۲	۷	۷	۱۲	۱	بافتنهای ناقص
۸۸۸	۸۲۲	۵۱	۴۷۷	۲۷۸	۹۴	جمع

$X = \text{تعدادی}$

$Y = \text{تعداد ناقص}$

پرسی که با مشاهده ارقام فوق برای ما مطرح میشود، اینست که چه عواملی موجب بروز این حالات در امر خویشاوندی میشوند؟ فرض بر این است که تعداد و توزیع جغرافیائی افراد خویشاوند باسالمات در یک ناحیه بستگی دارد. سطور زیر را به بررسی چنین فرضیه‌ای اختصاص میدهم:

ج- رابطه میان توزیع جغرافیائی منسوبین باسالمات در شهر چنین است :

قدمت اقامت			نسبت خویشاوندان در محله
جمع	۳ نسل و بیشتر	یک و دو نسل	
۲۰	۱۰	۱۰	هیچ
۱۳	۱۰	۳	کمتر از $\frac{1}{4}$
۱۸	۱۰	۸	از $\frac{1}{4}$ تا $\frac{1}{2}$
۱۹	۱۹	-	بیش از $\frac{1}{2}$
۱۶	۱۱	۵	همگی
۷	۳	۴	عدم خویشاوندی
۱	۱	-	پاسخهای ناکامل
۹۴	۶۴	۳۰	جمع کل

خانوارهایی که بتازگی در شهری سکونت اختیار کرده‌اند، دو گروه متمایز را تشکیل میدهند. افراد گروه اول که اکثریت را شامل میشود در یک محله متمرکز نمی‌یابند؛ در صورتیکه گروه دوم صرفاً در یک محل تجمع می‌کنند.

برعکس، خانوارهایی که مدت‌هاست در محلی سکونت اختیار کرده‌اند تمایل، مخصوصاً سی به تجمع در یک محل دارند.

به عبارت دیگر، میتوان گفت که خانوارهای خویشاوند در ابتدای سکونت در شهر پراکنده میشوند و یا در یک محله متمرکز میگردند؛ لیکن بعدها روش متعادل‌تری در پیش میگیرند، یعنی هسته اصلی آنها در یک محله متمرکز میشود و سایر خویشان که به محلات دیگر رفته‌اند، روابط خویشاوندی را حفظ می‌کنند.

بدین ترتیب، تجمع طوایف در شهر امری نیست که تنها از خاطره‌ای از روستا منشاء گیرد، بلکه، گرایش جمعیت اسکان یافته در شهر درین جهت است.

از طرف دیگر، بهمان اندازه که سالهای سکونت یک خانوار در شهر رویه افزایش می‌نهد، شمار خویشاوندان آن نیز افزایش می‌یابد.

تعداد اقامت			تعداد کل خویشاوندان
جمع	سه نسل و بیشتر	یک نسل و دو نسل	
۳۳	۱۹	۱۴	کمتر از ۱۰
۳۴	۲۳	۱۱	از ۱۱ تا ۱۱
۲۷	...	۵	۱۲ و بیشتر
۹۴	۶۴	۳۰	جمع

نوسانی که میزان تجمع خویشاوندان در یک محله بخود می‌گیرد، تاحدی زیاد نتیجه تعداد سالهای اقامت در آن محل است.

خ- علاوه بر این، میتوان از خود پرسید آیا میان گسترش روابط در شهر محل سکونت و حفظ تعلقات دیرین با روستا رابطه‌ای وجود دارد؟ باید اضافه کنیم که بیش از یک سوم خانوارهایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، جز در شهر خود بانقاط دیگر رابطه‌ای ندارند و آنهایی که در نقاط دیگر خویشاوند دارند کمتر با روستاها پیوند خود را حفظ کرده‌اند.

۳۶	جز با افراد شهر خود رابطه‌ای ندارند.
۳۸	با ساکنان شهرهای دیگر روابطی دارند.
۶	با ساکنان شهرها و روستاهای دیگر روابطی دارند.
۱۱	با روستاها بطور کلی روابطی دارند.
۱	با افرادی که محل سکونت خاصی ندارند، رابطه دارند.
۲	بدون پاسخ
۹۴	جمع

رابطه میان شمار خویشاوندان در شهر و حفظ تعلقات خویشاوندی با افراد بیرون از شهر به ترتیب زیر توزیع میگردد:

خانوارهایی که دارای مناسبات خویشاوندی با افراد خارج از شهر خود نیستند، در شهر خود نیز روابط خویشاوندی کمتری دارند، اما این همبستگی آنچنان روشن بنظر نمی‌رسد و با

روابط خویشاوندان خارج از شهر					تعداد خویشاوندان
جمع	بدون جواب	روابط دیگر	رابطه فقط در شهرها	عدم رابطه	
۳۳	۲	۳	۱۲	۱۶	کمتر از ۵
۳۴	-	۹	۱۳	۱۲	۱۱ تا ۱۰
۲۷			۱۳	۸	۱۲ و بیشتر
۹۴		۱۸	۳۸	۳۶	جمع

آنچه قبل از این بیان کردیم یعنی کاهش روابط خویشاوندی با افراد خارج از شهر به نسبت افزایش سالهای اقامت در شهر، تعارض دارد. زیرا همانطوریکه قبلاً گفتیم هر قدر تعداد سالهای اقامت خانوار در شهر افزایش می‌یابد تعداد خویشاوندان آن نیز در شهر بالا می‌رود.

روابط خویشاوندی با خارج از شهر					قدمت اقامت در شهر
جمع	بدون پاسخ	روابط دیگر	فقط روابط در شهر	بدون رابطه	
۳۰	-	۶	۱۵	۹	یک و دو نسل
۶۴	۲	۱۲	۲۳	۲۷	۳ نسل و بیشتر
۹۴	۲	۱۸	۳۸	۳۶	جمع

باز هم ملاحظه می‌شود که هر قدر روابط خویشاوندی با افراد خارج از شهر بسکونی کاهش می‌یابد، بهمان نسبت تمرکز خویشاوندان در یک محل نیز پائین می‌آید. بطور کلی می‌توان گفت تشکیل هسته‌هایی از خویشاوندان در یک محل و استقرار روابط خویشاوندی از این طریق، جانشین روابط گذشته افراد با روستای خود می‌گردد. در میان محلات یک شهر اختلافاتی نظیر کشمکش‌های میان روستاها دیده می‌شود. تحلیل این کشمکش‌ها در این تحقیق نتیجه صحیحی بدست نمانده، زیرا هم در روستا و هم در شهر سوال مربوط به اختلاف و کشمکش با واژه‌های زد و خورد و جدال آمیخته شده است.

روابط خویشاوندی خارج از محدوده شهر					نسبت های خویشاوندان	
جمع	بدون پاسخ	روابط دیگر	فقط روابط در شهر (۱)*	بدون رابطه	در محله	
۵۱	-	۱۱	۲۳	۱۷	تا ۱/۲	
۳۵	۱	۵	۱۳	۱۶	بیش از ۱/۲	
۸	۱	۲	۲	۳	موارد دیگر	
۹۴	۲	۱۸	۳۸	۲۶	جمع	

از ۹۴ پاسخگو، ۳۷ نفر به حوادث خونین میان ساکنان محله های گوناگون شهر اولیه خود اشاره می کنند، نسبت این حوادث با حوادثی که میان دهات روی میدهد، کم و بیش یکسان است.

پاسخگویانی که به جدال و حوادث خونین میان محله های گوناگون شهر خود اشاره می کنند، دلایلی برای آنها اقامه می کنند که میتوان به ترتیب زیر طبقه بندی کرد:

۱- دعوا برسر حق:

۷	آب
۳	زمین
۲	مایملک دیگر
۱۲	جمع:

۲- دعوا بر اثر وجود یک سلسله ارتباطات اجتماعی نامناسب که ۱۵ مورد است، به ترتیب زیر توزیع میشود:

۷	وجود اشرار (لاتها)
۵	رقابت بین باندها
۱	روابط بین گروه های گوناگون خویشاوند
۲	روابط میان کودکان:
۱۵	جمع:

۱- عنوان «فقط روابط در شهر» تحت عنوان بالاتر «روابط خویشاوندی خارج از محدوده شهر» منطقی بنظر نمیرسد (م).



۳- اختلافات فرهنگی (مذهبی، ناشی از دسته‌های مذهبی، مربوط به محیط اولیه

افراد).

۹

۴

۴- نادانی و حماقت افراد

#### جمع کل ۴۰

تفاوتی که میان علل کشمکش‌ها در شهر و روستا وجود دارد، قابل ملاحظه است: در دهات، نزاع و کشمکش بر سحر آب و زمین و نظایر این‌ها پدید می‌آید، حال آنکه در شهرها اختلافات ریشه فرهنگی و یا اجتماعی دارند، مثل وجود اشرار و باندهای گوناگون (این دو پدیده بایکدیگر نزدیک هستند). افرادی که به این گروه‌ها می‌پیوندند، معمولاً از طبقات پائین جامعه هستند و در خارج از خانه تجمع می‌کنند، در صورتیکه دیگران (یعنی اغنیاء، مالکان، آریستوکراتها و بورژواها) در درون خانه میمانند.

ص- همچنانکه در مورد روستاها عمل کردیم، در این‌جا نیز محدودیت‌هایی را که در امر زناشویی جوانان پدید می‌آید، در دو قسمت مورد مطالعه قرار داده‌ایم، در قسمت اول تاثیر هم‌طایفه بودن افراد با یکدیگر را بررسی می‌کنیم و در قسمت دیگر به مطالعه تاثیر حوزه‌های جغرافیائی می‌پردازیم. طبقه‌بندی پاسخ‌ها با آنچه در مورد روستاها انجام دادیم، تفاوت چندانی ندارد:

محلّه	طایفه		
	محدودیت شدید	محدودیت خفیف	عدم محدودیت
جمع ×	۵	۲۲	۲۸
محدودیت شدید	۵	۲	۲
محدودیت خفیف	-	-	-
عدم محدودیت	۳۴	۲۰	۵۹
جمع	۱۰	۴۴	۸۹

× = دره مورد مسئله پاسخ لازم رانیا نته است .

در شهر نیز مانند روستا محدودیت شدیدی که هم براساس هم طایفگی بوجود آید و هم ازدواج با گروه‌های محلی دیگر را منع کند، کمتر دیده میشود. ازدواج بدون محدودیت نیز کمتر روی میدهد (گوا اینکه این نوع ازدواج ظاهراً در روستاها بیشتر دیده میشود). اما در شهر کمتر اتفاق می‌افتد که ازدواج، هم با گروه‌های محلی دیگر ممنوع باشد و هم با دیگر گروه‌های غیر خویشاوند. به عبارت دیگر، محدودیت‌هایی که پیش می‌آیند یا از جانب طایفه بروز می‌کنند (در اینصورت ازدواج‌ها باید در داخل یک طایفه صورت گیرند)، یا بستگی به محل اقامت دارند. باید افزود که دو نوع اخیر محدودیت شدت کمتری بخود می‌گیرد.

بطور قاطع میتوان گفت که خانوارهای شهری از نظر ازدواج به سه دسته تقسیم میشوند: دسته اول کسانی هستند که صرفاً با افراد طایفه خود هرچاکه باشند وصلت می‌کنند. دسته دوم آنهایی هستند که مسأله خویشاوندی برایشان مطرح نیست، لیکن روابط اجتماعی آنها در قالب محدودیت‌های مکانی ناچیز محدود میشود. دسته سوم کسانی هستند که نه محدودیت‌های مکانی برای آنها اهمیت دارد و نه پیوندهای فامیلی مورد توجه آنهاست. آیا میان این نوع انتخاب همسر و میزان قدمت در یک شهر رابطه‌ای وجود دارد؟ در واقع بین این دو امر رابطه‌ای دیده نمی‌شود و اصولاً بنظر نمی‌رسد که اقامت در یک محل تاثیری بر چگونگی ازدواج داشته باشد.

با این همه، باید به گرایش‌های سه‌گانه زیر توجه کرد:

- ۱- هنگامی که خانواری به تازگی در شهر اقامت گزیده باشد، یگانه محدودیت ازدواج وابستگی‌های طایفه‌ای است.
  - ۲- هنگامی که خانواری مدتی نسبتاً طولانی در شهر زندگی کرده باشد، معمولاً ملاحظات محلی محدودیت ازدواج را تشکیل میدهند.
  - ۳- هنگامی که هیچگونه محدودیتی برای ازدواج مشاهده نشود، خانوارها از نظر مدت اقامت در محل دارای هیچ حالت استثنائی نیستند.
- بدین ترتیب، بطور قاطع میتوان پذیرفت که خانوارهایی که به تازگی به شهر آمده‌اند تا حدودی عادات روستائی خود را حفظ می‌کنند. یعنی پیوندهای طایفه‌ای مانع ازدواج آنها با سایرین میگردد، اما بعدها روابط محلی توسعه می‌یابند و ازدواج‌ها بیشتر میان ساکنین یک محل صورت می‌گیرد.

هـ ضعف همبستگی ذکر شده ناشی از فقدان آماری دقیق درباره تعداد خویشان یک

خانوار در شهر و مخصوصاً عدم توجه پاسخگویان به دادن پاسخ‌های دقیق و روشن در مورد هریک از محدودیت‌ها می‌تواند باشد. بعبارت دیگر، از خلال پاسخها میتوان دریافت هنگامی که کارگران از خانوارهای اولیه خود صحبت می‌کنند، محدودیت‌های مربوط بخود خانوار را

کمتر مطرح میسازند. آنان وضع کلی گذشته را در نظر گرفته و تصویری کلی و «متوسط» از دنیای دیرین بدست می‌دهند.

در این مورد بجاست از رابطه بین چگونگی انتخاب همسر و نوع شهری که پاسخگو از آن برخاسته است، یاد کنیم. در شهرهای درجه دوم، محدودیت‌های ازدواج بیشتر از نوع محدودیت‌های طایفه‌ای است، حال آنکه در مراکز استانها و تهران وضع چنین نیست. در شهر بزرگ ازدواج بیشتر رنگ محلی بخود می‌گیرد، یعنی کسانی که در یک محل زندگی می‌کنند، حتی اگر به طوایف گوناگونی نیز تعلق داشته باشند، با افراد هم محل خود وصلت می‌کنند. در شهر تهران این گرایش از همه جای بیشتر است و اصولاً در تهران بیشتر از سایر نقاط از این جهت محدودیت وجود دارد.

### ۳- مقام و موقعیت خانوار پاسخگو در محله

پاسخگو خانوار اولیه خود را از نظر میزان درآمد در مقایسه با خانوارهای دیگر محله در چه سطحی قرار میدهد؟ آیا خانوار اولیه خود را جزو خانوارهای مرفه بشمار می‌آورد و یا آنکه از آن بعنوان یک خانوار فقیر و بی‌چیز یاد می‌کند؟ در این مورد سوالی که از کارگران شهری کردیم، تقریباً نظیر همان پرسشی است که برای کارگر انیکه از روستاها برخاسته‌اند، مطرح ساخته‌ایم. گویانکه در مورد کارگران روستائی الاصل، از مقام و موقعیت طایفه اولیه آنها نیز سخن به میان آوردیم ( این سوال برای کارگر انیکه از شهرها برخاسته‌اند، بی‌معنا بنظر میرسد).

الف- طبق معمول، پیش از آنکه در مورد موقعیت خانوار کارگر از او پرسشی بعمل آوریم، درباره تفاوت وضع اقتصادی خانوارها در محل از او سوال کردیم. بدین ترتیب که از او پرسیدیم: آیا در محله اولیه مورد سکونت شما میان خانوارها از نظر اقتصادی تفاوتی وجود داشت؟

پاسخ‌های ارائه شده به ترتیب زیر توزیع میشوند:

۷۵ نفر وجود تفاوت را تایید کردند.

۱۹ نفر آنرا انکار کردند.

۲ نفر در این مورد چیزی بیاد نداشتند.

پاسخگویانیکه تفاوت‌های اقتصادی میان خانوارها را انکار کرده‌اند یا متعلق به محله‌هائی هستند که افراد آن بطور کلی فقیر بوده‌اند (۱۳ پاسخ و ۲ محله) و یا آنکه از محلاتی برخاسته‌اند که ساکنان آنها را میتوان از نظر اقتصادی جزو گروه‌های متوسط بحساب آورد (۴ پاسخ و ۱ محله).

ب- در مواردیکه پاسخگو میان خانوارهای محله خود از نظر اقتصادی تفاوت قائل

بوده است، از وی سوال شده است که آیا خانوار او در مقایسه با دیگر خانوارها مرفه بوده است یا فقیر؟

پاسخ ها بطریق زیر توزیع میشوند:

۹	خانوار مادر شمار خانوارهای مرفه بوده است
۹	خانوار مادر زمره گروه های متوسط بوده است
۵۷	خانوار ما از جمله گروه های بی چیز محله بوده است

۷۵

جمع:

در  $\frac{3}{4}$  موارد کارگر شهری الاصل خانوار خود را در شمار گروه های مرفه محله محسوب داشته است. میتوان از خود پرسید آیا کارگرانی که خانوار اولیه خود را جزو خانوارهای مرفه بحساب آورده اند، امروز خود از نظر اقتصادی مقام بالاتری بدست آورده اند یا خیر؟ تقریباً همه این افراد از محله هائی برخاسته اند که به گفته خود آنها اعیان نشین بوده است و در واقع:

سه نفر آنها فرزند سوداگران بوده اند،

چهار نفر فرزند پیشه ور مهم و یاد کانداز صاحب ثروت بوده اند،

دو نفر فرزند کارمندانی بوده اند که در محل خود نفوذ داشته اند.

حتی اگر کارگر فوق به خانواده های مرفه محله نیز تعلق نداشتند، باز هم احتمالاً خود را در شمار مسکینان محله محسوب نمیداشتند. گوانیکه بیان و یاد آوری خاطرات دیرین جلای دیگری به آنها می بخشد، اما تغییر عمیقی در آنها نمیدهد. بدین ترتیب، بنظر میرسد که تعداد اندکی از کارگران از نظر شرایط اجتماعی و شغلی از اکثریت قشرهای جمعیت مورد بررسی جدا میشوند.

ج- پرسش بعدی آنست که آیا از نظر کارگرانی که از خانواده فقیری برخاسته اند، ثروت افراد غنی چگونه حاصل میشود؟ (نظیر این پرسش را از کارگران روستائی الاصل نیز بعمل آورده بودیم).

از ۵۷ کارگر مورد پرسش، ۵۵ نفر پاسخ لازم را داده اند و در پاسخ های خود مجموعاً به ذکر ۷۸ دلیل پرداخته اند که توزیع آنها بقرار زیر است:

۱۵	کاروبشنگار، فعالیت، صرفه جوئی
۲۱	کسب
۲۹	مالکیت
۱۳	غصب، دزدی

۷۸

جمع:

کارگرانی که منشاء شهری دارند، برعکس کارگران روستائی الاصل دوعلت آخر (غصب، دزدی) را زیاد در امر کسب ثروت مؤثر نمی‌دانند و لذا، میتوان گفت که آنها به طرق قدیمی و مطلوب کسب مکنت قائلند.

هـ همچنین از کارگرانی که خانوار اولیه خود را در محل ضمن مقایسه با دیگران صاحب مکنت معرفی کرده‌اند، خواسته شده است تا آنها نیز علل فقر بی‌چیزان را بیان کنند.

از ۱۸ کارگر مورد پرسش، ۱۴ نفر حاضر به پاسخ شده‌اند و ۴ نفر را برشمرده‌اند:

۹	بیکاری، تنبلی، نادانی
۴	ورشکستگی، مصائب طبیعی
۳	فقدان وسایل تولید
۱۶	جمع:

ارقام موجود هرچند بسیار ناچیزند، لیک می‌توانند روشنگر تفاوت‌های شهر و روستا باشند: و آن اینکه در شهر علل ذکر شده در گروه اول (بیکاری، تنبلی...) نسبت به روستا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و این خود حاکی از تفاوت دید شهری و روستائی است.

#### نتیجه

در تهران پرولتاریای صنعتی بتازگی شکل گرفته و پا به عرصه وجود نهاده است. معمولا این عده از روستاهای ایران برخاسته‌اند: زیرا از هر ۳ کارگر فقط یکی در شهر متولد شده است. از این گذشته، از هر ۱۰ کارگر تنها یک نفر متولد تهران می‌باشد و از هر ۲ خانواده کمتر از یکی از آنها از ۲ نسل پیش به اینطرف در تهران ساکن شده‌اند. این تنها صنعت جدید نیست که بعنوان یک پدیده تازه در برابر روستائی متجلی میگردد، بلکه کلیه جنبه‌های زندگی در پایتخت برای او بیگانه و تازه هستند. آنچه بازم در این تحقیق میتوانند بعنوان امری جالب مورد توجه قرارگیرد، آن است که حتی یک نفر از کارگران دارای منشاء عشایری نبوده است.

کارگران امروزی تهران، چه کسانی که منشاء روستائی دارند و چه آنهایی که زاده شهرها می‌باشند، متعلق به گروههایی هستند که چهره، ترکیب و ساخت آنها در پشتر موارد قدیمی و کهنه است.

دهات و محله‌های اولیه آنها اکثر دارای ساختمانهای قدیمی هستند، و از نظر اجتماعی ترکیب گروه‌ها در آنها چنان است که نمیتوان آنها را «گروه پویا» به معنای جدید کلمه نامید. همین ملاحظات در مورد ساخت شغلی این روستاها ویا شهرها صدق می‌کند. بدین معنا، که فعالیت‌های شغلی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، مشاغل جدید کمتر در میان آنها رسوخ کرده است. لیکن میتوان گفت که دادوستد تا حدودی در این نقاط توسعه یافته است.

ساخت اجتماعی این گروه‌ها نیز، چه در شهر و چه در روستا، غالباً یادآور یک جامعه فئودالی است. بدین قرار که: روستاها تحت سلطه مالکان بزرگی هستند که کمتر به روستای خود می‌روند، و در شهرها ساخت اجتماعی صورت عمودی دارد. با این همه، نمی‌توان بدرستی گفت که آیا پیدائی خرده مالکی از یکسو و وجود محله‌هایی که در آنها ساخت اجتماعی صورت افقی نیز بخود می‌گیرد از سوی دیگر، نشانه انحطاط نظام فئودالی است و یا آنکه از سالها قبل همراه با فئودالیزم موجود بوده‌اند.

همه جا، چه در شهر و چه در روستا، فرد و خانوار در میان گروه‌های محلی و یا بالاتر از آن، در میان گروه‌های سازمان یافته خویشاوند یعنی طوایف محصور شده‌اند. دشمنی میان گروه‌های نخست و رقابت میان گروه‌های دوم، زمینه مساعدی به افراد میدهد تا شخصیت خود را به ثبوت رسانند. سلطه این گروه‌ها را از طریق محدودیت‌هایی که برای ازدواج قائل میشوند، میتوان ملاحظه کرد.

هرچند که از خلال توصیف کارگران میتوان دریافت که آنها از شهر و روستای دیروز خود تصویر شباهتی عرضه می‌کنند، با این همه، میان شهر و ده تفاوت‌هایی میتوان یافت. قبل از هر چیز باید گفت که روستاهای ایران در خلال ده سال اخیر صحنه تحولاتی اقتصادی بوده‌اند و از پویائی (dynamisme) خاصی بهره داشته‌اند که نظیر آنرا در شهرها نمیتوان یافت. با این همه، ذکر این نکته ضروری است که این تحولات رنگ سنتی و قدیمی داشته و جزئی از کار کردهای جامعه فئودالی بوده‌اند و در واقع بنظر میرسد که این تحولات از عمق کافی بهره نداشته و از تغییرات فنی برکنار بوده‌اند.

با وجود این، تفاوت اصلی میان شهر و روستا مبتنی بر چگونگی حاکمیت فئودالی است. در روستاها دهقان کلیه محصولات خود را با ارباب تقسیم می‌کند حال آنکه در شهر، افراد آنچنان به فئودال‌ها وابسته نیستند. از جانب دیگر، در شهر افراد کمتر به طایفه و گروه‌های محلی خود وابستگی دارند و این پدیده در امر ازدواج بخوبی مشهود است. در مطالعه خود نشان دادیم که وجود طایفه در شهر تنها حاصل خاطره‌ای از محیط زندگی در روستا نیست، بلکه طایفه خود در شهر شکل می‌گیرد، قدرت می‌یابد و کارکرد ویژه خویش را دارد. با در نظر گرفتن نوع اختلافات و کشمکش‌هایی که در شهر و روستا روی میدهد نیز میتوان میان این دو محیط تفاوت‌هایی قائل شد: در شهر تفاهم بیشتری میان افراد مشاهده میشود، در حالیکه روستائیان غرق در رقابت و هم‌چشمی بمنظور اخذ هر چه بیشتر منابع ثروت‌اند.

در این فصل، هدف دیگر ماکشف این مطلب بود که چگونه کارگران امروز از میان گروه‌های محلی دیروز انتخاب شده‌اند. نتایجی که در این زمینه بدست آوردیم، چنین بودند: کارگران امروز چه کسانی که منشاء روستائی داشته‌اند و چه آنهایی که شهری الاصل

بوده‌اند، همگی در زمره بی چیزترین افراد محل خود محسوب میشده‌اند. با این همه، باید یادآور شویم که اقلیت ناچیزی از کارگران از خانورهائی برخاسته‌اند که قبلاً ثروتی داشته و بعدها شاید در اثر ورشکستگی و یا سایر بلا یا آنرا از دست داده‌اند.

مطلب دیگری که بازهم در این مورد جلب نظر می‌کند، آن است که خانوارهای اولیه کارگران که در دورهٔ پیش از صنعت ثبات فراوانی از خود نشان میدادند، در دوران جوانی کارگران تحرک جغرافیائی بیسابقه‌ای بخود گرفته‌اند. بدین ترتیب، دخول در جهان صنعت همراه باگسستن پیوندهای دیرین ازگروههای محلی سابق، صورت می‌پذیرد.

## فصل دوم

### محیط خانوادگی نخستین

در جوامع سنتی معمولاً همبستگی خاصی بین فرد و گروه‌هایی که براساس پیوندهای خانوادگی و محلی بوجود می‌آیند، حاصل می‌شود. ما این چنین جوامعی را جامعه‌های «ماقبل صنعت» می‌نامیم. اما در ایران از یکسو میان افراد رقابتی شدید به چشم می‌خورد، و از سوی دیگر، همین افراد در طایفه‌ها و گروه‌های محلی کاملاً جذب می‌شوند، این تضاد چگونه در یک جامعه بوجود می‌آید؟ بمنظور پاسخ باین پرسش، خانواده را بعنوان نهاد مورد بررسی قرار می‌دهیم و به مطالعه شکل، ساخت و پیوندهای آن با دیگر گروه‌های خویشاوند و محلی می‌پردازیم و امیدواریم این شاخص‌ها ما را در دست آوردن پاسخی موثق یاری کنند.

علاوه بر این، تحلیل امور مربوط به خانواده ما را در شناخت چگونگی پیشرفت کارگران از نظر شغلی نیز کمک می‌کند، منزلت زن را در خانواده ایرانی بما نشان می‌دهد و توزیع وظایف را در کانون خانوادگی برما معلوم می‌دارد.

از جانب دیگر، کسب این اطلاعات تفاوت میان شهر و روستا را نیز آشکار خواهد کرد.

این فصل به سه قسمت تقسیم شده است:

الف- شکل و حجم خانوارهای اولیه

ب- ساخت خانواده، روابط میان خانوار و گروه خویشاوندان و گروه‌های

محلی.

ج- چگونگی تقسیم وظایف اقتصادی در درون خانوار.

الف- شکل و حجم خانوار

مطالعه مابیشتر به ساخت اجتماعی خانوار اولیه کارگران متوجه بود، بدین جهت اطلاعات دقیقی در مورد سن، جنس اعضای خانواده کسب نگردید.

هدف ما از بررسی خانوار اولیه کارگران، مطالعه دموگرافیک خانوار نبود، بلکه می‌خواستیم به شناخت ساخت کلی آن پردازیم. در جامعه‌ایکه هنوز سن افراد غالباً دقیق مشخص نیست وزن (چه به معنای حقیقی و چه به مفهوم مجازی آن) موجودی پوشیده و مستور بشمار می‌رود، نمیتوان بطور دقیق به مطالعه سن و جنس پرداخت.



از جانب دیگر، صحیح بنظر نمی‌رسد که در مورد جمعیت نمونه خود ابتدا سخن از سن و جنس‌ساز کنیم، زیرا خانوار مورد بررسی ما خانوار اولیه کارگران پاسخگوست یعنی متعلق به زمانی بس دور میباشد.

۱- ملاحظات دموگرافیک:

بطور کلی ۱۷۸۵ نفر عضو ۲۹۳ خانوار بوده‌اند. یعنی هر خانوار بطور متوسط ۶/۱ نفر عضو داشته است. بطور کلی ۱۰۷۸ مرد در کل جمعیت مورد بررسی وجود دارد که ۶۰/۵٪ جمعیت مرد را تشکیل میدهد. آیا این رقم روشنگر یکی از مشخصات جمعیتی جامعه مورد بررسی ماست و یا آنکه معلول انحرافات آماری می‌باشد؟

میتوان تصور کرد که جمعیت مورد مطالعه شامل خانوارهایی است که افراد آن سالمند بوده و همه آنها دارای یک یا چند فرزند هستند که حدود متوسط سن آنها میان ۱۲ تا ۱۴ سال است. اگر تعداد دختران از پسران کمتر است، علت آن اردواج زودرس دختران و ترک خانوار از سوی آنهاست. بدین ترتیب، باید در صد پسران بیش از ۱۲ سال در خانوارهای مورد بررسی بیش از سایرین باشد و در واقع چنین نیز هست.

سن	پسر	دختر	جمع	درصد پسران
کودکان صفر تا ۱۲ ساله	۳۶۰	۱۷۱	۴۸۱	۶۴/۵٪
کودکان ۱۳ ساله و بیشتر	۴۲۱	۱۸۶	۶۱۲	۶۸/۸٪
کودکانی که سن آنها اعلام نشده	۳۵	۲۱	۵۶	۶۲/۵٪
جمع	۷۷۱	۳۷۸	۱۱۴۹	۶۷/۱٪

در این جامشاهده میشود که تنها تعداد دختران ۱۳ ساله ببالا از پسران کمتر نیست، بلکه دخترانی که بین صفر تا ۱۲ سال دارند نیز از لحاظ تعداد کمتر از پسران میباشند. بالنتیجه میتوان گفت که طرز ارائه پاسخ از جانب پاسخگویان موجب تحریف ترکیب واقعی سن شده است. این امر (تحریف من واقعی)، بصورتی مستمر تکرار میگردد.

۱) این نوع کم شمار در مورد افراد بالغ کمتر معمول است. ارقامی که در این باره در اختیار داریم، بقرار زیرند.

ابعاد خانوار با توجه به تکنیک خاص تحقیق تنوع می‌یابد. این تحریف آماری از دو جهت محتمل بنظر می‌آید:

۱- عدم ارائه پاسخ که موجب کم شماری دختر و پسر شده و کل جمعیت را نیز کمتر معرفی می‌کند.

۲- جوابی که یک پسر را بجای یک دختر ذکر می‌کند و ترکیب جنسی جمعیت را تغییر میدهد، بدون آنکه در کل جمعیت از لحاظ تعداد تغییری ایجاد کند.

ب- آنچه از این مباحث درباره نسبت مردان جمعیت مورد بررسی برمی‌آید، حاکی از آن است که جمعیت افزوده خانوارهای مورد مطالعه ۱۷۸۰ نفر و نیز تعداد افزوده مردان اعلام شده ۲۱۷۸ نفر می‌باشد. در مورد اول تعداد متوسط هر خانوار ۱/۶ و در مورد دوم ۷/۴ خواهد بود و این دو رقم نسبت به رقمی که سرشماری عمومی در مورد حجم خانوار در ایران در سال ۲۰۱۰ بدست می‌دهد (۴/۴ نفر) زیاد است. اما از طرفی خانوارهایی که مورد بررسی ما هستند معمولاً از لحاظ سنی بالا بوده و یا حد اعلائی گسترش راپاخته‌اند، از طرف دیگر، گواينکه نباید نتایج حاصله از سرشماری عمومی را مورد تردید قرارداد، باین حال، پاره‌ای از ارقام آن را به سختی می‌توان پذیرفت (مخصوصاً نتایج حاصله از سونوگرافی‌های مختلف این تردید را تقویت می‌کند (مثلاً در لیموشا، یکی از دهات گیلان، حجم متوسط خانوار در سال ۱۹۶۲، ۱/۴ است و در اهواز پس از مطالعه‌ای که در سال ۱۹۶۳ انجام گرفت، ملاحظه شد که این حجم به ۴/۸۹ تقلیل می‌یابد).

ج- باین همه، اگر به ارقامی که پاسخگویان اظهار داشته‌اند، توجه کنیم، خانوارها از جهت حجم بطریقی طبیعی و عادی توزیع میشوند:

تعداد افراد خانوار	تعداد خانوار
۲	۲
۳	۱۷
۴	۴۴
۵	۶۱
۶	۶۲
۷	۴۵

→	مرد	زن	جمع	درصد مردان
والدین (پدر و مادر)	۲۶۳	۲۸۴	۵۴۷	٪۴۸
خویشان دیگر	۴۴	۴۵	۸۹	٪۴۹/۵
جمع:	۳۰۷	۳۲۹	۶۳۶	٪۴۸/۵

۲۴	۸
۲۳	۹
۸	۱۰
۵	۱۱
۲	۱۴

میانگین ۰.۹-۶ میانه ۰/۹۹ و مد عبارت از ۶ میباشد.

هـ با توجه به ملاحظات فوق باید چند نظر دیگر در خصوص سن پاسخگویان و والدین آنها بیان داریم. ارقامی که در این مورد بدست آورده‌ایم، دارای دقت زیادی نیستند، خاصه آنکه تعداد زیادی از پاسخگویان سن والدین، خود را اعلام نداشتند و یا بخاطر نیاورده‌اند باین همه، آنچه را که در این مورد بیان شده است، بعنوان نشانه‌ای که تا حدودی روشنگر واقعیت است، ذکر می‌کنیم:

حد متوسط اختلاف سن پدر و مادر پاسخگویان (در ۲۴۲ نفر)، (۱)  $۱/۸$  سال است. سرشماری سال ۲۵۱۵ این تفاوت را در کل جامعه ایران ۶ سال نشان میدهد. در شهرها این اختلاف به  $۸/۳$  سال میرسد و در دهات به  $۵/۲$  سال کاهش می‌یابد. حتی اگر در نظر بگیریم که اطلاعات سرشماری، اختلاف سن همسران را کمتر نشان میدهد (چون افراد کمتر از ۱۵ سال را در نظر نمی‌گیرد) اختلاف سن متوسط والدین کارگران زیاد مینماید. مسلم است که این اختلاف در مورد کسانی است که امروز تا حدود زیادی مسن هستند، اما باید پذیرفت که این اختلاف سن همسران پدیده‌ای نیست که با سرعت زیادی تحول یابد. (این اختلاف در فرانسه در طی ۱۵۰ سال از ۶ به  $۳/۵$  سال تقلیل یافته است.) آیا پاسخگویان در مورد اختلاف سن والدین خود اغراق کرده‌اند؟ در هر صورت، اختلاف قابل توجهی که اظهار شده است، نشانه‌ای است از ارجحیتی که برای پدر نسبت به مادر از دیدگاه سنی قائلند.

سن متوسط مادران به هنگام تولد پاسخگویان  $۲۵/۱$  سال است (۲۴۳ مورد). اگر بپذیریم که متوسط سن زن در ایران بهنگام ازدواج ۱۹ سال است (در مجموع جمعیت کشور  $۱۹/۲$  سال، در شهرها  $۱۸/۷$  سال و در دهات  $۱۹/۴$  سال می‌باشد). و نیز اینکه جامعه ایران به عمل کنترل موالید نمی‌پردازد، میتوان گفت که پاسخگویان کارگر بطور متوسط سوئین یا چهارمین فرزند مادر خود هستند. بنابراین بنظر نمی‌رسد که کارگران صنعتی، خاصه کسانی که که خاستگاه روستائی دارند، از میان فرزندان بزرگ و یا کوچک خانواده انتخاب شوند.

(۱) این اختلاف سن با در نظر گرفتن سن متوسط افراد در هنگام ازدواج بدست آمده است. (این ارقام مانند ارقام دیگر در بخش جمعیت‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی محاسبه شده است).

## ۲- شکل خانوار

در آغازگمان میرفت که شکل غالب خانوارهای اولیه کارگران، خانواده هسته‌ای است، لیکن دیده شد که تعداد قابل ملاحظه‌ای نیز خانوار وسیع و گسترده از نوع پدر-سری-سری-هسته‌ای وجود دارد. بدین معنا، که چند برادر پس از ازدواج نیز بازهم در خانه پدری خود زندگی می‌کنند.

تحلیل مان‌شان می‌دهد که در واقع خانوار وسیع در میان خانوارهای اولیه جمعیت مورد بررسی ما زیاد دیده نمی‌شود، بمنظور توضیح بیشتر باید به ترتیب خانواده هسته‌ای (زن و شوهری)، حجم خانوار و روابط این دورا در این جا مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

الف- منظور از خانواده زن و شوهری گروهی است مرکب از پدر، مادر و فرزندان، در میان ۲۹۳ خانوار ۲۵۵ خانوار (یعنی ۸۷٪ آنها) از گروه خانوادگی کاملی تشکیل یافته (پدر، همسر و بچه‌ها)، با این همه، باید افزود که خانوار ازین آنها دو همسری هستند، در حالیکه در ۱۳ خانوار دیگر همسر پدر پاسخگو مادر خود او نیست (خانواده‌هایی که پس از مرگ و یا طلاق یکی از همسرها تشکیل شده است).

۳۸ خانواده ناقص‌اند بدلیل زیر:

۲۴ مورد	— پدر پاسخگو غایب است
۸ مورد	همسر پدر پاسخگو غایب است
۶ مورد	پدر و همسر پدر پاسخگو غایب‌اند

ب- فقط ۳۷ عدد از خانوارهای اولیه (یعنی ۱۲/۵٪) از خانواده هسته‌ای یازن و شوهری فراتر رفته‌اند.

از میان آنها، ۱۷ خانوار از خویشاوندان پدری یا مادری پاسخگو تشکیل میشوند. در ۸ مورد این خویشان صرفاً به مادر بزرگ پاسخگو ختم میشوند. در ۸ مورد دیگر شامل پدر بزرگ همسر داروایی همسر میگردند، در یک مورد (دو پدر بزرگ) باهم در خانواده زندگی می‌کنند و باید در این مورد توجه داشت که همیشه مشخص نیست که آیا جد بزرگ از خویشاوندان پدر پاسخگوست و یا مادراو، اما در سه مورد مسلماً از خویشان پدری است.

سینزده خانوار مرکب از فرزندان ازدواج کرده پدر پاسخگو هستند که از این میان ۱۱ مورد مربوط به پسران متاهل و ۲ مورد مربوط به دختران مزدوجی است که در خانه پدر زندگی می‌کنند.

۹ خانوار مرکب از برادران متاهل (۶ مورد) یا غیر متاهل (۳ مورد) پدر پاسخگو-ست. تعداد کل اعضاء اضافی خانوارها به ۳۹ نفر میرسد، یعنی اندکی بیشتر از تعداد خانوارهای گسترده (که ۳۷ نفرند).

تنها دو خانوار دارای اعضای از نوع دیگر هستند: یکی از آنها شامل مادر بزرگ و یک برادر متاهل پاسخگوست، و دیگری مرکب از پدر و عموهای متاهل اوست. وانگهی، تعداد کل افرادی که به خانواده کوچک افزوده میشوند نسبتاً محدود است (۸۹). هنگامی که خانوار مرکب از عموها، داییها، خالهها، عمهها و یا برادران و خواهران متاهل پاسخگوست، تعداد این قبیل اشخاص معمولاً زیاد نیست و فرزند بسیاری ندارند. بنابراین، خانوادههای گسترده چه از لحاظ کیفی و چه از نظر کمی اهمیت فوق العادهای ندارند. آنچه در زیر می آید، دال برگسترش ناچیز خانوادههاست.

پد نزدیک به ۱/۳ خانوادهها هنگامی بر تعداد خود می افزایند که ناقص باشند.

ترکیب خانوادها	خانوادههای گسترده	خانوادههای زن و شوهری	جمع
گروه کامل	۲۴	۲۳۱	۲۵۵
غیبت پدر	۶	۱۸	۲۴
غیبت همسر پدر	۳	۵	۸
غیبت پدر و همسر او	۴	۲	۶
جمع:	۳۷	۲۵۶	۲۹۳

به ۹/۵٪ خانوادههای کامل و ۳۲٪ خانوادههای ناقص فرد دیگری افزوده میشود، علاوه بر این، رابطه میان اعضاء خانواده و افرادی که بدان افزوده میشوند، به ترتیب زیر است:

افراد ی که به گروه افزوده میشوند ( نسبت آنها با پاسخگو )							ترکیب خانواده
فقط مادر بزرگ	لا اقل پدر بزرگ	برادران و خواهران متاهل	رانی، عمه، عمو، خاله	مادر بزرگ و برادر متاهل عمو یا دایی متاهل	پد بزرگ،	جمع	
۵	××۸	×۸	××××۲	-	×۱	گروه کامل	
-	-	۳	××××۲	۱	-	غیبت پدر	
۱	-	-	۲	-	-	غیبت همسر پدر	
۱	-	۱	۲	-	-	غیبت پدر و همسرش	
۷	۸	۱۲	۸	۱	۱	جمع	

خانوار فقط در ۹ مورد دقیقاً شکل پدر سری بخود میگیرد ( این خانوار رابا یک ستاره مشخص کرده ایم) در ۸ مورد تقریباً شکل پدر سری دارد (بادو ستاره نشان داده ایم و در ۲ مورد تقریباً صورت یک گروه کوچک عشیره ای را دارد (این خانواده ها را با سه ستاره نشان داده ایم).

در موارد دیگر (۱۸ مورد) فردی که به خانوار افزوده میشود، به کمک جد بزرگ خود برخاسته است و این کمک یا بعلت تنهایی جد خانواده انجام میشود (۵ مورد) و یا به جهت غیبت یک یاد و عضو در گروه خانواده (۱۳ مورد) در این صورت، خانواده شکل لویرا را بخود میگیرد، ۲ مورد که با ۴ ستاره مشخص شده است).  
از سوی دیگر، بعضی از خانوارها که در ظاهر پدر سری مینمایند، در واقع چنین نیستند، در این مورد، توجه به چگونگی توزیع قدرت در خانواده، شاخص خوبی جهت نشاندا دن این امر نیست.

ص- رؤسای ۲۹۳ خانواریکه مورد مطالعه ماقرار گرفته اند (به استثنای یک خانوار که پاسخی در این مورد نداده است) به ترتیب عبارتند از:  
اعضای خانوار:

۲۰۴	پدر پاسخگو
۲۲	همسر پدر
۴	پسر پدر
۲۸۰	جمع
	اعضائی که به خانوارها افزوده میشوند:
۵	پدر بزرگ
۲	مادر بزرگ
۵	عمو
۱۲	جمع:

در ۹۵/۵٪ موارد قدرت خانواده در اختیار یکی از اعضا آنست بخصوص باید توجه کرد که این قدرت همیشه از آن نیای پدری نیست.  
هنگامی که پدر پاسخگو غایب است، معمولاً همسرش (یعنی قاعده مادر پاسخگو) حتی زمانی که فرد دیگری بخانواده افزوده شود، قدرت را در خانه بدست میگیرد. انتقال قدرت به همسر نشانه آن است که در این جامعه الگوی خانواده زن وشوهری ویا هسته ای غلبه دارد.

تقاطع میان شکل خانوادہ و نسبت میان رئیس خانوار و سگسگوبہ ترازیراست

جویشاوندی رئیس خانوار یا سگسگ

شکل خانوادہ		جویشاوندی رئیس خانوار یا سگسگ										
گروہ خانوادگی کامل	بدون فرزند اضافی	بند ۲۲۹	بند ۱۱۸	بند -	بند -	بند -	بند -	بند -	بند -	بند -	بند -	
												بند ۲
غیبت ہمسند ر	بدون فرزند اضافی	-	۱۶	۱	-	-	-	-	-	-	-	-
	باندرا اضافی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
غیبت ہمسند ر	بدون فرزند اضافی	۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	باندرا اضافی	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
غیبت بد رو ہمسند او	بدون فرزند اضافی	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-
	باندرا اضافی	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-
جمع		۲۳۱	۲۴	۱۸	۶	۵	۳	۲	۴	۲۵۴	۲۲	۴

بطور کلی، فقط ۱۳ خانواده دارای سازمان پدرسری-زن وشوهری هستند و یا یادآور چنین سازمانی می‌باشند. این خانواده‌ها دارای یک یا چند پسرند که پس از ازدواج نیز تحت فرمان پدر زندگی می‌کنند. علاوه بر این، دو خانواده دارای سازمان نیمه عشیره‌ای می‌باشند. هر در این جا، این پرسش مطرح میشود که آیا همه جمعیت ایران دارای خانواده هسته‌ای وزن وشوهری هستند و یا آنکه این مشخصات صرفاً در جامعه نمونه ما وجود دارد؟ اطلاعاتیکه مقایسه میان جامعه نمونه و کل جمعیت را امکان پذیر کند، نادرند، اما میتوان به بیان چند نظر کلی در این مورد قناعت کرد:

نخست باید گفت کسانی که خانواده ایرانی را پدر سری می‌پندارند، اندیشه درستی ندارند، خانواده پدر سری متناسب با نظام فئودالی نیست، زیرا فئودالیت به تملک زمین جنبه فردی می‌بخشد. نظام فئودالی در جوامع شرقی موجب پیدائی خانواده‌های پیوسته یا طوایف میگردد که پیش از این درباره آن سخن گفته ایم. (در این جا، مسأله برسر یک واقعیت اجتماعی متمایز و متفاوت از خانواده است، گویانکه با آن پیوستگی دارد) با این همه، در درون این نظام، خانواده پدر سری - هسته‌ای میتواند بعنوان نشانه‌ای از الگوهای سازمانهای پیشین باقی مانده باشد یا اشکال فرعی تملک زمین باعث پیدائی آن گشته باشند. مثلاً تملک زمین زیر کشت توسط دهقان (پدیده‌ای که کمتر شایع است) موجب آن شده باشد. و یا آنکه حاصل پدیده‌هایی دیگر باشد. بطور کلی، میتوان پذیرفت که خانواده پدر سری - هسته‌ای هنگامی پدید می‌آید که وضع اقتصادی خانواده کمی بالاتر از حد متوسط باشد (که جامعه نمونه چنین است). در میان ۱۵ خانواده‌ای که دارای سازمان پدرسری - هسته‌ای هستند، ۱۰ خانواده از لحاظ رفاه مادی در حد متوسط و یا بالاتر (در مقایسه با وضع مادی خانواده‌های دیگر) قرار دارند. (۱)

(۱) در میان کارگران تصفیه‌خانه آبادان (تنها اطلاعاتی که در دست است) تعداد متوسط پدر بزرگها، مادر بزرگها، برادران، خواهران، پسر و یا دختر عموهائیکه موجبات گسترش خانواده زن وشوهری را فراهم می‌آورند، در بین کارگران ماهر بیش از کارگران ساده است، یعنی با ارتقاء میزان درآمد، افزایش می‌یابد. بین کارگران غیر ماهر، در ۱۰ خانوار، ۲ نفر بعنوان جد، عموزاده و یا دائی زاده وجود دارد، در صورتیکه همین میزان در بین کارگران ماهر به ۸ نفر میرسد. (در جمعیت کارگر مورد مطالعه درین تحقیق، این رقم به ۵۷ میرسد) در بین کارگران تصفیه‌خانه آبادان، تعداد پدر بزرگها، مادر بزرگها، برادران، خواهران، پسر و یا دختر عموها، در داخل خانوار بین کارگران نسبت به کارگران ماهر کاهش می‌پذیرد، در صورتیکه در بین کارمندان با زهم روبه فزونی می‌گذارد. لیکن میتوان پذیرفت که این دو گروه رفتاری متمایز از کارگران دارند. «آبادان». سرفولژی و کارکرد بافت شهری» تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۹۶۱، ۶۱ صفحه



مطالب فوق نشان میدهد که اهمیت خانواده گسترده در جمعیت نمونه ماسعرف اهمیت آن در روستاهای کشور ایران نیست. در حقیقت، افراد جمعیت نمونه ما بطور اتفاقی برگزیده نشده است، بلکه این جمعیت مرکب از خانواده های اولیه کارگران است و میدانیم این خانواده ها معمولاً فقیرتر از دیگران هستند. بنابراین، در روستاهای ایران خانواده پدر سری- هسته ای باید بیشتر رایج باشد.

بد ساخت خانواده، روابط میان خانوار، خویشاوندان و گروه های محلی

بطور کلی، هسته ای بودن خانوار در این جامعه از صفات مشخصه فنودالیزم (دست کم در جوامع شرقی) است نه نظام بورژوازیهای. خانواده در این جامعه از گروه های نظیر: خویشاوندان، ساکنان یک روستا، گروه های فنودال پدید می آید که در درون آنها پایگاهها، منزلت ها و نقش هایش مشخص میشوند و بصورتی غیر رسمی و بر حسب روابط شخصی تغییر می کنند.

نقش فرد در این گروه ها مبهم است. فرد در عین حال هم هدفهای شخصی خود را دنبال می کند و هم خود را با گروه خویش یکی میداند و در آن جذب و حل میشود، میتوان گفت که در واقع خود را در این گروه ها پنهان میکند.

زناشویی و مراسم ویژه آن، نشان دهنده ساخت خانوادگی و روابط خانوار و گروه های دیگری که خانوار بدانها تعلق دارد، می باشد. جای دیگری نشان دادیم که زناشویی در جوامع روستائی جنبه دادوستد بخود می گیرد (معاوضه مولدین نیروهای تولید) و بنابراین اخذ تصمیم در مورد ازدواج نه تنها منوط به نظر والدین است، بلکه زندگی کلیه ساکنان روستا را نیز تحت تأثیر قرار میدهد!

آیا محیط های اولیه کارگران تهران دارا چنین صفت مشخصه ای که در جوامع غیر صنعتی بچشم می خورد هست یا خیر؟ به عبارت روشن تر، فرد تا چه حد در شبکه روابط خانوادگی و محلی و بطور کلی در شبکه عوامل اجتماعی محصور است و تا چه حد توانسته است خود را از قیود این شبکه رهائی بخشد؟ یکی از شاخص هائی که منزلت فرد را روشن می کند، نقش او در امر ازدواج و تهیه مقدمات آنست. این همان مسأله ای است که ضمن پرسش از کارگران در این جا مطرح شد. از آنها سؤال شد: « در خانوار اولیه شما ازدواج چگونه صورت میگرفت، چه کسی در این مورد به اتخاذ تصمیم می پرداخت، چه

(۱) V. Picible: فنودالیزم در ایران (با مطالعه ای در گیلان) مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - تهران ۱۸۹۳، ص ۵۳. این اثر توسط دکتر منوچهر هزارخانی به فارسی ترجمه شده است. (م)

شخص یا اشخاصی مورد مشورت قرار می‌گیرفتند و چه کسانی بعنوان واسطه ازدواج را تسهیل مینمودند ؟ » .

الف- کسانی که در امر ازدواج دخالت می‌کنند برحسب وظیفه عبارتند از:

— دختر جوان

— پسر جوان

— مادر پسر

— والدین دیگر (یا خویشاوندان) ، اجداد و بستگان پسر که در میان آنها گاه زنان (مثل خواهر- عمه یا خاله- خاله یا عمه بزرگ- مادر بزرگ) و گاه مردان وجود دارند (مثل بزرگان طایفه یا روستا: ریش سفیدها- معتمدین محل- واسطه‌ها و کارگشایان- مباشرین فتودال‌ها، خاصه رئیس دهکده و حتی مالکان زمین).

در این‌جا، فقط پسران تکون ازدواج را به چشم می‌بینند ؛ آنان نیز صرفاً واسطه‌ها را درین مورد بروشنی می‌شناسند. کسانی که از جانب دختر فعالیت می‌کنند، کمتر ظاهر میشوند و معمولاً آنها را «خانواده دختر» می‌خوانند. از این رو، مابه تشریح وظایف و نقش‌های کسانی می‌پردازیم که از طرف پسر فعالیت می‌کنند و مراسم زناشویی را برآه می‌اندازند. باین همه، هنگامی که پسر و دختر آشنائی و تماس مستقیمی حاصل می‌کنند، امر زناشویی از زیر سلطه خانواده خارج میشود. بنابراین، بایسته است که جنبه‌هایی از نقش دختر نیز مورد بحث قرارگیرد. از سوی دیگر، بمنظور کنترل و بررسی نقش کسان دیگری که در امر ازدواج دوجوان دخالت می‌کنند، پرسش‌مکملی نیز دراین مورد افزوده شد. معهداً باید متذکر شویم که در این‌جا نیز مانند جاهای دیگر، سوآلهای پرسشنامه نمایشگر کامل واقعیات نیستند و تنها آنچه را که شخص از واقعیت در ذهن دارد، بیان میدارد.

این دواسر یعنی واقعیت عینی و واقعیت مدرک از یکدیگر متمایزند. زیرا آنچه، مخاطب بیان میدارد، در واقع تصویری است که از محیط اولیه خود (که در آن مسئولیتی نداشته و از دشواریهای زندگی در آن بی‌خبر بوده است) در ذهن پرداخته و بیان داشته است. معهداً، این تصویر در زندگی کنونی کارگر و اندیشه‌های فعلی او بی‌تأثیر نیست و از این رو مطالعه آن میتواند ثمربخش باشد.

نظر اخیر نه تنها در مورد خود کسانی که ازدواج دیگران را تسهیل می‌کنند، صادق است بلکه درباره نقشی که آنها برعهده دارند نیز صدق میکند!

(۱) رفتار فرد در تدارک ازدواج بدون شک تنها جنبه‌ای از نقش او و یا یکی از نقش‌های او محسوب میشود. باین همه، برای ساده کردن مطلب، ما آنرا نیز دراین جا فقط تحت عنوان نقش خلاصه می‌کنیم.

تحلیل پاسخ‌ها نقش‌های زیر را مشخص می‌کند :

نقش‌های معین :

— انتخاب همسر توسط خود جوان (پسر) یا والدین و یا انتخاب متقابل زوجین از یکدیگر.

— وساطت خانواده: مثلا مادر میان پدر و پسر وساطت می‌کند. بدین معنا که تمایل

پسر به ازدواج را با پدر در میان می‌گذارد و نظر موافق او را جلب می‌کند.

— مشورت: مثلا والدین خواستار نظر بزرگترهای فامیل می‌شوند و یا پسر به مشورت

با والدین خود می‌پردازد (یعنی بزرگترها یا والدین نقش مشاور را به عهده می‌گیرند).

— اجازه: والدین به فرزند خود اجازه ازدواج میدهند (و گاهی خود اجازه را از

مبشرین مالک کسب می‌کنند).

— تصمیم: نقش مرد یا زنیکه تصمیمات مربوط به خطبستی زناشویی را برعهده

می‌گیرد. این نقش در امر ازدواج حیاتی است و موافقت یا مخالفت نهائی بدان بستگی دارد. با

این همه، باید گفت که این تصمیم بصورت فردی اتخاذ نمیشود.

— وساطت بین دو خانواده: (خانواده پسر و دختر). تدارک و زمینه چینی‌های مقدماتی

ورسمی و تهیه مقدمات برای ملاقات همسران آینده، رسیدگی به مسائل مالی و دیگر مسائل:

نقش‌های کلی:

— پذیرا بودن یا قبول اجباری نظر دیگران: این نقش از آن کسانی است که گرچه امر

زناشویی به آنها مربوط میشود، لیکن هرگز مورد مشورت قرار نمی‌گیرند.

— مهم‌ترین نقش: این اصطلاح از جهت ابهامی که در آنست، نمیتواند همراه و مشابه

با اصطلاحات قبلی بکار رود، زیرا خود چندین اصطلاح را دربرمیگیرد:

— ترتیب دادن ازدواج: نقش کسانی که در روستاها ازدواج جوانان را ترتیب میدهند.

— بیهوده خواهد بود اگر سلسله نقش‌های معین را با در نظر گرفتن یک نظم زمانی طبقه-

بندی کنیم، خاصه نظمی که در مورد کلیه زناشویی‌ها قابل قبول باشد. مثلا اگر وساطت میان

دو خانواده همواره آخرین مرحله از سلسله عملیات همسرگزینی باشد، گزینش همسر نخستین

مرحله آن نیست. زیرا چه بسا پسر یا والدین او نخست تصمیم به ازدواج می‌گیرند و سپس نظر

دیگران را استفسار می‌کنند و بدین ترتیب همسر آینده فرزند خود را انتخاب می‌کنند. این

روش بخصوص در روستاها بیشتر بکار می‌رود.

از سوی دیگر، در همه وصلت‌ها تمام روش‌های برشمرده شده بکار نمی‌روند. بعنوان

مثال باید گفت که کسب اجازه از والدین همیشه ضروری نیست و تماس مستقیم پدر و پسر در

واقع وساطت در درون خانوار را غیر ضروری می‌سازد. اما باید گفت که در ازدواج پاره‌ای

مراحل وجود دارند بدون آنکه ضرورت و اهمیت آنها بخوبی درک شود.

پاسخهای داده شده					اشخاص
تعداد کل پاسخگویان *	پرسشهای بدوین پاسخ	درصد تعداد پاسخگویان	درصد تعداد پاسخها	اعداد حلقه	
۲۷۷	۲۴۳	۱۲/۳	۳/۸	۳۴	دختر
۲۷۷	۱۵۱	۴۳/۵	۱۳/۷	۱۲۱	پسر
۲۷۷	۱۱	۷۷/۸	۳/۴	۲۱۶	مادر
۲۷۷	۵۳	۸۲/۵	۲۶/۲	۲۳۲	پدر
۲۷۷	۲۴۵	۱۱/۵	۳/۶	۳۲	زن
۲۷۷	۲۱۲	۲۳/۴	۷/۳	۶۵	مرد
۲۷۷	۲۳۲	۱۶/۲	۵/۱	۴۵	نامعلوم
۲۷۷	۱۷۶	۳۲۶/۴	۱۱/۴	۱۰۱	بزرگترها
۲۷۷	۲۳۷	۳۴/۴	۴/۵	۴۰	سایران مالکان (اریاب)
۲۷۷	x	۱۱۹	۱۰۰	۸۸۶	جمع

۱۶ کارگر پاسخ نداده اند ( ۱۱ نفر آنها بیخطرنمی آورند و ۵ نفر مورد پرسش قرار نگرفته اند). در این جمله سوئف ابهامی وجود دارد زیرا اولاً مجموع افراد داخل پراکنش ۱۵ نفر است وثانیاً ۵ نفر داخل پراکنش در مفهوم جمله اول ( ۱-۶ کارگر پاسخ نداده اند) نمی گنجد زیرا ظاهراً مورد پرسش قرار نگرفته اند که پاسخی بدهند(م).

ب- از خلال پاسخ‌های پاسخگویان، وضع کسانی که در تدارک ازدواج دخالت دارند، در جدول فوق نمایان میشود.

کسانی که در امر ازدواج شرکت داشته‌اند، به ترتیب بقرار زیرند:

— دختران (در ۳/۱۲٪ موارد به آنان اشاره شده است).

— نمایندگان فنودال (در ۴/۱۴٪ اشاره شده است).

— بزرگترها (در ۴/۳۶٪ اشاره شده است).

— پسران (در ۵/۴۳٪ موارد به آنان اشاره شده است).

— خویشان (در ۱/۵۱٪ موارد به آنان اشاره شده است).

— مادران (در ۸/۷۷٪ موارد به آنان اشاره شده است).

— پدران (در ۵/۸۳٪ موارد به آنان اشاره شده است).

پدر در اکثر قریب به اتفاق زناشویی‌ها دخالت داشته و عامل مهمی بشمار میرود. میزان شرکت و سهم دیگران به نسبتی که خویشاوندی آنها با پدر دورتر و ضعیف‌تر میشود ناچیزتر میگردد. این امر چه در مورد طرفین ازدواج (دختر یا پسر) و چه در مورد خویشان دور دست آنها (که تا نمایندگان مالک فنودال نیز ادامه می‌یابد) صادق است.

تعداد متوسط عامین و شرکت کنندگان در امر زناشویی ۳/۲ است (۲ پدر را هر چند که در ۱۰ ازدواج در ۸ مورد آن نقش مهمی دارد، مانند دیگران در نظر آورده‌ایم).  
با این همه، اکتفا به این ارقام خام درست نیست. همه کسانی که در امر ازدواج مداخله می‌کنند، نقش یکسانی ندارند.

ج- تعداد متوسط نقش‌هایی که هر کس بعهده می‌گیرد، با دیگران متفاوت است و اعداد زیرگواه این مدعا هستند:

۱/۰۵	پسر
۱/۱۵	دختر
۱/۱۹	والدین
۱/۲۲	بزرگترها
۱/۲۸	مباشران فنودالها (اریاب)
۱/۴۰	مادر
۱/۴۲	پدر

رابطه میان اشخاص و نقش های آنها در رشد و زیربنشان در دانشمد هاست

اشخاص	نقش های مهمین و مشخص						نقش های کلی			
	انتخاب	وساطت	مشورت	اجازه	تصمیم	وساطت میان روخوانواره	پذیرا بودن	ترتیب دادن ازواج	مهمترین نقش	جمع
دختر	۱۳	-	-	-	۵	-	۱۸	-	۳	۳۹
پسر	۱۲	-	۱	-	۳۰	-	۲۹	-	۱۰	۱۳۲
مادر	۳۵	۳	۶۵	۶	۱۱۷	۶۷	-	-	۹	۳۰۲
پدر	۳۳	-	۷۳	۸	۱۴۵	۶۵	-	-	۶	۳۳۰
خویشان	۱	۲	۱۹۰	۲	۱	۱۵	۱	۱	-	۴۰
خویشان	۱	۲	۵۴	۵	۵	۱۲	۱۲	-	-	۷۹
بزرگترها	-	۶	۲۸	-	۳	۱۲	۱	۱	-	۵۰
سایران غورالها (رایس)	-	۲	۱۵	۲۱	۲	۱۰	۱	۱	-	۵۱
جمع	۱۴۵	۱۴	۳۴۰	۴۵	۳۲۳	۲۰۰	۴۷	۴	۲۸	۱۱۴۶

میزان مداخله مانند خود امر مداخله تغییر نمی کند. بدین ترتیب، هنگامیکه وابستگان یا نمایندگان مالک فئودال در تدارک ازدواج شرکت می کنند چیزی که کمتر اتفاق می افتد-نقشی بالاتر از حد معمول دارند. اما در مورد پسران عکس این مطلب درست است (یعنی فعالیت آنان آنچنان وسیع نیست).

ابتدا نقش ها را به ترتیب اهمیت آنها یادآور می شویم:

—مشورت (۳۴۰ مورد).

—تصمیم (۳۲۴)

—وساطت بین دو خانواده (۲۰۰)

—انتخاب (۱۴۵)

—اجازه (۴۵)

—وساطت در داخل خانواده (۱۴)

اهمیت نقشی که جنبه مشورتی دارد، بسیار زیاد است (آنچنان که این نقش در بیش از نیمی از موارد وجود دارد، حال آنکه مثلاً اخذ تصمیم تنها برعهده یک نفر است). بدین ترتیب، میتوان اهمیت مشورت هائیرا که در ازدواج صورت می گیرند، شناخت. با این همه، میتوان ادعا کرد که در بسیاری از موارد، اهمیت مشورت در امر زناشویی مورد توجه کارگران مورد بررسی نیست. زیرا هنگامیکه آنها در روستا زندگی می کردند نقش مستقیمی در زندگی گروه نداشته اند و جز از طریق والدین خود این زندگی را درک نمی کردند. برعکس، مسأله اتخاذ تصمیم بنظر آنها مهم جلوه می کند، زیرا این امر مستقیماً بخود آنها مربوط می شده است.

در واقع، تصمیم والدین چیزی جز کشف راه حل از خلال نظرات گوناگون نیست. نظریاتی که داده می شوند به علت تنوع منافی که در امری چون ازدواج وجود دارد، گوناگونند. نتیجه چنین حالتی توجه نسبتاً ناچیز پاسخگویان به امر انتخاب همسر است. روابطی که دو خانواده بمنظور ایجاد این پیوند بایکدیگر برقرار می کنند، بیشتر از همه مورد اشاره قرار گرفته اند. زیرا در واقع، چنانکه پیش از این گفتیم، ازدواج سنتی پیش از آنکه نمایشگر وصلت و پیوند میان یک زن و مرد باشد، نشان دهنده پیوند دو خانواده است.

حالا، به بررسی ترکیب و چگونگی نقش هر فرد و یا هر گروه می پردازیم:

بطور کلی از نقش دختر کمتر سخنی به میان می آید (نیمی از موارد) و صفت مشخصه این نقش پذا بودن آنست. این پدیده در ایران بصورت سنت وجود دارد: زناشویی بدون توجه به خواست دختر انجام میشود و دخالت او در امرنا بجا تلقی میگردد. با این همه، باید توجه داشت که نقش منفعل و پذیرائی که پاسخگویان برای دختران قائل میشوند، تا حدودی ناشی از تاسف آنان برگزیده و حاصل دید کنونی و نوین آنهاست.

دخالت ناچیز دختر در مسأله ازدواج اسری نیست که مبتلا به همه پیوندها باشد بلکه مواردی نیز هست که دختر در آن بصورت عاملی فعال ملاحظه میشود.

اکنون مختصراً به تحلیل مواردی چند که نقش دختر در آن دیده میشود، پی می‌پردازیم. در این حالت، نقش ویژه‌ای بدختر اختصاص نیافته است. آنچه را که او به تنهایی بعنوان یک نقش نمیتواند ایفا کند بانقش پسر ادغام می‌کند (عکس آن امکان ندارد)، وانگهی بسیار بندرت اتفاق می‌افتد که والدین هیچگونه دخالتی در این امر نداشته باشند (مگر در یک مورد که در آن نیز بازم نظر آنان استفسار میشود). بنابراین، در این جا، سخن از زناشویی‌های «رمانتیک» نمی‌توان راند.

گذشته از آن، بنظر میرسد که نقش دختر هنگامی ارزش و اهمیت بیشتری می‌یابد که نظام فئودالی سستی‌گرفته باشد و چنین اسری (یعنی اختیار بیشتر زن در ازدواج) میتواند هم‌در شهر وهم در روستا صورت عمل بخودگیرد.

لیکن هنگامی که آنرا در یک روستا مشاهده می‌کنیم، این روستا معمولاً در شمار مناطقی است که در آنجا بزرگ مالکی ازین رفته است. در اینگونه موارد ازدواج نیز از حدود یک طایفه و یا یک گروه محلی خارج میشود. باید افزود پاسخگویانیکه نقش مثبتی برای دختر قائلند به طبقاتی نسبتاً مرفه تعلق داشته‌اند، لیکن سطح تحصیل آنها از سایر پاسخگویان بالاتر نیست.

معمولاً پسر در زناشویی نقش بزرگتر و مهم‌تری در مقایسه با دختر برعهده دارد که در واقع تنها نقش یک ناظر ساده نیست.

نقش قاطع پسر خاصه هنگامی تجلی می‌کند که می‌خواهد شخصاً همسر خود را انتخاب کند. اما در این مورد نیز او را بندرت تنها عامل تعیین‌کننده ازدواج می‌بینیم. اتخاذ تصمیم قاطع یا با نظر والدینش صورت می‌گیرد و یا عقیده دیگر اعضاء فامیل در آن مؤثر می‌افتد و گاه نیز با نظر هر دو دسته صورت می‌گیرد و آنگاه برای کسب نظر موافق خانواده دختر از وساطت و پادرمیانی آنها سود می‌جویند. عمل در چهارچوب نظام تصمیم‌گیری محلی شکل می‌گیرد. پاسخگویانی که برای پسر نقش مثبت و مؤثری در امر زناشویی قائلند، معمولاً از خانواده‌های مرفه نیستند، لیکن از جهات دیگر مشخصات محیط اولیه آنها مشابه با مشخصات محیط‌هایی است که در آنها دختر فعالانه در تهیه و تدارک ازدواج شرکت دارد؛ مثل روستاهائی که در آنها خرده مالکی دیده میشود. و یا ازدواج در داخل یک طایفه یا یک گروه محلی صورت می‌گیرد.

سطح تحصیلی پاسخگویان مورد نظر مادران جاسعولاً از حد متوسط تجاوز نمی‌کند.



نقش پسر		نقش مادر							
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- انتخاب	۱	۲	-	-	-	-	-	۲	۳۳
۲- وساطت و رخانواره	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳- مشورت	-	-	۵۶	-	-	۳	۱	۱۳	۷۳
۴- اجازه	-	-	-	۵	-	-	-	۳	۸
۵- تصمیم	-	۲	۳	-	۱۱۲	۲	۱	۲۵	۱۴۵
۶- وساطت میان و رخانواره	-	-	-	-	-	۵۴	-	۱۱	۶۵
۷- مهمترین نقش (۱)	-	-	-	-	-	۱	۵	-	۶
۸- بدون نقش	۴	۱	۶	۱	۵	۷	۲	۳۵	۶۱
جمع	۲۵	۳	۶۵	۶	۱۱۷	۶۷	۹	۸۹	۳۹۱

۱- قرار دادن این عنوان که جهاتی از قضاوت ارزشی در آن بچشم می خورد در کنار معیارهای دیگری نظیر تصمیم، مشورت که قضاوت عینی آناست صحیح بنظر نیرسد(م)

پدران و مادرائی که در امر ازدواج دخالت دارند، نقش هایشان در این مورد گوناگون است، مثل انتخاب، اظهار نظر، اتخاذ تصمیم و مخصوصاً پادر میانی. لیک آنچه بیشتر جلب نظر می کند، توزیع نسبتاً یکسان نقش آندوست و این امر نتیجه آنست که پاسخگویان غالباً برای پدر و مادر نقشی یکسان و برابر قائل هستند.

در میان ۲۷۷ نفری که درباره ازدواج پاسخ گفته اند، ۳۰ نفر برای پدر و مادر هیچ نقشی قائل نشده اند، ۱۷۰ نفر نقش یا نقش هائی یکسان برای هر دوی آنها ذکر کرده اند و ۲ نفر پاره‌ای از نقش‌های والدین را همسان و همگن و پاره‌ای از آنها را ناهمسان و متمایز دانسته اند. تنها در ۴۷ مورد، نقش پدر از مادر بکلی متمایز است و این از جمله مواردی است که یکی از والدین بکلی بدون نقش باقی میماند.

در هر حال، رابطه میان قسمت‌های مختلف نقش هائی که به پدر و مادر منتسب میشود، در جدول فوق (صفحه ۶۳) آمده است.

چنین تصویری از همسانی نقش‌های والدین قابل توجه است، تا آنجا که میتوان ادعا کرد که این هماهنگی و همسانی خود پدیده ایست اجتماعی. میدانیم که پدر و مادر در ازدواج فرزند خود معمولاً تمایلات و نگرش‌های یکسانی ندارند و هر یک از آنها در خصوص همسری که باید برای فرزندان آنها برگزیده شود، آرمانی خاص دارد. آیا پاسخگویان از این رقابت آگاه هستند و یا آنکه گذشت زمان یعنی ترک روستا از طرف آنها در دوران جوانی موجب پیدائی تصویری مبتنی بر یکسانی نقش‌ها و دیگر نگرش‌های والدین گشته است. در این مورد، ما پاسخ‌بسنده‌ای نداریم، لیکن هر چه باشد تصویر پیشین آنها از محیط خانوادگی اکنون با شرایط زندگی شهری آمیخته و تلفیقی دیگر بوجود آورده است.

اکنون بر سر مواردی که در آن خواه والدین هر دو بطور مستقیم و خواه تنها پدر، نقش معین و ویژه‌ای ندارند، لحظه‌ای چند تأمل می‌کنیم:

در ۳۰ موردی که پدر و مادر در ازدواج فرزند خود نقش مهمی ندارند، آنچه شایان توجه است آنست که از یکسو نقش پسر و دختر نیز ناچیز است، و از سوی دیگر نقش مهم و اصلی از آن دیگر اقوام (بخصوص مردان)، بزرگترها و نمایندگان ارباب است.

غیتوان گفت که در چنین مواردی نمایندگان ارباب، ریش سفیدان ده و گروه‌های خانوادگی، جای پدر و مادر را در ازدواج فرزندان آنها می‌گیرند. در حقیقت، خانوار در این جا به گروه‌های محلی دیگر تسلیم میشود.

---

(۱) باید توجه داشت که این پاسخ‌ها با ترکیب خانوار اولیه پاسخگو که در همه موارد (بجز در دو مورد) شامل لااقل یکی از والدین بوده است، مرتبط نیست.

۳۵ موردی که پدر و مادر رقتی ندارند			اشخاص	
تعداد پاسخها	درصد کل پاسخگویان	مجموع پاسخگویان ( درصد پاسخها بر پاسخگویان )		
۳	۸/۵	۱۲/۳	دختر	
۶	۱۶/۹	۴۳/۵	پسر	
۴	۱۱/۴	۱۱/۵	زن	خویشاوندان دیگر
۱۰	۲۹/۶	۲۳/۴	مرد	
۱۱	۳۱/۴	۱۶/۲	نامشخص	
۲۲	۶۲/۸	۲۶/۴	بزرگترها	
۱۱	۳۱/۴	۱۴/۴	نمایندگان ارباب	
۶۷	۱۹۲	۳۱۹	جمع	

هنگامیکه ازمیان افراد خانوار تنها مادر عهده‌دار امر زناشویی فرزند است، ما خود را در برابر سازمان اجتماعی بکلی متمایزی می‌یابیم، همراه با کاهش نقش پدر، سهم مردان دیگر (بزرگترها و نمایندگان فئودال) نیز کاهش می‌پذیرد، حال آنکه نقش زنان و دیگر خویشاوندان «افزایش و اهمیت می‌یابد. بدین ترتیب، امر زناشویی بجای آنکه در اختیار خود جوانان قرار گیرد، بدست زنان می‌افتد. در واقع، در این جاست که جنبه‌های مادر سوری در جامعه به چشم می‌خورد. ذکر این نکته ضروری است که پاسخگویانیکه چنین مواردی را بیان داشته‌اند، معمولاً شهری بوده‌اند.

پاسخگویان پدر و مادر را بطور وضوح از اقوام دیگر جدا می‌کنند، و چهار نقش اساسی را از آن ایشان سیدانند، در حالیکه اقوام دیگر را فقط بعنوان مشاور میان دو خانواده در نظر

۱) اشخاصی که در ۱۰ زناشویی فوق‌الذکر نقشی بر عهده‌دارند بقرار زیر توزیع میشوند:

— دختر. مادر. ۱. — زنان خویشاوند. ۲. — بزرگترها. ۳. — پسر پدر. ۴. — مردان خویشاوند

— نمایندگان ارباب و — خویشاوندان دیگر (که جنس آنها مشخص نیست) ۳

می‌گیرند. بدین ترتیب، اهمیت خانواده در برابر سایرین مشخص میگردد. ریش سفیدان نیز نقشی نظیر سایر اقوام دارند، اما به هنگام اتخاذ تصمیم دخالت آنها مشهودتر است. هنگامی که در دهات خانواده نقش بایسته خود را نداشته باشد، غالباً گروه‌های محلی و خویشاوندان جایگزین آن میگردند.

دخالت نمایندگان ارباب در امر زناشویی مانند دیگر خویشان و ریش سفیدان بیشتر صورت مشاوره دارد. از سوی دیگر، اجازه آنها برای تسهیل زناشویی ضروری است و این خود نشانه اهمیت نظام فئودالی در روستاهاست. اگر به بررسی مواردی بپردازیم (۲۱ مورد) که در آن اجازه ارباب یا نماینده او ضروری است، مشاهده میکنیم که این پدیده اغلب در نقاطی که

پاسخهایی که به این معیارها اشارت دارد					اشخاص
مجموع پاسخگویان (x)	درصد پاسخها	پاسخگویان (درصد)	پاسخها (درصد)	تعداد	
۸۶	۷۲	۱۶/۲۸	۵/۱۲	۱۴	دختر
۸۶	۴۷	۴۵/۳۵	۱۴/۲۹	۲۹	پسر
۸۶	۱۳	۸۴/۸۸	۲۶/۷۴	۷۲	مادر
۸۶	۱۳	۸۴/۸۸	۲۶/۷۴	۷۳	پدر
۸۶	۷۵	۱۲/۷۹	۴/۰۳	۱۱	زن
۸۶	۶۶	۲۲/۲۶	۷/۲۳	۲۰	مرد
۸۶	۷۵	۳۴/۸۸	۱۰/۹۹	۱۱	نامعلوم
۸۶	۵۶	۲۴/۸۸	۱۰/۹۹	۲۰	بزرگترها
۸۶	۸۴	۲/۳۲	۰/۷۲	۲	نمایندگان ارباب
۸۶	x	۳۱۸	۱۰۰	۲۷۳	جمع

جمع	نقش‌های کلی				نقش‌های معین و مشخص				اشخاص	
	مهمترین نقش	ترتیب داران ازدواج	پذیرایی	وساطت میان دو خانواده	تعمیم	اجازه	مشورت	وساطت و خانواره		انتخاب
۱۶	۱	-	۱۱	-	۱	-	-	-	۲	دختر
۴۴	۳	-	۱۵	-	۹	-	-	-	۱۷	پسر
۱۰۰	-	-	-	۱۹	۴۴	۳	۱۸	۱	۱۵	مادر
۱۰۶	-	-	-	۱۷	۵۲	۲	۲۱	-	۱۴	پدر
۱۵	-	-	-	۶	۱	۲	۶	-	-	خویشا دیگر
۲۴	-	-	-	۶	-	۲	۱۶	-	-	
۱۲	-	۱	-	۳	-	-	۷	۱	-	
۳۴	-	۱	-	۵	۳	-	۲۴	-	۱	بزرگ‌ترها
۲	-	-	-	۱	-	-	۱	۱	-	نایندگان ارباب
۲۵۴	۴	۲	۲۶	۵۷	۱۱۰	۹	۹۳	۲	۵۰	جمع

بزرگ مالکی برآن حاکم است، روی میدهد (در ۹ روستا یک مالک وجود دارد، در ۴ روستا بزرگ مالکی و خرده مالکی در کنار هم تسلط دارند، در ۴ روستا یک مالک بزرگ و چند خرده مالک دیده میشوند). این روستاها از نظر ایجاد محدودیت در ازدواج تفاوت فاحشی با روستاهای دیگر ندارند، و کسب اجازه از نمایندگان مالک به کاهش نقش دیگران نمی‌انجامد، بلکه میتواند در ازدیاد فعالیت آنها بصورت محرکی تازه نیز موثر افتد. در چنین وضعی، حد متوسط شرکت کنندگان در امر ازدواج ۴/۵ میباشد (و این رقم در صورتیکه نمایندگان ارباب به حساب نیایند به ۴ تقلیل مییابد). حال آنکه معمولاً حد متوسط کسانی که در یک ازدواج نقشی داشته‌اند ۳/۲ میباشد. در این نوع زناشویی‌ها بطور کلی نقش کلی والدین کاهش میپذیرد.

ص- در تحلیل بالا که خانواده‌های شهری و روستائی را با هم مورد بررسی قرار دادیم. این اختلاط موجه بنظر میرسد؛ زیرا ازدواج در شهر و روستا رنگی نسبتاً یکسان بخود می‌پذیرد در جداول صفحه ۶۶ این حقیقت یعنی شباهت زناشویی‌ها در محیط‌های روستائی و شهری بهتر آشکار میشود :

x- از ۹۴ نفر کارگرانی که منشاء شهری داشته‌اند، فقط ۸۶ نفر پاسخ داده‌اند.

با این همه، میتوان به تفاوت‌های چندی اشاره کرد :

پسر و دختر (دختر بیش از پسر) در بسیاری از موارد بعنوان کسانی که در امر ازدواج خود دخالت می‌کنند، مورد اشاره قرار گرفته‌اند، اما همیشه والدین نقش مهم‌تری دارند و این خود از پدیده‌هایی است که در شهر بیشتر به چشم می‌خورد. در شهر نقش والدین پسر اهمیت بیشتری در مقایسه با روستا دارد و بخصوص مادر نقشی همان پدر برعهده می‌گیرد. در میان پاسخگویان ما، کسانی که از خانواده‌های شهری برخاسته‌اند، به نقش پدر و مادر در انتخاب همسر و تصمیم به ازدواج اشاره بیشتری می‌کنند و واسطه‌ها از اهمیت و ارزش کمتری برخوردارند. اقوام دیگر (شاید به استثنای زنان که این امر خود نشان دهنده تغییر در رابطه پدر و مادر در شهر است)، بزرگترها و نمایندگان ارباب در شهرها کمتر از روستاها در ازدواج مؤثر می‌باشند. چنانکه بخصوص در مورد نمایندگان ارباب میتوان گفت که اینان هیچ نقشی در امر زناشویی ندارند، حال آنکه از هر ازدواجی که در روستا اتفاق می‌افتد، یکی با دخالت ارباب و یا نماینده او انجام می‌شود. یادآور می‌شویم که اگر نقش بزرگترها در شهر و روستا همانندی و تشابه بیشتری دارد، از آنروست که آنها بصورت واسطه میان دو خانواده تجلی می‌نمایند.

بطور کلی، ملاحظه میشود که تفاوت ازدواج‌های شهری و روستائی ناشی از سه‌ویلیت

های متمایزی است که والدین در هر یک از این دو برعهده می‌گیرند.

ه پس از بررسی آماری شرکت کنندگان مختلف در امر ازدواج و مطالعه میزان تاثیر نقش‌های آنها، اکنون میتوان بطور سریع به گروه‌بندی آنها پرداخت.

در این مرحله، شاید چندان سودمند نباشد که میان پسران و دختران، میان پدر و مادر میان «خویشان دیگر» و میان مرد و زن تفاوتی قائل شویم، زیرا همه آنها در کلیه مقطع‌های مورد نظر دارای نقش‌های همسانی می‌باشند.

ابتدا، تنها به گروه‌بندی ساده‌ای از اعضای خانواده زن و شوهری (هسته‌ای)، و پسران ازیکسو و والدین از سوی دیگر و نیز مجموع شرکت کنندگان خارج از گروه زن و شوهری می‌پردازیم:

— والدین ( پدر و مادر - پدر یا مادر ) تقریباً در ۹۰٪ نمونه‌ها وجود دارند و شرکت کنندگان خارج از خانواده زن و شوهری تقریباً در ۷۰٪ نمونه‌ها بی‌چشم می‌خورند. هریک از نمونه‌های یاد شده که شامل یک شرکت کننده خارج از خانواده زن و شوهری هستند، خود نمونه‌های کوچک‌تری را در بر می‌گیرند.

ترکیب شرکت اعضای خانواده زن و شوهری

جمع	فقط والدین نزد يك	جوانان و والدین نزد يك	فقط جوانان	هیچ	
۸۹	۳۹	۵۰	-	-	هیچ
۶۵	۳۵	۲۵	۳	۲	فقط خویشان دیگر
۵۳	۲۴	۱۹	۱	۹	فقط بزرگ‌ترها
۳۰	۱۱	۱۰	۱	۸	دیگر خویشاوندان بزرگ‌تر
۱۰	۳	۴	۱	۲	فقط واسطه‌ها
۱۲	۴	۳	-	۵	خویشان دیگر و واسطه‌ها
۱۲	۸	۳	-	۱	بزرگ‌ترها و واسطه‌ها
۶	۳	۱	-	۲	خویشان دیگر، بزرگ‌ترها و واسطه‌ها
۲۷۷	۱۱۷	۱۱۵	۶	۲۹	جمع

اگر مواردی را که هیچیک از اعضای خانواده زن و شوهری در امر ازدواج دخالت نمی‌کنند، کنار بگذاریم - نوع شرکت و مداخله این اعضا هر چه می‌خواهد باشد - ۳ نوع جزئی‌تر دیگر را میتوان به ترتیب اهمیت چنین ذکر کرد:

اعضای خانوار ه زن وشوهـوری

جمع	شهاوالدین نزدیک	جوانان ووالدین نزدیک	نقطه جوانان	هیج	مجموع شرکت کنندگان خارج از خانواده در شوهـوری جمع
۸۹	۲۹	۵۰	-	-	
۱۸۸	۸۸	۶۵	۶	۲۹	
۲۷۲	۱۲۷	۱۱۵	۶	۲۹	

مشا رکت در امر ازدواج نیز صورتبهای گوناگونی می یابند.

- اقوام نزدیک ویکانگانیکه در زناشویی دخالت کرده اند (۳۱/۷٪ از کل) (۳/۴٪).
- اقوام نزدیک، جوانان وشرکت کنندگان خارج ازگروه زن وشوهـوری (۳۳/۴٪).
- اقوام نزدیک وجوانان (۱۸٪).
- فقط والدین نزدیک (۱۴/۱٪).
- فقط شرکت کنندگان خارج ازگروه زن وشوهـوری (۱۰/۵٪).
- جوانان وشرکت کنندگان خارج ازگروه زن وشوهـوری (۳/۸٪).



— فقط والدین دیگر .

— فقط بزرگترها ( ریش سفیدان )

— بزرگترها و والدین دیگر

سپس به چهار نمونه دیگر که اهمیت کمتری دارند ، برخورد می کنیم که در آنها نمایندگان ارباب خواه به تنهایی و خواه همراه با سایر والدین یا بزرگترها ، در امر زناشوئی شرکت می کنند .

سوار دخالته مستقل نمایندگان مالک بزرگ چندان فراوان نیستند بلکه برعکس موارد زیادی دیده میشوند که نمایندگان مالک بزرگ همراه با والدین دیگر و بزرگترها در امر زناشوئی مداخله می کنند .

### ج - توزیع فعالیت های اقتصادی در درون خانوار

در این مبحث ، به تحلیل دوجنبه یکی اصلی و دیگری فرعی فعالیت های اقتصادی اعضاء خانوار اولیه کارگران می پردازیم . از یکسو ، به بررسی فعالیت های اصلی و فرعی هر عضو در اقتصاد کل خانوار خواهیم پرداخت ( یعنی در واقع آنچه غالباً از فعالیت فردی منظور نظر است ، مثل کشاورز ، خانه دار و غیره .. ) ، و از سوی دیگر ، چگونگی انجام این فعالیت هارا ( مانند خرید ، فروش ، نگاهداری پول ، دادوستد بدون پرداخت وجه ... ) مورد بحث قرار میدهیم .

در این مبحث ، به پایگاه رسمی هر فرد در سلسله مراتب اجتماعی نیز توجه خواهیم کرد . توزیع فعالیت های اقتصادی میان اعضاء خانوار برحسب سن و جنس آنها شاخص دیگری جهت شناخت ساخت خانوادگی و بطور کلی روابط زن و مرد و نیز روابط میان والدین و فرزندان خواهد بود . از جانب دیگر ، مقایسه ساخت کلی مشاغل در دو نسل روشنگر تحول جمعیت ایران از این نظر است . همسانی شغلی فرزندان با پدران آنها نشان دهنده ثبات و سکون نسلی است . گذشته از آن در این مبحث همسانی فرزندان و پدران از نظر فرهنگی و اجتماعی مشخص خواهد شد . ، مقایسه مشاغل کسانی که با هم پیوند زناشوئی می بندند دال بر وجود یا فقدان تحرك اجتماعی در یک جامعه می باشد . در جامعه ای که از نظر شغلی بسته است ، واحدهای کوچک اجتماعی پدید می آیند که وجه مشترك میان آنها همسانی میزان درآمد و شغل است و در نتیجه همسانی فرهنگی و اجتماعی زن و شوهر پدید می آید .

اگر در این مطالعه بر مشاغل اولیه پاسخگویان تأکید میشود ، هدف شناخت چهار چوب اولیه شغلی آنهاست . این چهارچوب اولیه بدون تردید در نوع بینش و حتی آرزوهای فرد تأثیر شدیدی برجای می گذارد .

## ۱ - فعالیت‌های حرفه‌ای

الف - فعالیت‌ها را به ۹ دسته تقسیم کرده‌ایم :

۱ - کشاورزان : رعایا ، خرده مالکین ( کسانی که بر روی زمین کار می‌کنند. و در عین حال مالک آن هستند ). در این دسته افرادی را نیز که کار کشاورزی می‌کنند اما در چهارچوب خانوار مزدی در قبال آن دریافت نمی‌دارند ، ملحوظ داشته‌ایم ، زنان و کودکانی را که کشاورز خوانده میشوند بدون آنکه خود مسئول بهره‌برداری از ناحیه‌ای باشند در این شمار قرار داده‌ایم .

۲ - دهقانان بدون زمین : کارگران کشاورز ، چوپانان ، خدمه مزارع وغیره یعنی کسانی که شخصاً زمینی برای کشت ندارند ( این اصطلاح معمولاً برای مردان بکار می‌رود ، لیکن ما آنرا برای کودکان و زنانیکه در چنین شرایطی زندگی می‌کنند نیز بکار برده‌ایم )  
تفکیک کشاورزان از کارگران کشاورزی صرفاً از روی گفته‌های پاسخگویان اسکان پذیر نیست . بنابراین ، بمنظور دستیابی به اطلاعاتی دقیق‌تر در مورد مشاغل پدران پاسخگویان از منابع اطلاعاتی دیگری نیز استفاده می‌کنیم .

۳ - پیشه‌وران مشاغل قدیمی و سنتی : که در خارج ازخانه کار می‌کنند مانند مسگر ، نعلبند ، نجار ، سفیدگر وغیره ...

۴ - پیشه‌وران مشاغل قدیمی که درخانه کار می‌کنند : مانند بافندگان قالی که کار آنها در دکان بصورت گروهی انجام میشود و نه در کارگاه

۵ - کارهای خانگی : خاصه کارهای زنان در منزل که شرح دقیق آن بعداً خواهد آمد .

۶ - پیشه‌وران مشاغل جدید : تعمیرکنندگان ( مزدور یا صاحبکار ) ابزار صنعتی از قبیل دوچرخه ، ماشین ، موتور آب و ... تهیه کنندگان مصنوعات ساده مثل آهنگران کوچک ( در این گروه کارگران صنعتی را میتوان قرار دادگرچه تعداد آنها بسیار ناچیز است )

۷ - کسبه : این گروه شامل همه کسانی است که به فروش اجناس روستائی مانند خوراک ، پوشاک می‌پردازند و یا در خدماتی از قبیل اجاره‌داری حمام وغیره فعالیت میکنند . علاوه برآن کسانی را که در استخدام این افراد فعالیت می‌کنند در این گروه جای میدهیم .

۸ - فعالیت‌های دیگر ، : کارمندان ، نظامیان وغیره . در این گروه وظیفه‌ای دیگر می‌بینیم ، کلیه فعالیت‌هایی که زیر این عنوان جای می‌گیرند در جهت تبدیل وتغییر ماهیت کالا و یا معامله آن و یا تدارک خدمات مشخص نیستند .

۹ - افراد بدون فعالیت : مانند افراد بیکار و یا کسانی که باین نام شناخته میشوند . برای بزرگسالان بسختی میتوان چنین پاسخ‌هایی را پذیرفت زیرا نمیتوان تصور کرد که شخصی

برای تمام عمر بدون فعالیت بوده باشد ( جز آنکه دارای ناتوانی جسمانی باشد ). باید گفت که پاسخگویان در چنین مواردی صرفاً به دوره کوتاهی از زندگی فرد ( مثل دوران پیری ) اشاره کرده‌اند . وظایف خاص رؤسای خانوار مانند مأموریت توزیع آب ، ریش سفیدی و حکمیت در امور و غیره جزء این فعالیت‌ها قرار نگرفته‌اند .

ب - در مواردی نیز فرد دارای چند شغل بوده و به ترتیب اهمیت به ذکر آنها پرداخته است . از جمله ۹ فعالیت فرعی یافته شده است که بطریق زیر بیان اعضای خانوار توزیع میشوند :

۲۲	پدران
۴۱	مادران
۳	پدر بزرگان
۱۴	دختران
۱۳	پسران

جمع چند شغل در یک فرد صورتی اتفاقی بخود نمی‌گیرد .

جمع دو فعالیت بیشتر بین خانه‌داری و صنایع خانگی ( بخصوص قالی‌بافی ) صورت می‌گیرد . ( این دو نوع فعالیت هر دو متعلق به زنان هستند ). در ۳ مورد این دو فعالیت با هم مشاهده شده‌اند و در همه آنها فعالیت اصلی خانه‌داری است .

جمع بین فعالیت‌ها ( ۱۰ مورد ) ، زمانی میان دو فعالیت کشاورزی و زمانی دیگر میان یک فعالیت کشاورزی و یک فعالیت مربوط به پیشه‌های قدیمی ( ۱۱ مورد ) ، و زمانی نیز بین کشاورزی و خانه‌داری ( ۱۲ مورد ) و یاسیان کشاورزی و کسبه دیگر ( ۸۱ ، مورد ) به چشم می‌خورد .

در موارد فوق‌الذکر معمولاً فعالیت کشاورزی اصلی تلقی شده است خاصه هنگامی که با فعالیت‌های دیگر مانند تجارت یا خانه‌داری و یا اشتغال به پیشه‌ای قدیمی همراه بوده است .

ج - مشاغل پدران پاسخگویان هنگام زندگی آنها در خانه پدری در جدول بعدنشان داده شده است .

در مورد چگونگی توزیع فعالیت کلی جمعیت اطلاعی در دست نداریم . بنابراین ، نمی‌توانیم بطور دقیق نشان دهیم که چه کسانی به کار صنعتی در شهر گرائیده‌اند . از این رو به بحث توصیفی مشاغل قناعت می‌کنیم .

دویمین شغلیل ناکوشده										نخستین شغلیل ناکوشده	
جمع	تسلیون	دیگر	کاسب	پیشه ورچد پد	خانهداری	پیشه ورخانگی	پیشه ورقد بی	دهقان بی زمین	کناورز	زکوشده	
۲۸	-	۱	۱	-	۱	۱	۷	۷	۰	کناورز	
۴	۱	-	۱	-	-	۱	-	۰	۱	دهقان بی زمین	
۴	-	-	-	-	-	-	۰	-	۴	پیشه ورقد بی (۱۱)	
۷	-	-	-	-	۷	۰	-	-	-	پیشه ورخانگی	
۴۳	-	-	-	-	۰	۲۱	۱	-	۱	خانهداری	
۱	-	-	۱	۰	-	-	-	-	-	پیشه ورچد پد	
۲	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱	کاسب	
۳	-	۰	۲	-	۱	-	-	-	-	دیگر	
۲	۰	-	-	۱	-	-	-	-	۱	بدون فعالیت	
۳۴	۱	۲	۱۰	۱	۳	۲۸	۸	۷	۱۳	جمع	

۱) در این طبقه بندی نوع حرفه و صاحب آن در یک مجموعه قرار ندهد که خور تا رست می نماید ، همچنین آنچنان که در رستین اصلی بود ، عیناً ترجمه کردید (۲)

جمع		محیط روستایی		محیط شهری		مشاغل
شغل فرعی	شغل اصلی	شغل فرعی	شغل اصلی	شغل فرعی	شغل اصلی	
۳	۱۵۶	۱	۱۴۵	۲	۱۱	کشاورزان
۴	۳۵	۴	۲۴	-	۱۱	رهاقاران بی زمین
۶	۲۰	۶	۴	-	۱۶	پیشه‌وران سنتی (*)
۶	۷	۶	۲	-	۵	پیشه‌وران جدید
۲	۳۶	۱	۱۴	۱	۲۲	کسبه
۱	۳	۱	۴	-	۲۷	بدون فعالیت
-	۲	-	۱	-	۱	فعالیت‌های دیگر
-	۶	-	۵	-	۱	بدون پاسخ
۲۲	۲۹۳	۱۹	۱۹۹	۳	۹۴	جمع

\* در فعالیت‌های مربوط همیشه‌های سنتی ، در فعالیت‌های که رخا نه انجام میشود ، در یکدیگر نام شده‌اند یکی بعنوان فعالیت اصلی و یکی به عنوان فعالیت فرعی .

گفتنی است که میزان حرف مرتبط با بیشه‌های قدیمی ونو در مشاغل پدران که از شهر یرخامنه‌اند ، نسبتاً ناچیز است . حال آنکه برعکس مشاغل مربوط به کسب و یا «فعالیت‌های دیگر» زیاد دیده میشود (بیش از ۱/۴) . فراوانی مشاغل مربوط به زراعت به این علت است که بسیاری از پدران پاسخگویان مادر شهرهای متوسط زندگی میکردند ( ۸۵٪ پاسخگویانی که از روستاها برخاسته‌اند ، کشاورز بوده‌اند ) . تعدادی از آنها این شغل اصلی را با شغل دیگری درآمیخته‌اند . کسب و تجارت کمتر از ۱٪ فعالیت پدران روستائی‌الاصل را تشکیل میدهد .

آنچه بطور کلی قابل ملاحظه است ، آن است که در کل جمعیت کارگر کمتر از ۱۰٪ از خانواده‌هائی برخاسته‌اند که فعالیت تولیدی یدی ( اصلی یا فرعی ) غیر کشاورزی داشته‌اند . من - تعداد قابل توجه مردانی که کشاورز خوانده شده‌اند ، توضیح بیشتری را در این مورد ضروری میسازد .

در این جا این پرسش مطرح میشود که چه مقدار از کشاورزان در شمار « روستائیان بی‌زمین » هستند ، وچند نفر بصورت رعیت ، مستاجر و یا خرده مالک فعالیت می‌کنند . در این مورد ، پرسش‌های مستقیمی از پاسخگویان بعمل نیامده است ، اما با در نظر گرفتن چند شاخص میتوان موقعیت و منزلت هر یک از کشاورزان را مشخص کرد . نخست به توضیح مختصری در باره هر پایگاه می‌پردازیم :

— در بالا منظور خود را از کشاورز بدون زمین بیان کردیم : کشاورزان بی‌زمین اکثریت قریب به اتفاق روستائیان ایران را تشکیل میدهند . وضع تقسیم محصول در مورد آنها چنین است که تولیدات در هر سال میان مالک و زمین و رعیت برطبق سنن دیرین روستاها توزیع میشود .

— در نظام اجاره‌ای ، اجاره زمین ثابت است . این نظام به ویژه در مورد املاک خالصه اجرا میشود . اما در خوزستان که املاک خالصه زیاد است قدرت دیگری میان دولت و زارع قرار دارد که شرایط بهره‌برداری را تعیین می‌کند . در هر حال ، در میان کارگران تهران کسانی که زندگیشان از طریق کار بر روی زمین‌های خالصه میگذاشته است بسیار اندک‌اند . در روستا‌های گیلان پاره‌ای از خصوصیات اجاره‌داری بچشم می‌خورد ، اما نظام ارباب رعیتی بیشتر رواج دارد . بنابراین ، باید تعداد اجاره‌داران در روستاهای ایران کم باشد ولی مادرین تحقیق آنرا در کل جمعیت ایران در نظر گرفته‌ایم .

— دهقانانی که خود به تولید می‌پردازند و یا به عبارت دیگر کشاورزان صاحب زمین ؛ این قبیل روستائیان بدودسته تقسیم میشوند . یک دسته کسانی هستند که در پاره‌ای از روستاها اکثریت دارند که معمولاً این روستاها عقب مانده‌اند و بهره‌برداری از زمین در آنجا دشوار است

دسته دوم در روستاهای دیگر بعنوان اقلیتی ممتاز زندگی می کنند ولی هنوز تحت نفوذ مالکان بزرگ بسر میبرند .

— بالاخره پاسخهای بدست آمده ما را در شناخت گروهی دیگر یاری میدهد. این گروه در زمین های شخصی یا اجاره ای به دام پروری اشتغال دارند .

اطلاعات بدست آمده بما اجازه نمی دهند بطور دقیق پدران کارگران را در گروه خاصی جای دهیم ، اما می توانیم تا حدودی محل آنها را در هر یک از گروه های بالا مشخص نمائیم ۱۰۹ کشاورز ( که کشاورزی میتواند شغل اصلی یا فرعی آنها باشد ) بطریق زیر توزیع میشوند

— دهقانان بدون زمین

— دهقانان بدون زمین یا اجاره دارانی که محصول را با

سوجر قسمت می کنند ( Metayers ) ۱۲

— اجاره دارانی که محصول را با سوجر تقسیم می کنند یا اجاره دارانی که مال الاجاره

میپردازند ۶۲

— اجاره دارانی که محصول را با سوجر تقسیم می کنند ۵۹

— اجاره دارانی که مال الاجاره می پردازند یا خرده مالکان زارع<sup>۱</sup> ۹

— مالکان زارع ۷

— دامپروران اسکان یافته ۸

جمع : ۱۰۷

از هر ۲ کشاورز در واقع یکی به دامپروری اشتغال دارد ،  $\frac{1}{10}$  آنها مالک زمین مورد کشت هستند . دیگران یعنی ۸۵٪ رعیت اند ( زیرا از ناحیه ای نیستند که در آن اجاره داری توسعه یافته باشد ) . در میان کسانی که یاد کردیم کمتر کسی است که زمین نداشته باشد .

اکنون به طبقه بندی گروه های مختلف کارگر برحسب میزان درآمد آنها می پردازیم (۲) زارعین مالک در بالای هرم درآمد قرار می گیرند و زارعین بدون زمین در قاعله آن . ۷٪ اجاره دارانی که محصول را با سوجر تقسیم می کنند و نیز اجاره داران ت . م یا پ . م در زیر میانگین قرار می گیرند ، تنها ۱۱٪ آنها بالاتر از حد متوسط هستند .

۱ - هرچند بنظر نمی رسد طبقه بندیها ، بدرستی قابل تجزی باشد ، با این همه به ترجمه دقیق آن پرداخته شد ( م )

۲ - \* نگاه کنید به فصل قبل که میزان درآمد این گروه را مشخص ساختیم .

مقدار	طبقه بندی براساس سطح درآمد				
	فقییر	فقیر، متوسط یا متوسط پایین	متوسط	قابل به بالا متوسط - ثروتمند	ثروتمند
رهقان بی زمین	۱	۱	-	-	-
رهقان بی زمین یا اجاره دار در همان زمین یا اجاره دار ت.م. (* )	۱۰	۱	۱	-	-
اجاره دار ت.م. (* )	۲۵	۱۹	۹	۴	۲
اجاره دار ت.م. یا پ.م.	۲۱	۲۰	۱۴	۵	۲
اجاره دار بی یا خرد مالک	-	۲	۱	۶	-
مالک زارع	-	-	۲	۲	۲
دانشور	۲	۳	-	۱	۲
جمع	۵۹	۴۶	۲۷	۱۸	۹

مطور از اجاره دار ت.م. ۰.۰ اجاره داری زمین براساس تقسیم محصول و پ.م براساس میزان درآمدت مال الاجاره است .

www.tabarestan.info  
تبرستان



شغل پد بزرگ پد ری										
جمع	بدون پاسخ	بدون فعالیت	دیگر	کاسب	پیشه ور جدید	پیشه ور قدیمی	کشاورز بدو زمین	کشاورز کماور زمین	شغل پدر	
۱۵۶	۲۸	۱	۲	۱	-	۲	۲	۲ × ۱۲۰	کشاورز	
۳۵	۷	۲	-	۲	-	۱	۱ × ۶	۱۷	کشاورز و زمین	
۲۰	۷	-	۱	-	-	۸ ×	۲	۲	پیشه و رستنی	
۷	۲	-	-	-	۱ ×	-	۱	۳	پیشه و رجد پد	
۳۶	۱۰	-	۲	۱۵ ×	-	۹	-	۱۰	کاسب	
۳۱	۸	-	۱۵ ×	۱	-	-	-	۷	دیگر	
۲	۲	(۱ ×)	-	-	-	-	-	-	بدون فعالیت	
۶	۱	-	۱	-	-	-	۱	۲	بدون پاسخ	
۲۹۳	۶۵	۳	۲۱	۹	۱	۲۰	۱۲	۱۶۲	جمع	

x = خلی که آن عدم تحرک شغلی مشخص میشود .

خ - پدر بزرگهای پدری پاسخگویان به فعالیت‌های زیر می‌پرداخته‌اند :

۱۶۲	— کشاورز
۱۲	— کشاورز بدون زمین
۲۰	— پیشه‌ور سنتی ( یکی از آنها پیشه‌ور خانگی بوده است )
۱	— پیشه‌ور جدید
۹	— کاسب
۲۱	— فعالیت‌های دیگر
۳	— بدون فعالیت
۶۵	— نامعلوم
۲۹۳	جمع :

( فقط یکی از پدر بزرگها دارای دو فعالیت بوده است : یعنی هم کشاورز بوده است و هم در شمار پیشه‌وران سنتی ).

تعداد زیادی از پاسخگویان ( ۲۲٪ ) نمی‌توانند شغل پدر بزرگ پدری خود را بیاد آورند و به همین علت مقایسه بین دونسل ( پدرها و پدر بزرگها ) کار دشواری میشود . با این همه ، بررسی تقاطع مشاغل آنها چند موضوع را روشن می‌کند :

هنگامی که پدر پاسخگو کشاورز است، تعداد نسبی کسانی که پاسخ داده‌اند کاهش می‌یابد و هم تحرك حرفه‌ای کمتری بچشم می‌خورد . پس میتوان گفت که خودداری از پاسخ با تحرك حرفه‌ای همبسته است و تحرك واقعی بیشتر از تحركی است که بدان اشاره میشود .

از مجموع پاسخ‌ها ( ۲۲۳ پاسخ ) در این مورد نتایج زیر بدست می‌آید :

۷۰٪ از پدران پاسخگویان همان حرفه پدر خود را ادامه داده‌اند. این رقم در مورد کشاورزان به ۹۴٪ میرسد در حالیکه برای افراد غیر کشاورز به ۴۰٪ تقلیل می‌یابد .

— وضع پدرانی که در شمار دهقانان بدون زمین محسوب میشوند ، صورت خاصی دارد زیرا فقط ۱/۱۰ پاسخگویان فرزند چنین روستائیانی هستند در حالیکه ۱/۶ آنها ( یعنی ۶۰٪ ) فرزند کشاورزان می‌باشند . حال آنکه برعکس تعداد اندکی از پدران آنها خود از خانواده دهقانان بی‌زمین بوده‌اند و این امر از بدتر شدن وضع کشاورزی در خانواده‌های کارگران در خلال نسلها حکایت می‌کند .

— بخش کشاورزی معمولا افراد خود را به نفع فعالیت‌های غیر کشاورزی از دست میدهد ( ۲۵ نفر از آن خارج شده‌اند حال آنکه فقط ۱۱ نفر فعالیت‌های دیگر را ترک گفته و در این بخش بکار پرداخته‌اند ). اگر ۶۵٪ از پدران پاسخگویان مادر امر کشاورزی فعالیت

داشته‌اند ، در مقابل ۷۶٪ پدر بزرگ‌های آنها به چنین حرفه‌ای مشغول بوده‌اند .  
 — علاوه بر تحرکی که در قسمت کشاورزی می‌بینیم ، تحرك دیگری نیز به چشم می‌خورد : کسبه روستا خود معمولا فرزندان کسانی هستند که در شمار پیشه‌وران قدیمی روستائی بوده‌اند .

د - اکنون به بررسی تقاطع میان فعالیت‌های شغلی پدر بزرگ‌های پدری و مادری می‌پردازیم :

جد مادری فاصله بیشتری با پاسخگو دارد تا جد پدری . در بسیاری از موارد نیز شغل آنها از خاطر پاسخگو محو شده است . فقط در ۱۸۹ مورد است که فعالیت حرفه‌ای هر دو جد را بدست آورده‌ایم . بنابراین ، آنچه در این مورد بیان میشود ، باید با احتیاط پذیرفت .

— نزدیک به ۸۰٪ زناشوئی‌ها میان گروه‌های هم‌شغل صورت گرفته‌اند . با در نظر گرفتن شاخص ازدواج ملاحظه میشود که تحرك کشاورزان در این مورد از همه کمتر بوده است ( فقط ۱۰٪ ازدواجهای کشاورزان با افراد غیر کشاورز بوده است ) . در بخش فعالیت‌های دیگر روستائی نیز تحرك زیادی در امر زناشوئی دیده نمیشود .

— گروه‌های نزدیک بهم مانند کشاورزان ، دهقانان بدون زمین و صاحبان حرفه‌قدیمی روستائی معمولا از کسبه و گروه‌هایی که تحت عنوان « دیگر فعالیت‌ها » نامیده میشوند ، زن اختیار می‌کنند ( ۱۷ مورد ) ؛ حال آنکه خود تنها در ۶ مورد به آنها دختر داده‌اند و این خود شاخص کاهش جمعیتی است که بکار کشاورزی می‌پردازد و مانیز بان اشاره کردیم .  
 ک - پاسخگو و برادران او هنگام اقامت در روستای اولیه خود فعالیت‌های زیر را داشته‌اند :

۲۳۱	— کشاورز
۷۰	— دهقان بی‌زمین
۳۷	— پیشه‌وران سنتی
۷	— صاحبان صنایع خانگی
۳۴	— پیشه‌وران جدید
۱۹	— کسبه
۱۳	— دیگر
۴۱۱	جمع

با این همه ، در مقایسه با مشاغل پدران ملاحظه میشود که فعالیت‌های مربوط به

شغل بد ریزگر پدیری										شغل بد ریزگر ماری
جمع	بدون پاسبان	بدون فعالیت	دیگر	کاسب	پیشورجد بد	پیشورقد بد	کشاورز بی زمین	کشاورز		
۱۴۸	۸	۱	۲	۲	-	۴	-	۱۲۰	کشاورز	
۹	-	-	-	-	-	۱	×۱	۲	کشاورز زمین	
۱	-	-	۱	-	-	×۱	۱	۲	پیشورقد بد	
۱	۱	-	-	-	×-	-	-	-	پیشورجد بد	
۱۷	۲	۲	۱	×۴	-	۲	۲	۲	کاسب	
۲۲	۲	-	×۹	۱	-	۲	۲	۱	دیگر	
۹۰	۵۱	-	۸	۱	۱	۱۰	۱	۱۸	بدون پاسبان	
۲۹۳	۶۵	۲	۲۱	۹	۱	۲۰	۱۲	۱۶۲	جمع	

کسب و «دیگر فعالیت‌ها» کاهش می‌یابد (۲۳٪ برای پدران و ۸٪ برای پسران) و در عوض دهقانان بدون زمین (۱۲٪ و ۱۷٪) و پیشه‌وران یا صاحبان صنایع جدید افزایش می‌پذیرند (۲/۵٪ و ۸/۵٪).

بدون شک، چنین توزیعی نشانه مقام فرزند در اقتصاد خانگی است؛ ولی نمایشگر تحرك حرفه‌ای به معنای دقیق کلمه نیست (معمولا فرزندان فقرا در کودکی نزد صاحبان صنایع محلی کار می‌کنند). این فعالیت‌های دوره جوانی برای پاسخگویان امروز ما (کسه اکنون کارگر صنعتی هستند) به منزله تمرینی محسوب شده است زیرا آنها بیشتر از دیگران در صنایع و حرفه‌های جدید محل خود بکار سپرداخته‌اند.

۵ - فعالیت‌های اصلی و فرعی مادران پاسخگویان کارهای خانه است، فقط گاهی از کارهای کشاورزی (۵٪) و یا از فعالیت‌های مربوط به صنایع خانگی (۱۶٪) سخن به میان آمده است:

فعالیت‌های اصلی	فعالیت‌های فرعی
کشاورزان	۶
دهقانان بی‌زمین	۴
صنایع خانگی	۲۲
خانه‌داران	۲۶
کسبه	۱۰
دیگر	—
نامعلوم	—
جمع:	۱۵
	۴۱
	۲۹۳

فعالیت‌های خواهران (منظور خواهرانی است که از هفت سال بیشتر داشته‌اند و فعال بشمار آمده‌اند) پاسخگویان نیز توزیعی مشابه می‌یابند:

فعالیت‌های اصلی	فعالیت‌های فرعی
کشاورزان	۷
دهقانان بی‌زمین	۲
صاحبان صنایع خانگی	۱۱
خانه‌داران	۲
پیشه‌ها و صنایع جدید	۲۲۶
جمع:	۲
	۱۴
	۲۴۷

این ارقام را میتوان چنین تفسیر کرد :

— فعالیت های اصلی و فرعی، همانطوریکه پیش از این یاد آور شدیم، بایکدیگر در ارتباطند.  
— زنهایی که به « فعالیت های دیگر » بیشتر از خانه داری مشغولند، در روستاها فراوان تر از شهرها هستند.

— در روستاها فقط دونوع کار می یابیم که بیرون از فعالیت های خانه و خانه داری قرار دارند که عبارتند از کشاورزی و قالی بافی. چند نوع فعالیت دیگر نیز بچشم می خورد که معمولاً در زمره فعالیت های شهری محسوب میشوند.

— فعالیت های کشاورزی چندان مورد توجه نیست، زیرا کارزن در مزارع اسیری تحقیر آمیز تلقی میشود ( در گروه های مرفه زن از خانه خارج نمیشود ) و بهمین جهت مورد پذیرش جامعه مردان، خاصه در فلات قاره نیست ( در نواحی شمال مخصوصاً در تولید چای زنان روستائی فعالیت شایان توجهی دارند ).

آنچه مسلم است آن است که فعالیت های حرفه ای فصلی (مخصوصاً به هنگام درو) که معمولاً در روستاها بعهدہ زنان است، مورد توجه نبوده است (زیرا از آنها پرسشی در این باره نشده است).

— خانه داری از نظر پاسخگویان، کلیه کارهایی را که زن در چهارچوب خانه انجام میدهد، دربر می گیرد. ( مثل شیردوشی، پشم بافی، پختن نان، مراقبت از حیوانات وغیره... ) بدین ترتیب، صنایع دستی خانگی و تهیه فرش نیز چون غالباً در خانه انجام می گیرند در زمره خانه داری قرار گرفته اند. در هر صورت، گو اینکه کار زن همیشه در شمار خدمات نیست و گاهی نیز با تولید ارتباط دارد، باین حال، ( چه از جهت تصویر ذهنی ای که از زن وجود دارد و چه تحت تأثیر واقعیت ) همواره زن در محدوده خانه فعالیت می کند. کمتر از ۵٪ زنانیکه بعنوان فعال قلمداد شده اند، در بیرون از خانه بکار مشغولند.

## ۲ - توزیع مبادلات در درون خانوار :

مبادلات و چگونگی آنها شاخص خوبی برای درک ساخت خانوار سیاشد. انتقال و تبدیل خانواده پدرسری به خانواده زن و شوهری معمولاً به اضمحلال تدریجی برتری مرد که مستلزم تماس مستقیم با اقتصاد می باشد، می انجامد.

باید دید که در مورد جمعیت مورد بررسی ما این پدیده چگونه روی میدهد.

الف - نخست باید توجه داشت که کشاورزان و غیر کشاورزان به نسبت مشابه و یکسانی وارد بازار نمی شوند.

اقتصاد اکثریت کشاورزان خودبسندہ است و شرکت آنها در بازار اقتصادی بسیار ناچیز می باشد. بیانات پاسخگویان طبقه بندی ۱۵۹ خانوار روستائی را برحسب مقدار محصولی که در بازار عرضه می کنند، به ترتیب زیر امکان پذیر می سازد :

۸۶	فروش کم یا هیچ (کمتر از ۱/۱ محصول)
۴۷	از ۱/۱ تا نصف محصول
۱۸	بیش از نصف محصول
۸	نمیداند

جمع : ۱۵۹

برعکس ، کلیه کسانی که فعالیت‌های غیر کشاورزی داشته‌اند ، دارای درآمدهای بولی هستند و این درآمدها از عرضه نیروی کار یا فروش محصولات حاصل میشود .

منابع مختلف درآمد ۱۳۴ خانوار اولیه غیر کشاورز به‌قرار زیر است :

۱۰۱	دستمزد
۵۳	فروش محصولات یا عرضه خدمات
۱	دریافت اجاره بصورت پول
۱۹	دریافت مزد بصورت جنس
۱۲	دریافت اجاره بصورت جنس

جمع : ۱۸۶

ب- شرکت مردان و زنان در فعالیت‌های اقتصادی نظیر معاوضه کالا با کالا، فروش، نگهداری پول و یا خرید مورد بررسی قرار گرفته است. شاخصی که برای مقایسه فعالیت اقتصادی مرد و زن در نظر گرفته شده است ، نشان‌دهنده حدود تمایز زن و مرد از یکدیگر است .

۱۵۹ - خانوارهای روستائی فعالیت‌هایی بشرح زیر دارند :

خانوار غیر کشاورز

شرکت				
ضریب تفاوت زن و مرد	جمع	زن	مرد	
٪۹۶/۵	۸۱	۷۸	۳	خودداری از هزنوع فعالیت اقتصادی
٪۲۷/۸	۱۸	۵	۱۳	معاوضه کالا با کالا
٪۱۳/۴	۱۴۸	۲۰	۱۲۸	فروش
٪۲۵/۴	۱۴۲	۳۶	۱۰۶	نگهداری پول
٪۲۷/۵	۱۶۰	۴۴	۱۱۶	خرید

## خانوار کشاورز

شرکت				
ضریب تفاوت زن و مرد	جمع	زن	مرد	
٪۹۳	۱۱۹	۱۱۱	۸	خودداری از هر نوع فعالیت اقتصادی
٪۲۴/۵	۱۰۶	۲۶	۸۰	معاوضه کالا با کالا
٪۹/۹	۱۴۲	۱۴۱	۱۲۸	فروش
٪۱۷/۴	۱۵۵	۲۷	۱۲۸	نگهداری پول
٪۱۷/۶	۱۵۶	۲۹	۱۲۶	خرید

بنابراین ، در خانوار اولیه کارگران فعالیت زنان بطور کلی در مسائل مبادله‌ای و بازار اقتصادی نسبت به مردان ناچیز است . با وجود این ، فعالیت زنان خانوارهای غیر کشاورز در این مورد بیشتر از زنان خانوارهای کشاورز است .

در میان فعالیت‌های اقتصادی ، معاوضه کالا با کالا بیشتر از دیگر فعالیت‌ها در بین زنان رواج دارد ، حال آنکه فروش ، فعالیتی مردانه محسوب میشود ، و این خود نشان‌دهنده وجه خاصی از توزیع نقش‌های اقتصادی در یک روستاست ،

بطور کلی ۷۵٪ زنان خانوارهای کشاورز و ۵۹٪ زنان متعلق به خانوارهای غیر کشاورز در هیچ یک از فعالیت‌های اقتصادی شرکت ندارند .

ج - علاوه بر این ، زنان خانوارهای روستائی هنگام شرکت در فعالیت‌های مبادله‌ای و بازار اقتصادی ، هرگز به شهر راه نمی‌یابند و تماس با شهر امتیازی صرفاً مردانه است .

### ۳ - منزلت‌های رسمی در گروه‌های محلی :

کارکردهای اجتماعی در میان گروه‌های محلی معمولاً با فعالیت‌های شغلی و اقتصادی ارتباط می‌یابند . تقریباً هر روستا دارای نمایندگان ارباب ( مثل رئیس ده ، صاحب آب وغیره ... ) و نیز « ارشدها » یا بزرگترهائی ( ریش سفیدانی که نقش آنها حکمیت در حل دعاوی و آندرزگوئی است ) می‌باشد . اکثر روستاها دارای ملا یا فردی روحانی هستند و بعضی دیگر از آنان گذشته از آنچه بر شمردیم مشاغل دیگری نیز دارند .

بعضی از این کارکردها یا وظایف ( مانند وظایفی که نمایندگان ارباب به عهده می‌گیرند ) منبع در آمد نیز محسوب میشوند و بعنوان شغل مخصوصی به شمار می‌آیند . هر یک



از این وظایف دارای اعتبار ویژه‌ای است که هر خانوار که عهده‌دار آن باشد از آن برخوردار میگردد .

هیچیک از پاسخگویان در زمان اقامت در روستای خود دارای شغلی نبوده بلکه چه خود آنها و چه خواهران و برادرانشان همگی نوجوان یا کودک بوده‌اند . برعکس والدین یا پدر بزرگ‌های آنان در پاره‌ای موارد عهده دار وظایف ویژه محلی بوده‌اند .

جمع	بدون خاطره	وظایف دیگر	روحانیون	بزرگ‌ترها	نمایندگان اریاب	بدون وظیفه	
۲۹۳	۵۹	۲	۵	۳۲	۷	۱۸۸	پدر بزرگ پدری
۲۹۳	۷۷	-	۳	۱۶	۱	۱۹۶	پدر بزرگ مادری
۲۹۳	۵	-	-	۲۷	۶	۲۵۵	پدر
۲۹۳	-	۱	-	-	-	۲۹۲	مادر

آیا مسؤولیت‌ها در خانواده‌ها بطور ارثی تقسیم میشوند ؟ آیا وصلت‌ها معمولاً میان خانواده‌هایی صورت می‌گیرند که هر دو طرف دارای وظایف محلی باشند ؟ آری چنین بنظر میرسد .

در ۲۷ مورد پدر « ارشد » و « ریش سفید » روستا بوده است :

- هم پدر بزرگ مادری و هم پدری در شمار ریش سفیدان بوده‌اند . مورد
- پدر بزرگ پدری ریش سفید بوده ولی پدر بزرگ مادری وظیفه‌ای نداشته است . مورد
- پدر بزرگ مادری آخوند محل بوده لیکن پدر بزرگ پدری وظیفه‌ای نداشته است .

۲ مورد

در شش موردیکه پدر پاسخگو نماینده فتودال بوده است ، در ۳ مورد پدر بزرگ پدری نیز وظیفه‌ای در روستا داشته است ( یکی نماینده فتودال - یکی آخوند روستا و یکی ریش سفید ) .

در ۳۲ موردی که پدر بزرگ پدری ریش سفید بوده است ، در ۱۱ مورد آن پدر بزرگ مادری نیز وظیفه‌ای در روستا داشته است ( ۱۰ مورد ریش سفید و یک مورد آخوند ) .

برعکس ، در ۱۲ موردیکه پدر بزرگ پدری وظیفه‌ای بعهده داشته است ( نماینده فتودال یا آخوند ) معمولاً پدر بزرگ مادری نیز وظیفه‌ای داشته است ( مثل آخوندی ) .

بطور کلی ۷۱ پاسخگو می‌گویند پدر یا پدر بزرگشان دارای وظیفه‌ای در روستای خود بوده است . تمام خانوارهای این پاسخگویان فعالیت کشاورزی داشته و در شمار خانوارهای مرفه محل بوده‌اند :

طبقه بندی خانوارها برحسب سطح درآمد	مجموع خانوارهای کشاورز	خانوارهایی که رگروه محلی دارای وظیفه‌ای بوده‌اند
فقیر	۵۹	۱۰
فقیر - متوسط	۴۶	۲۰
متوسط پایین		۱۹
متوسط		۸
متوسط بالا - متوسط	۹	
غنی		۷۱
جمع	۱۵۹	

بنابراین ، در روستا رابطه‌ای میان سطح نسبی ثروت و تقبل وظیفه وجود دارد .

#### نتیجه

کارگران صنعتی تهران اکثر در خانواده‌های زن و شوهری ( هسته‌ای ) که غالباً از زن و شوهر و فرزندان مجرد آنها تشکیل می‌شده است ، زائیده شده‌اند. قدرت معمولاً در اختیار مرد خانواده است و در صورت فقدان مرد ، از آن زن خانواده میشود . شاید علت آنکه اکثر خانواده‌های اولیه مورد بررسی ما زن و شوهری هستند ، اینستکه جمعیت نمونه ما همگی از میان کارگران صنعتی تهران انتخاب شده‌اند ( واین دلیل بجای خود صحیح است ). باین همه میتوان گفت که خانواده‌های پدرسری - زن و شوهری اهمیت بیشتری در روستاها دارند.

در خانوارهای اولیه کارگران ، زن و شوهر بخصوص از لحاظ فاصله سنی ووظایف اقتصادی از یکدیگر متمایز میگردند . فعالیتهای اقتصادی بیرون از خانه برعهده مرد است و اداره امور خانه را زن برعهده دارد .

معمولاً مردان به فروش میپردازند و زنان از طریق معاوضه کالا با کالا معامله می‌کنند . برعکس ، به هنگام ازدواج فرزندان - یعنی امری که در روستا اهمیت شایانی دارد زنان و مردان مسئولیتی متساوی برعهده دارند .

ممکن است تا حدودی مرد از اقتداری بیشتر برخوردار باشد ، لیکن قدرت او هرگز مشابه با قدرتی که در نظام پدرسری دارد نیست.

سازمان زن و شوهری خانواده - مانند جوامع بورژوا - جدا از خویشاوندان نیست ، بلکه عمیقاً تحت تأثیر دودمان وبنابراین متأثر ازگروه محلی میباشد . نتایج چنین وضعی را در فصل پیشین ضمن تحلیل محدودیتهایی که برای ازدواج وجود دارد ، نشان دادیم . در

خلال این فصل ماهیت پیوند زناشویی را با تحلیل وظایف و کارکردهای کسبیکه در آن شرکت می‌کنند، مشخص ساختیم. اهمیت خانواده زن و شوهری در این جا بخوبی مشهود است، زیرا همیشه اتخاذ «تصمیم» برعهده والدین است. این تصمیم حاصل منافع فامیلی و محلی است و در نصایح افرادی که باید مورد اطاعت قرارگیرند تجلی می‌کند. تصمیم فوق و انتخابی که از آن ناشی میشود باید مورد قبول همه و مخصوصاً منطبق با منافع خانوار باشد.

در واقع، تصمیم والدین تنها در جهت کشف راه حل یک معماست و قدرت آنها، یعنی آزادی آنها، فقط در مورد فرزندان اعمال میشود، فرزندی که در حقیقت باید هموارسرنوشت زناشویی خود را تابع سیاستهای محلی نمایند. این ویژگی، که صفت مشخصه یک جامعه عقب مانده است، خود نتیجه ساخت شغلی روستاست؛ ساختی که از تنوع بی بهره است و از لحاظ فنی و تخصصی پس مانده بشمار میرود. در بین ۱۰۰ کارگر ۶۰ نفر آنها فرزند دهقان‌اند و تنها شغل ۱ نفر از پدران آنها غیر کشاورزی بوده است. ارتقاء شغلی، در واقع در ارتقاء زارعین خلاصه میشود، و این خود نشانه فرار روستائیان بشهر است. ابعاد فوق‌العاده این فرار در این تحقیق از شرایط خاص جمعیت نمونه آن برمی‌خیزد و لذا قابل تعمیم به کل جامعه نیست.

در مورد جنبه‌های گوناگون خانواده که در خلال این فصل مطالعه شد؛ تفاوت‌های شهر و روستا ذکر گردید. پاره‌ای از این تفاوت‌ها بسیار فاحش‌اند. مثلاً ۸۰٪ پدران پاسخگویان روستائی الاصل ما دهقان بوده‌اند و بیش از ۹۰٪ پاسخگویان شهری الاصل در صنایع غیریدی فعالیت داشته‌اند.

از سوی دیگر خانواده‌های شهری بیشتر از خانواده‌های روستائی با بازار اقتصادی در ارتباط هستند.

تفاوت‌های دیگر اهمیت کمتری دارند، لیکن خود روشنگر بسیاری از حقایق‌اند، مثلاً در شهرها فشار خویشاوندان و گروه محلی بر خانواده کاهش می‌پذیرد و نقش زن در گروه زن و شوهری استحکام و نیروی بیشتری می‌یابد.

## فصل سوم

### کودک در خانواده و محله

مطالعات قبلی مربوط به محیط و خانواده اولیه، چهارچوب اجتماعی دوران کودکی کارگران تهران را ( به بیان دقیق تر جنبه های ساختی این قالب ها و تصاویری که پاسخگو از سازمان جامعه خویش در طی دوران کودکی در ذهن داشت ) بما نشان داد . اکنون ببینیم کارگر مورد نظر ما موقعیت گذشته خویش را در محیط اولیه چگونه احساس میکند . این موقعیت را از نظر اجتماعی و فردی مورد بررسی قرار میدهیم و در وهله اول بیشتر به بررسی محیط تربیتی کودک می پردازیم : کسانی که به تربیت کودک می پردازند، فعالیت های دوران کودکی و چهارچوب اجتماعی این فعالیت ها ، ویژگی مسائل مربوط به دسته های کودکان ، معاشرت های دوران مدرسه ، و نیز رابطه میان تعلیم و تربیت اطفال و تربیت والدین آنها .

در مرحله دوم به خواسته های شغلی کارگران و خاصه تصویری که از این خواسته های دوره جوانی دارند ، پرداخته میشود .

محیط تربیتی به معنای اخص :

۱ - والدین و تربیت فرزندان

چه کسی در تربیت پاسخگویان تأثیر فوق العاده ای داشته است ؟ بعبارت دیگر ، در اولین برخورد آنها با جهان خارج چه کسی راهنمای آنها بوده است ، به فعالیت های آنها شکل داده و افکار آنها را قالب ریزی کرده است ؟ آیا این شخص مرد بوده است یا زن ، عضو خانواده بوده است و یا خیر؟ ..... شناخت هویت این شخص ما را از دنیای گذشته پاسخگو آگاه خواهد کرد ؛ یعنی به ایجاد تصویری از مناسبات میان کودکان و بزرگسالان و خاصه میان فرزندان و والدین آنها در ما می انجامد . در ضمن ، علت انتخاب شغل فعلی آنها و نیز نظرات و تلقیاتشان را نسبت به زن ( نسبت به کار زن ، به حجاب زن و غیره .. ) و نیز عقاید و تلقیات سیاسی آنها را بما نشان خواهد داد .

اکنون به تحلیل پاسخ های پاسخگویان در برابر دو پرسش ضمیمه ای که در مورد مسوولین تربیت آنها بعمل آمده است ، می پردازیم . پرسش نخست چنین بوده : « چه کسی

بیشتر از همه در تربیت شما مؤثر بوده است؟ پرسش دوم: « آیا شخص دیگری نیز در تربیت شما تأثیر داشته است؟ » .

الف - تعداد کمی ( ۵ نفر از ۲۹۳ نفر ) ادعا می کنند که هیچکس به تربیت آنها نپرداخته است و دارای این احساس هستند که در این مورد فراموش شده بوده اند . ( ۴ نفر از مرگ پدر خود در رنج بوده اند که دو نفر آنها مادر خود را نیز از دست داده بوده اند ) دیگران که تعداد آنها ۲۸۸ نفر میشود ۵۲۴ نفر ( هر پاسخگو ۱/۸ نفر بطور متوسط ) را عامل تربیت خود دانسته اند .

جمع	شهرها	روستا	
۲۸۲	۸۸	۱۹۹	مردان
۲۳۷	۸۴	۱۵۳	زنان
۵۲۴	۱۷۲	۳۵۲	جمع

ب - بطور کلی بنظر میرسد که مردان در تربیت کودکان سهم بیشتری داشته اند : اما تفوق مردان در این مورد در روستاها مشهودتر است . در شهر مرد وزن تقریباً بطور یکسان در تربیت فرزندان مؤثر هستند .

پ - عملاً کار تربیت فرزندان فقط به عهده اعضای فامیل است . در میان ۵۲۴ شخص ذکر شده فقط ۷ نفر ( مدیر مدرسه ، دوست ، ارباب و همانند این ها ... ) هستند که خارج از این گروه قرار دارند .

ت - در فامیل ، بیشترین سهم از آن اعضاء اصلی خانواده ( پدر ، مادر ، برادران ، خواهران ... ) است .

جمع	شهرها	روستاها	
۴۴۲	۱۳۸	۳۰۴	خانواده زن وشوهری
۱۷	۸	۹	گسترش عمودی
۵۸	۲۴	۳۴	گسترش جانبی
۵۱۷	۱۷۰	۳۴۷	جمع

در شهرها ، شرکت اعضاء غيراصلى نسبتاً بيشتر از روستاهاست اما چنانکه هنگام مطالعه شکل خانواده ملاحظه کرديم ، چه در شهر و چه در روستا هنجار تربيتى به ارجحيت خانواده زن وشوهرى بستگى دارد .

س - درميان اعضاء خانواده زن وشوهرى ، پدر ومادر را مقام والاى است ( ۹۰٪ اعضاء گروه اصلى خانواده و ۷۷٪ مجموع اشخاصى که در تربيت فرزندان مؤثر بوده اند از پدران ومادران تشکيل ميشود ) .

۲۶۵ نفر از ۲۹۳ پاسخگو ( يعنى ۹۲٪ آنها ) دست کم يکى از والدين را بعنوان شخصى که اهميت فوق العاده اى در تربيت آنها داشته است ، معرفى کرده اند .

فقط اشاره به پدر	۶۷ نفر يعنى ۱۱٪
اشاره به پدر ومادر	۱۳۵ نفر يعنى ۴۷٪
فقط اشاره به مادر	۷۰ نفر يعنى ۲۴٪
جمع :	۲۶۵ نفر يعنى ۹۲٪

هنگامى که پدر ومادر هر دو نام برده شده اند ، نقش پدر همواره مهمتر بوده است . بنا بر اين ، در اين مورد نيز برترى پدر در گروه اصلى خانواده مشاهده ميشود و اين همان نتيجه اى است که قبلا در مورد توزيع قدرت در درون خانوار بدان اشاره کرديم .

معهذا ۳۲٪ پاسخگويان ، پدر را در تربيت اوليه خود مؤثر نمى دانند و ۲۹٪ نيز بر اى مادر نقشى قائل نيستند .

## ۲ - فعاليت هاى دوران کودکى

تصويرى کس پاسخگويان از گذران اوقات خود به هنگام کودکى حفظ کرده اند چيست ؟ براى شناخت اين تصوير ، پرسش زير مطرح شده است : « به هنگام کودکى وقت خود را ، احتمالاً خارج از مدرسه ، در کجا صرف مى کرديد ؟ ( خانه ، مسزعه ، کارخانه و ... ) و چگونه ؟ پاسخ هاى داده شده از جهتي نادرست بوده اند زيرا در فارسى معادل کلمه ( enfance ) دوره کودکى است ، حال آنکه در ترجمه پرسشنامه اصطلاح طفوليت بکار رفته که منظور از آن نخستين روزهاى کودکى است . بالنتيجه ما بايد پاسخ هاى مربوط به اين پرسش را با احتياط تحليل کنيم .

الف - پاسخ هاى که در مورد فعاليت ها داده شده اند به ترتيب زير طبقه بندى ميشوند:

تحصيل	۱۳
بازى و تحصيل	۲

۱۲۱	— بازی
۴۲	— بازی و کارهای تولیدی
۱۱۳	— کارهای تولیدی
۲	— دیگر

جمع: ۲۹۳

در این مورد کارگران به دو گروه تقسیم میشوند: کسانی که کودک را دوران بازی تلقی می کنند و کسانی که کودک را دوران کار می دانند.

باید گفت بیشتر روستائیان، و خاصه روستائیان پسر، کودک را دوران کار میدانند و مخصوصاً کشاورزان (تقریباً ۱/۴ آنها) و آنهایی که بدون داشتن زمین به کشت و زرع مشغولند ادعا می کنند که دوران کودک برای آنها دوران کار بوده است. حال آنکه ۱/۴ گروه های دیگر به این امر اشاره کرده اند. بهر حال، سطح زندگی کشاورزان بدون زمین از همه پائینتر است و کار کودکان در این گروه، ارزش اقتصادی بسیار دارد. بنابراین، عدم فعالیت کودکان در همه موارد دال بر رفاه نیست بلکه حاکی از فراوانی نیروی انسانی است و نشان میدهد که خانواده ها استفاده از کارگران خانگی بدون مزد را ترجیح میدهند.

ب- اکنون به بررسی چهارچوبی که این فعالیت ها در آن جریان می یابند، می پردازیم هدف ما بررسی چهارچوب مناسبات اجتماعی نیست بلکه می خواهیم به مطالعه چهارچوب مکانی این فعالیت ها پردازیم.

نمونه های گوناگون این چهارچوبها بقرار زیرند:

— چهارچوب فردی: کودک به تنهایی فعالیت می کند (مثل نگهداری گله)

— چهارچوب خانوادگی: فعالیت، چه در خانه و چه در مزرعه، در میان اعضای خانواده صورت می گیرد.

— گروه همسالان: فعالیت در میان کودکانی که از جمله رفقای پاسخگو هستند و خاصه در کوچه انجام میشود.

— چهارچوبهای دیگر: مثلاً اماکن عمومی گذران اوقات فراغت یا چهارچوب کارگاههای بزرگ یا کوچک.

با این همه، پاسخ ها آنچنان دقیق نیستند که چهارچوب فعالیت ها را بخوبی مشخص کنند.

بدین ترتیب، چهارچوب خانواده و گروه همسالان، ۲ زمینۀ اصلی محیط فعالیت کودکان هستند. بسیار بندرت پیش می آید که کودک تنها باشد و نیز در یک چهارچوب جمعی و یا در یک کارگاه قرارگیرد. اما اختلاف و تفاوت میان بازی و کارشایان توجه است:

تقاطع فعالیت ها و چهارچوب آنها به ترتیب زیر است :

جمع	بدون پاسخ	دیگر	گروه همسالان	چهارچوب خانوادگی	چهارچوب فردی	
۹۳	۱۱	۳	۹۱	۸۵	۳	بازی
۱۶۸	۳۴	۱۵	۲	۵۹	۵۵	کار
۳۶۱	۴۵	۲۱	۹۳	۱۴۴	۵۸	جمع

چهارچوب های بازی عبارتند از خانواده ویا گروه همسالان ، حال آنکه فعالیت های تولیدی در یک چهارچوب فردی ( به تنهایی ) و یا در محیط خانوادگی ، و یا در مقیاس کوچک تر ، در درون یک کارگاه انجام میشوند .

### ۳ - دسته های کودکان :

بندرت اتفاق می افتد که کودک در دهکده ، در ساعات فراغت خود در خانه و یا هنگامی که خارج از محیط خانه است ، تنها بسر برد : بلکه با اطفال هم سن و سال خود طرح دوستی میریزد و همراه با آنها به تشکیل گروهی تقریباً موقت و نا پایدار که کم و بیش سازمان یافته و دارای هدفهای معینی است ، موفق میشود . شاید بتوان گفت که دسته کودکان در واقع شکل عالی تر همین گروه همسالان است . این دسته دارای ساختی نسبتاً پایدار و بادوام است و در هدفهای خویش عنصری از اندیشه را دربر دارد . لیکن دسته کودکان در تمام جوامع موجود نیست ، بلکه از تضادهای اجتماعی و تضادهائی که میان گروههای مختلف سنی تجلی می کند ، برمی خیزد ، چیزی که در واقع تضادهائی را در رفتار بزرگسالان نسبت به کودکان پدید می آورد . از جهت دیگر ، هنگامی که این دسته ها وجود دارد باید آنها را به منزله ابزاری تلقی کرد که برای قوام و ثبات شخصیت بکار می آید ..

۴۱٪ از پاسخگویان اظهار داشته اند که در زمان نوجوانی خود به یک دسته از کودکان متعلق بوده اند .

۱۱۷

تعلق به دسته

۱۷۳

عدم تعلق به دسته

۳

بدون پاسخ

۲۹۳

جمع :



بطور کلی پاسخگویان شهری الاصل بیشتر از (۴۵٪) پاسخگویانی که منشاء روستائی داشته اند (۳۸٪) به تشکیل چنین دسته هائی اقدام کرده اند. و نیز پاسخگویانی که در زمان کودکی خود آزاد بوده اند (۵۰٪) بیش از کسانی که بکارهای تولیدی اشتغال داشته اند (۲۵٪) اظهار میدارند که بیک دسته کودکان تعلق داشته اند و چنانکه دیدیم، احتمال آنست که آنان بیشتر از شهرها برخاسته باشند تا از روستاها.

اما این پاسخ ها دقیقاً چه معنائی دارند؟ آیا دسته های کودکان به معنائی است که پیش از این تشریح کردیم و یا فقط مسأله برسرگروه بندیهای عادی است؟ اطلاعات بدست آمده در مورد فعالیت ها و مناسبات کودکان با والدین حاکی از عدم پیدائی دسته به معنای دقیق آنست. در میان فعالیت های این دسته ها (مجموعاً ۱۹۴ فعالیت) اصطلاحات: «بازی» «گپ زدن»، «بحث کردن» در بیشتر موارد (۶۱ مورد) به چشم می خورد، حال آنکه دسته معمولاً بازی نمی کند، بلکه به مخالفت بر می خیزد، کشف می کند، به اختراع می پردازد و عمل او خارج از هنجارهایی است که والدین پذیرفته اند و تمایل او آن است که خود مستقیماً آنچه را که آنها پذیرفته اند به محک تجربه بگذارد. ساخت دسته (که معمولاً با یک رهبر همراه است) چنین فعالیتی را ایجاب می نماید که به منزله کارکرد آن بشمار میرود علاوه بر این، ملاحظه میشود فعالیت هائی که مخالفتی را دربر دارند (۶۸ مورد) دسته را در بسیاری از اوقات در برابر گروه دیگری از همسالان (۶۳ مورد) و گاه در برابر بزرگسالان (۵ مورد) قرار میدهند. و نیز اینکه معمولاً مخالفت دارای هنجارهایی خاص است (مثل مسابقات فوتبال) و این چیزی است که بیشتر مربوط به یک اکیپ یا تیم است تا یک دسته. وانگهی، قابل توجه است که فعالیت های دال بر مخالفت مثل منازعات و دشمنی ها در روستاها بیشتر از شهرها بروز می نمایند و این نشان میدهد که کشمکش های میان دسته های مختلف کودکان در دهات بیشتر وجود دارند تا در شهرها. بدین ترتیب، میتوان گفت که رفتار بزرگسالان بر رفتار کودکان اثر می گذارد زیرا در شهرها بزرگسالان متمدن ترند و حال آنکه روستائیان در کشمکش ها و اختلافاتی که میان خانواده ها و طوایف روی میدهد خشن تر و ستیزه جو ترند.

بالاخره ملاحظه میشود که مناسبات کودک با طبیعت (تجربه جهان خارج) مقام ناچیزی را در میان فعالیت های ذکر شده اشغال می کند (۲۸ مورد) ۱۰.

۱) ۷ پاسخ اشاراتی به فعالیت های مذهبی کودکان دارد. کودکان در مراسم عزاداری معمولاً برحسب سن خود فعالیت مخصوصی را برعهده می گیرند. در این مواقع، گروه هائی بطور موقت تشکیل میشوند که رهبری آنها برعهده بزرگسالان است و البته این گروه ها متفاوت از آن دسته از گروه هائی هستند که خود بخود تشکیل میشوند. متأسفانه در پرسشنامه این دو نوع گروه از هم ب خوبی متمایز نشده اند.

از این گذشته ، پاسخ های داده شده در باره فعالیت ها موجز و مختصر هستند و گوئی خاطرات دسته های کودکان کمتر در نظر مانده است .  
از سوی دیگر ، دسته های کودکان در اکثر موارد ( جز در کمتر از نیمی از موارد یعنی ۴۲٪ ) مخالف والدین را برنیانگیخته اند .

۵۰	— مخالفت والدین
۲۲	— مخالفت — موافقت والدین
۴۵	— موافقت والدین
۱۱۷	جمع :

این خود نشان میدهد که دسته ها معمولاً از هنجارهای اجتماعی بدور نیستند . در این جا ، مقتضی است از یکی از تفاوت های ( نه چندان شدید اما پر معنا ) روستاو شهر یاد کنیم ، گو اینکه مخالفت شدید والدین با دسته های کودکان در هر دو محیط وجود دارد ، اما در شهرها نظرهای موافق بیشتر از روستاهاست . آنچنانکه میتوان گفت روستائیان به دسته های کودکان کمتر با دید موافق نگاه می کنند . این عدم توافق مسلماً نتیجه نزاعهای بیشتری است که در میان کودکان روستائی رخ میدهد .

بنابراین ، بین نظرات و اعمال ساکنان روستاها تعارضی وجود دارد؛ اعمال آنان تحت تاثیر شرایط خاص محیط صورت می پذیرد ، در صورتیکه نظراتشان متأثر از عوامل فرهنگی ، خارج از محیط روستائیست . با اینهمه ، این اختلاف بین شهر و روستا جنبی وحاشیه ایست . از نقطه نظر نوع فعالیتها و روابط با والدین ، دسته های روستائی و شهری شبیه اند ، تنها تفاوتی که می توان بین آنان ملاحظه کرد در فراوانی این دسته ها در مناطق شهری و روستائی است .

این تحلیل مختصر از محتوای دسته های کودکان نشان میدهد که دسته های کودکان صرفاً صورتی از گروههای کودکان را بخودگرفته است و چنین گروههایی در روستاها و محله های شهری بسیار دیده میشود . در واقع ، کلمه دارو دسته که در پرسشنامه بکار برده شده بود ، معنای روشنی نداشت ، در صورتیکه در فرانسه ، دسته کودکان نظر به هنجارهای خاص رفتاری که در بین کودکان بوجود میآورد ، معنای دقیقی یافته است . در فارسی ، کلمه مزبور، نه تنها دسته های مذهبی را در برمی گیرد ، بلکه گروههای سیاسی و باند دزدان را نیز بدان اسم می خوانند .

از پرسشگران خواسته بودیم که این کلمه را بمعنای باند بکار برند ، اما ، چون مفهوم با واقعیت زندگی ایرانی متمایز بود ( بعداً بدان برمی خوریم ) نه پرسشگران و نه پاسخگویان ، مفهوم صحیح و دقیق آنرا درک نکردند و نتیجه آن پیدائی نوسانی خاص در

پاسخها بود. در حالیکه بعضی از پرسشگران یا پاسخگویان از گروههای کودکان می‌گفتند (و این خود تعداد پاسخهای منفی را نشان میداد، در صورتیکه، بی‌شبهه، در قشرهای اجتماعی که کارگران از آنان برخاسته‌اند، دسته‌های دوستانه کودکان وجود داشته است) دیگران از حد متعارف مفهوم فراتر رفته‌اند، و تجمع‌گذر او ساخت ناپذیر کودکان را بدین نام خوانده‌اند.

بطور کلی، می‌توان گفت که در نزد اکثر کودکان، زمانیکه کشمکش و تهاجم وجود ندارد، باند پدید نمی‌آید، کمتر از یک چهارم پاسخگویان هنگام بازی، خود را در برابر بزرگترها یافته‌اند، آنچنان که این تعارض را احساس نموده‌اند و می‌توان گفت که باند در کودکی این کارگران تجربه‌ای قاطع با آموزش رفتاری متفاوت از هنجارهای معمول نبوده است. بنابراین، باید پذیرفت، که ضعف چنین تجربه‌ای ناشی از تعارض ناچیز نسلی در مناطق اولیه کارگران بوده است و این مناطق هنوز به مرحله فرهنگ‌پذیری شدید راه نیافته‌اند.

#### ع - مدرسه و آموزش :

تاچه‌حد، پاسخگویان نمونه از محتوای آموزشی سازمانهای خاص آموزشی بهره‌گرفته‌اند؟ ۱۶۵ نفر از آنان دست کم تحصیلاتی درحد ابتدائی داشته‌اند این تحصیلات چگونه بوده است؟ امروزه، تحصیلات تا چه حد موجبات توانائی انسانها را در خواندن و نوشتن فراهم می‌آورد و تصویر ذهنی خاص تحصیلی در آنان چگونه است؟

الف - ۱۶۵ پاسخگو یعنی ۵۷٪ جمعیت نمونه از تحصیلات آموزشی بهره‌گرفته‌اند ۸۲٪ کارگران شهری‌الاصل در برابر ۴۰٪ کارگرانی که از روستاها برخاسته‌اند، تحصیلات آموزشی داشته‌اند.

ب - پاسخگویانی که به تحصیل پرداخته‌اند در یکی از سه نوع سازمان آموزشی زیر آموزش دیده‌اند :

— مکتب و مدارس مذهبی (که بعلت تشابه خاصشان در این تحقیق از یکدیگر تفکیک شده‌اند): این مدارس، معمولا حالتی سنتی دارند و در مساجد تعبیه میشوند. هدف اساسی آنان تعلیم قرآن است. گاهی نیز تعلیم کتاب آسمانی، با نوشته‌های قدیمی به زبان فارسی همراه میگردد. روش تربیت بصری است، و نقش اندیشه در آن به حداقل تنزل می‌یابد انگیزه یادگیری انضباطی خشک از طرفی و از برخوانی مجدد امور محفوظه است. احساسات دینی و نوید رستاخیز نیز انگیزه‌های دیگری در آموزش‌اند.

خارج از مطالب دینی، آموزش مفاهیم قابل استفاده در زندگی جائی در این نظام آموزش نمی‌یابند.

مدارس دولتی و مدارس خصوصی جدید غیر مذهبی :

این مدارس ، از نظر روش ، به سازمانهای آموزش ابتدائی کشورهای صنعتی شباهت دارند .

اکابر : این آموزشگاهها در روستا و در شهر ، شبها دایرند . روشهای تربیتی مدارس دولتی در آنان نیز رعایت میشود .

اما ، تدریس درین مدارس ، به آموزش خواندن ، نوشتن و حساب اختصاص می یابد . ۱۶۵ پاسخگویی که آموزش دیده انداز ۱۷۹ مدرسه (۱) به ترتیب زیر استفاده کرده اند :

مدارس	پاسخگویان روستائی الاصل	پاسخگویان شهری الاصل	جمع	نسبت
- مدارس مذهبی	۴۰	۹	۴۹	۲۷
- مدارس چندین	۲۳	۵۹	۸۲	۲۶
- اکابر	۳۶	۱۲	۴۸	۲۷
جمع	۹۹	۸۰	۱۷۹	۱۰۰

روستازادگان ، اغلب در مدارس مذهبی پرورش یافته اند . علاوه برین ، یک سوم آنان صرفاً در بزرگسالی به آموزشگاه رفته اند .

ج - میزان تحصیل پاسخگویان را به سه قسمت تقسیم کرده ایم :

— پاسخگویانی که بخوبی از عهده خواندن و نوشتن برمی آیند ( مقدار کمی از آنان نیز می توانند به زبان دیگری ، بجز فارسی بخوانند و بنویسند ) .

— پاسخگویانیکه ، اطلاعاتی ضعیف در زمینه خواندن و نوشتن دارند . ( فقط می توانند بخوانند ، فقط می توانند بنویسند ، کمی خواندن و کمی نوشتن میدانند ، صرفاً توانائی خواندن قرآن را دارند ) .

۱ - سؤال بدین صورت طرح شده بود : « مدرسه رفته اید ؟ » اگر بلی ، کدام مدرسه ( مدارس مذهبی ، مدارس دولتی ، اکابر و ... ) ترجمه تحت اللفظی این عبارت به فارسی ، ابهامی را فراهم می نمود ، زیرا کلمه ای عام که در برگیرنده همه انواع مدارس باشد وجود ندارد .

بدین ترتیب ، پاسخگویان در جواب سؤال اول ، پاسخ منفی داده اند ( زیرا مدرسه را با آموزشگاههای جدید یکسان پنداشته بودند ) خطر انحراف زیاد نبود زیرا سؤال بعدی تا حدودی پاسخ داده شده را کنترل می نمود ، با اینهمه در ۴۲ پاسخ خطر ابهام در جواب موجود است .

نسبت	جمع	پاسخگویان شهری الاصل	پاسخگویان روستای الاصل	میزان سواد
۴۵/۳	۱۳۳	۲۱	۱۱۲	بی سواد ی
۱۷/۱	۵۰	۱۳	۳۷	سواد اندک
۳۷/۶	۱۱۰	۶۰	۵۰	سواد عالی
۱۰۰	۲۹۳	۹۴	۱۹۹	جمع

قریب ۴۰٪ کل پاسخگویان می‌توانند بطور عادی بخوانند و بنویسند . این نسبت برای کارگرانی که از شهرها برخاسته‌اند به یکسوم و در مورد کارگران روستائی الاصل به یک چهارم میرسد. گروههای سنی بین ۱۸ تا ۴۳ سال ( یعنی گروههایی که در هنگام مصاحبه به سن ۲۵ تا ۵۰ سال رسیده‌اند ) را مقایسه کنیم :

$$\frac{۵۳}{۱۰۰} \times ۱۰۰ = ۵۳\%$$

خواندن و نوشتن

$$\frac{۲}{۱۰۰} \times ۱۰۰ = ۲\%$$

فقط خواندن

$$\frac{۴۴}{۱۰۰} \times ۱۰۰ = ۴۴\%$$

بی سواد

$$۱۰۰$$

جمع

نسبت‌های بی سواد ی در هر دو جمعیت بسیار نزدیک‌اند ، دیگر نسبتها ازین جهت شبیه‌اند که تعریفی مشابه از آنان بعمل نیامده است .

د - رابطه میزان تحصیل ونوع مدرسه‌ای که پاسخگو از آن استفاده کرده است، بقرار

زیر است :

جمع	پاسخگویانی که مدرسه رفته‌اند				پاسخگویانی که به مدرسه نرفته‌اند	میزان تحصیل
	چند مدرسه	اکابر	مدارس جدید	مدارس مذهبی		
۱۳۳	۲	۴	۶	۴	۱۱۷	بی سواد ی
۵۰	-	۱۷	۸	۱۹	۶	سواد اندک
۱۱۰	۱۲	۱۷	۶۳	۱۳	۵	سواد عادی
۲۹۳	۱۴	۳۸	۷۷	۳۶	۱۲۸	جمع

ازین سه نوع مدرسه مورد بحث ، مدارس مذهبی بدترین نوع نتایج را بیارمی آورند ، بعد از آن اکابر قرار می گیرند . مدارس جدید اطلاعاتی درخور تحسین به ۸۲٪ شاگردان می دهند . علاوه برین ملاحظه میشود که تعدادی از پاسخگویان می توانند بخوانند و بنویسند ، در صورتی که به هیچ مدرسه ای نرفته اند . ادعای آنان این است که زبان فارسی را نزد والدین ، برادران بزرگتر یا اشخاص دیگر فرا گرفته اند .

ج - اکنون به مطالعه رابطه ای به پردازیم که بین میزان تحصیل پاسخگو از یک طرف و وضع شغلی و تحصیلی پدر از طرف دیگر وجود دارد : نتایج زیر را با توجه به رابطه نوع شغل پدر و سواد پاسخگو ارائه می دهیم ( پدرانی را نیز که دارای فعالیت دوگانه ای بوده اند در شغل زیر بحساب آورده ایم ) .

جمع	میزان تحصیل پاسخگو			شغل پدر پاسخگو
	بی سواد	سواد اندک	سواد عادی	
۱۶۰	۹۱	۲۶	۴۳	کشاورز
۳۹	۱۸	۸	۱۳	کارگر کشاورزی
۲۶	۹	۳	۱۴	پیشه ورقه بی
۷	۲	-	۵	پیشه ورجد پد
۴۴	۱۴	۹	۲۱	کاسب
۳۲	۷	۶	۱۹	دیگر
۷	۳	۲	۲	غیرفعال

نسبت بی سوادان در بین دهقان زادگان ( پسر ) از همه بالاتر است ( ۵۷٪ ) . در صورتیکه از پسران کارگران کشاورزان میزان کمتری بی سواد هستند ( ۴۶٪ ) . فقط یکسوم پسرانی که از گروههای پیشه ور و کاسب برخاسته اند ، نه خواندن و نه نوشتن میدانند

در هنگام تولد ، فرزندان شانسهای متفاوتی برای تحصیل با توجه به نوع گروه اجتماعی خود می یابند . این شانسها هیچگاه برابر نیستند . علی الخصوص ، تولد در شهر یا روستا ، تفاوت فراوانی را ازین جهت موجب میشود .

از نظر پاسخگویان نمونه ، میزان تحصیل والدین آنان بقرار زیر بوده است :

مادر		پدر		میزان تحصیل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵/۵	۱۶	۲۹	۸۵	سواد عاری
۰/۵	۱	۵	۱۵	سواد اندک
۹۳/۵	۲۷۵	۶۵/۵	۱۹۲	بی سواد ی
-	۲	۹/۵	۱	بی جواب

حالا، میزان بی سواد ی درین گروهها را با سایر گروههای مشابه مقایسه نمائیم :

در سال ۲۰۱۵ ، پدران پاسخگویان نمونه ما بطور متوسط ۶۴ سال داشتند . پس می توان آنانرا با ساردانی مقایسه کرد که آخرین گروه ده نفری سرشماری ۲۰۱۵ را تشکیل میدادند ( ۵۵ تا ۶۹ ساله ها ) . در سراسر ایران ، میزان بی سواد ی این ۸۴٪ است . در تهران این رقم به ۵۴/۷٪ کاهش می یابد با توجه به اینکه دو سوم پدران پاسخگویان ماریستانی بوده اند ، میزان بی سواد ی آنان می بایستی به جمعیت ایران نزدیکتر باشد تا کل جمعیت تهران ؛ با اینهمه ، از خلال پاسخهای بدست آمده ، تشابه با جمعیت تهران بیشتر آشکار میشود . آیا این امر ، واقعیت را میرساند و نا حاوی بیش شماری است ؟

برعکس ، میزان بی سواد ی مادران ، با سرشماری مطابقت بیشتری می یابد . سن متوسط مادران پاسخگویان نمونه ، در سال ۲۰۱۵ ، در حدود ۴۵ سال بوده است ، پس ، می توان آنان را با گروههای آخر جمعیت در سرشماری ( یعنی گروههای بین ۴۵ تا ۶۴ سال ) مقایسه نمود . میزان بی سواد ی این گروه بیشتر با ارقام مملکتی قابل مقایسه است .

حالا ، رابطه بین میزان تحصیل پاسخگویان و میزان تحصیل پدران آنانرا می سنجیم :

پدران	بی سواد	سواد اندک	سواد عاری	جمع
بی سواد	۱۰۰	۳۱	۶۱	۱۹۲
سواد اندک	۶	۳	۶	۱۵
سواد عاری	۲۵	۱۷	۴۳	۸۵
بی جواب	۱	-	-	۱
جمع	۱۳۲	۵۱	۱۱۰	۲۹۳

نصف پدرانی که تحصیلات ابتدائی عادی داشته‌اند ، دارای پسرانی هستند که بخوبی می‌خوانند و می‌نویسند . این میزان ، در مورد بی‌سوادان به یک سوم تقلیل می‌یابد .

ج - محتوای آموزش در کانون مدرسه در چهارچوب روابط بین معلم و شاگرد شکل می‌گیرد و میتوان گفت که پیوندی بین این روابط شخصی در مدرسه و محتوای فرهنگی مورد آموزش وجود دارد .

در مدارس سنتی ، معلم ، اغلب بنام پدر روحانی خوانده میشود ، اوست که کلام آسمانی را در اذهان کودکان جای میدهد ، وهم اوست که کودکان را به اطاعت از قواعد سنتی و میدارد . بنابراین روابط او با کودک ، همچون رابطه قانون با فرد است و درین حالت ، سخت و محافظه کار جلوه مینماید . برعکس ، مدارس جدید به آموزش معلومات و توسعه استعداد های شخصی که در دگرگون کردن جهان مفید و مؤثرند ، اهتمام می‌ورزند . درین مدارس ، کوشش برین است که از سرخوردگی کودک جلوگیری شود ، لذا تنبیه های سنتی در مدارس جدید سخت ممنوع است . با این همه ، در این مدارس هنوز رفتار سنتی معلمین تغییر چشمگیری نیافته است هر چند رفتار معلم نسبت به کودک با اخلاق آموزشی پیوند دارد ، لیکن میتوان پذیرفت که کودک محتوای اخلاقی آموزشی را از خلال رفتار معلم درک میکند . شاگرد از معلم خود انتظار دارد که رفتار او منطبق با موازینی باشد که اجتماع بر تعلیم و تربیت وضع کرده است و رفتار واقعی معلم را با این انتظار میسنجد .

از پاسخگوییانی که به مدرسه رفته بودند ، سؤال کردیم : انضباط در مدرسه سخت بود یا خیر ؟ چه خاطره ای از آن فعلا در ذهن دارید ؟ خاطراتیکه درین مورد ابراز شده نشان میدهد که تنش بین معلم و شاگرد صورتی معمولی و همیشگی دارد . از ۱۸۲ خاطره ای که توسط ۱۱۳ پاسخگو ابراز شدند ، ۱۰۱ خاطره حالتی از تعارض را بین معلم و شاگرد نشان میداد در صورتیکه فقط ۳۱ خاطره از توافق بین آنان حکایت داشت . از جانب دیگر ملاحظه میشود که انضباط در مدرسه معمولا در خاطره ها یادآورد شد ادبی است .

انضباط در مدرسه شدید بود ۹۴

انضباط در مدرسه شدید نبود ۵۶

بی جواب ۱۰

جمع ۱۶۰

اگر شدت انضباط در کلاسهای آموزش بزرگسالان نسبت به دیگر مدارس کمتر است ، سازمانهای آموزشی مذهبی و جدید ازین نظر تشابهی با دیگر مدارس سنتی نشان میدهند .



انضباط	مدارس مذهبی	مدارس جدید	کلاسهای اکابر	دیگر	جمع
انضباط سخت	۲۳	۵۵	۸	۸	۹۴
فقدان انضباط	۱۱	۱۹	۲۰	۶	۵۶
بی جواب	۲	۳	۱۰	-	۱۵
	۳۶	۷۷	۳۸	۱۴	۱۶۵

از ۱۰ دانش‌آموز ۶ نفر انضباط مدرسه را شدیداً میدانند و این نظر بی‌اساس نیست ، زیرا تنبیه بدنی ، نگاهداری اجباری کودک در مدرسه ، بارها از خلال خاطرات ابراز شده بر می‌آیند . بالاتر از همه ، طبق ضرب‌المثل قدیمی « آنکه تنبیه معلم نبیند احمق ماند » مدت انضباط صورتی از یک هنجار طبیعی بخود گرفته است . آثانی که در مدرسه بشدت تنبیه شده‌اند ، به شکایت می‌نشینند ، لیکن هیچگاه این عمل را تقیح نمیکنند . برعکس هرگاه در خاطرها تنبیه در گذشته‌های دوردست تجلی نمیکند ، بی‌نظمی و عدم اطاعت در اذهان نقش مینندد .

بنظر میرسد که اینجا به داده‌ای بسیار غنی از نظر روانشناسی اجتماعی رسیده‌ایم . مدرسه ، آموزش و محتوای اخلاقی آن بر کودک تحمیل میشوند ، آنان با احتیاجات جامعه مرتبط نیستند ، بلکه جهات تحمیلی یافته‌اند . بهمین جهت است که تصویر معلم ، با اقتدار ، با فشاریکه تنها وثیقه تضمین انضباط در رفتار و اندیشه است ، آمیخته گردیده است .

ح - تنش با معلم که محصل در مدرسه هر لحظه احساس میکند ، میتواند موجبات پیدائی بیشتر دسته‌ها را در بین کودکان محصل فراهم سازد . لیکن ، در واقع ، چنین نیست

جمع	پاسخگویان بی‌سواد	پاسخگویان * مدرسه دیده	
۱۱۷	۶۰	۷۵	شرکت در یک دسته
۴۷۳	۱۰۳	۷۰	عدم شرکت در یک دسته
۳	۳	-	بی‌جواب
۲۹۳	۱۶۶	۱۲۷	جمع

۳۶ نفر از پاسخگویان بی‌سواد و ۴۵٪ از پاسخگویانیکه به مدرسه رفته‌اند به یکی از دسته‌های کودکان ملحق گشته‌اند .

\* - منظور صرفاً کارگر اینست که در دوران کودکی به مدرسه رفته‌اند .

ب : تمایلات و تصاویر عاطفی مرتبط با دوران آمادگی

تمایلات و تصاویر ذهنی مرتبط با دوران آموزش در کودکی و نوجوانی برای بزرگسال صرفاً مجموعه‌ای از مقتضیات ، تصاویر ذهنی مربوط با ساخت اجتماعی گذشته و موقعیت کودک درین ساخت نیستند ، بلکه ، حاوی نویدهایی میباشند که بعضی از آنها با شکست قرین بوده و بعضی دیگر موفق گردیده‌اند . چنین شرایطی در نوع ارزشهای عاطفی کنونی و مفاهیمی نظیر سعادت یا بدبختی که بدانها افکاری چند پیوسته‌اند ، مؤثر خواهد بود . بعنوان مثال ، میتوان پذیرفت که جبرگرایی و پذیرا بودن فرد در برابر دشمنی‌ها ، در حالت فعلی با بینوایی او در کودکی بی‌ارتباط نیست . درین فصل ، به تحلیل حالات روانی واقعی در کودکی و یسا منسوب بدان میپردازیم :

### ۱ - تمایلات شغلی

شناخت تمایلات شغلی نوجوانان با طرح پرسشهایی درین زمینه از بزرگسالان ، با دقت مقرون نمی‌نماید . از جانبی نیز ، شناخت تمایلات واقعی نوجوانان راهنمایی مفیدی در شناسائی دقیق بزرگسالان نیست .

تمایلات نوجوانی در برابرگذشت زمان مقاومت ندارند و حافظه بزرگسال نمی‌تواند همه آنان را بخاطر آورد . ازین نظر ، حافظه از بین تمایلات متوالی و یا هم‌زمان ، بعضی را برمی‌گزیند آنانرا با موازین کنونی انطباق میدهد ، و حتی بعضی را از بین میبرد و با توجه به منزلت و فعالیت فرد در جامعه ، جانشینی برآنها برمی‌گزیند .

هنگامی که پاسخگو را در مورد تمایلات دوران جوانی او مورد پرسش قرار میدهیم ، او این دوران را از خلال تجربیات کنونی خود می‌بیند . ادراک گذشته از خلال حالات روانی اسروزی صورت میگیرد و درین حال هم با گذشته وهم با حال در ارتباط است .

معهدا ، این تصویر از نظر ذهنی حاوی همه امیدهای جوانی و تابع تغییرات زمانی است ، مظهر وجود تصمیمی در زمانی دوردست است و برنامه متحقق و یا غیر متحقق انسانی را نشان میدهد که فعالیت کنونی او تحت تأثیرش قرار داده است . معیاری است که با آن یک فرد در دورانی واقعاً و یا از نظر ذهنی دور ، تحقق هدفهایش را می‌سنجد .

بدینقرار ، ارتباط بین تمایلات شغلی درگذشته و حال می‌تواند شاخصی باشد که حکایت از رضایت یا عدم رضایت کارگر از فعالیت شغلی او نماید .

درین صفحات ، انواع تمایلات ذکر شده را می‌سنجیم و سپس ، روابط بین این انواع و مشخصات گذشته و حال یک انسان را می‌یابیم .

الف - پاسخهای مربوط به این سؤالا : وقتی نوجوان بودید ، فکر می‌کردید چه کاره شوید ؟ ، و « به چه شغلی تمایل داشتید ؟ » بدین ترتیب ، طبقه‌بندی می‌شدند :

بدون هیچ خاطره ( ۳۹ مورد ) بدون هیچ تمایل ( ۲۴ مورد ) بین دیگر کارگران، یعنی کسانی که پاسخی مثبت به این سؤال داده‌اند تعدادی ( ۹ نفر ) دو تمایل را ذکر کرده‌اند و ازین جهت جمع کل تمایلات با جمع کل افراد پاسخگو، تفاوت می‌یابد ( ۲۵۶ در برابر ۲۳ ). « ترقی »، « ثروت »، « زندگی خوب »، تمایلاتی هستند که در ۲۳ پاسخ می‌گنجد ( بدون آنکه نیل به هدفهای فوق مشخص شده باشد . ما این پاسخها را تحت عنوان « تمایل به موفقیت » خلاصه می‌نمائیم ).

تمایل به کشاورز ماندن گاهی بدون هیچ توضیحی، گاهی، با اظهار تمایل به ادامه شغل پدری ( ۲۶ مورد ) و گاهی با اظهار تمایل به بهبود بخشیدن به شرایط زندگانی پدری ( ۲۰ مورد ). تمایل به کار صنعتی ( ۱۰۰ مورد ).

تمایل ورود به خدمت ارتش ( ۱۳ مورد ) و تمایل به استخدام در ادارات دولتی ( ۱۲ مورد ). این دو نوع پاسخ را در یک قسمت قرار دادیم. زیرا، از جانبی تعداد آنان زیاد نبود و از جانب دیگر توزیع آنان در تقاطعهای بعدی نشان دهنده تفاوت فاحشی بین آنان بوده است.

تمایل به ادامه تحصیل و کسب مشاغل عالی ( ۳۴ مورد )؛ متفرقه : « پیدا کردن کار در شهر »، « در تهران »، بدون توضیح دیگر ( ۵ مورد ) پیشرفت در شغلی که از ۱۵ سالگی بعهده گرفته است ( ۲ مورد )؛ به کارهای ورزشی پرداختن ( ۱ مورد ). بدینقرار، می‌توان این داده‌ها را به ترتیب زیر خلاصه کرد :

۶۳	بی هیچ خاطره، بدون تمایل
۲۳	ثروتمند شدن، ترقی کردن، زندگی خوب داشتن
۴۶	زراعت
۱۰۰	کار صنعتی، کار فنی
۲۵	ادارات دولتی، ارتش
۳۴	تحصیل، مشاغل عالی
۸	متفرقه

جمع ۲۹۹

تمام کارگرانی که ادعا می‌نمایند در کودکی به کار صنعتی و فنی تمایل داشته‌اند از یک سوم کل کارگران نمونه تجا وزن نمی‌نماید. پس، می‌توان تصور کرد که همه کارگران و یا بسیاری از آنان احساس میکنند که فعلا موفق شده‌اند خواه ازین جهت که از قبل به این شغل تمایل داشته‌اند و خواه ازین نظر که احساس موفقیت کنونی آنانرا واداشته است که

تمایلات خاص نوجوانی خود را بار دیگر مورد توجه قرار دهند .

پاسخهای کارگران دیگر حاکی از بی تفاوتی و یا سرخوردگی است. یک پنجم کارگران اظهار میدارند که تمایل خاصی در گذشته از نظر شغلی نداشته اند ، یا آنکه چیزی درین مورد بخاطر نمی آورند . این کارگران یا برنامه ای در زندگی نداشته اند و یا در صورت داشتن چنین برنامه ای فعلاً آنرا فراموش کرده اند. شرایط کنونی شغلی آنان در جوانی مورد پیش بینی خود آنان نبوده است. و صرفاً از دیدگاه تحرك حرفه ای مسائل آنان قابل سنجش و بررسی است

بقیه کارگران ( ۴۰٪ ) معتقدند که قبلاً به چیزی دیگر فکر می کرده اند. بهر جهت ، وضع شغلی کنونی مطلوب آنان نیست . این کارگران با توجه به تمایلات جوانی خود ، فعلاً ناراضی بنظر میرسند . اما ، بعضی از آنان ( تقریباً ۱۰٪ ) می گویند که قبلاً به فکر انجام کاری در روستاها بوده اند و نه صنعت و نه کار در شهر . هیچیک مورد توجه و آرزوی آنان نبوده است. همگی آنان از روستاها برخاسته اند و میتوان از خلال بیاناتشان تمایل آنان را به بازگشت به کار اول دید. ( ۱ ) دیگران ، برعکس ، مدعی هستند که قبلاً به موفقیتهای بالاتر اندیشیده اند که از نظر درآمد و اعتبار بر شرایط کارگری امروز مرجح بوده است ، ( ارتش ، ادارات ، مشاغلی که کسب آنان مستلزم انجام تحصیل است ، مورد توجه آنان بوده است ) و در عین حال رفاهی آنچنان آرزو مینمودند که در شرایط کنونی مقدور نیست.

ب - رابطه بین انواع تمینات و توزیع جغرافیائی کارگران جالب مینماید :

#### تمایلات

محل تولد	بی جواب	موفقیت ب، ت ( ۲ )	زراعت	کار صنعتی	ادارات	تحصیل	دیگر	جمع
شهر	۱۴	۸	۲	۳۷	۱۲	۲۰	۲	۹۰
روستا	۴۹	۱۵	۴۴	۶۳	۱۳	۱۴	۶	۲۰۴
جمع	۶۳	۲۳	۴۶	۱۰۰	۲۵	۳۴	۸	۲۹۹

۱ - در تحلیل تمینات با توجه به رضایت یا عدم رضایت کارگران ، از شغل خود ، تمایلاتی را که تحت عنوان متفرقه قرار داده ایم ، بیشتر با رضایت کارگر از شغل کنونی خود همراه بوده است ، کسانی که روزی تمایل به کار در شهر داشتند ، بدان رسیده اند و کسانی که تمایل داشتند در کار خود پیشرفت نمایند ، آنان نیز کم و بیش راضی بنظر میرسند .

تنها تمایل به موفقیت و ارتقاء ( بدون هیچ توزیع دیگر ) با محل جغرافیائی کارگران بی ارتباط است ، فقدان تمایل قبلی و یا دست کم فقدان خاطره ای در باب چنین تمایلی و علاقه به کشاورزی ، اکثر به ساکنان مناطق روستائی اختصاص مییابد .

تمایل به تحصیل ، ارتش ، یا خدمت در ادارات ، اغلب از سکونت در شهرها نشأت میگیرد . از نظر رضایت یا عدم رضایت از شغل ، تفاوتی بین روستائیان و شهریها به چشم نمیخورد ، هرچند که روستائیانرا بیشتر بی تفاوت و شهریان را بیشتر راضی می یافتیم .

تنوع تمایلات برحسب محل تولد کارگران و تنوع همین تمیلات با توجه به مشاغل پدری کارگران با یکدیگر تشابهی نشان نمیدهد .

جمع	شغل پدری						تمایلات شغلی
	کشاورز	کشاورز بدون زمین	صنعتکار	تاجر	فعالیتهای دیگر	بی جواب	
تعداد ۶۳	۴۰	۷	۵	۸	۲	۱	تعداد بی جواب ۲۱
	۲۴/۸	۲۰	۱۷/۸	۲۲/۲	۶/۴	۱۲/۵	
تعداد ۲۳	۱۲	۳	۲	۲	۲	۲	تعداد موفقیت ۷/۷
	۷/۴	۸/۵	۶/۱	۵/۵	۶/۴	۲۵	
تعداد ۴۶	۳۹	۵	-	۲	-	-	تعداد کشاورزی ۱۵/۴
	۲۴/۲	۱۴/۲	-	۵/۵	-	-	
تعداد ۱۰۰	۳۸	۱۸	۱۴	۱۳	۱۳	۴	تعداد صنعت ۳۳/۴
	۲۳/۶	۵۱/۴	۵۰	۳۶/۱	۴۱/۹	۵۰	
تعداد ۲۵	۱۴	۱	۲	۵	۳	-	تعداد ادارات ۸/۴
	۸/۶	۲/۸	۷/۱	۱۳/۸	۹/۶	-	
تعداد ۳۴	۱۵	۱	۴	۵	۹	-	تعداد تحصیل ۱۱/۴
	۹/۳	۲/۸	۱۴/۲	۱۳/۸	۹/۳	-	
تعداد ۸	۳	-	۱	۱	۲	۱	تعداد دیگر ۲/۷
	۱/۸	-	۳/۵	۲/۷	۶/۴	۱۲/۵	
تعداد ۲۹۹	۱۶۱	۳۵	۲۸	۳۶	۳۱	۸	تعداد جمع ۱۰۰
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کشاورزان کمتر از دیگران تمایلی قبلی به حرفه ای خاص داشته اند و بیشتر به کار در کشاورزی می اندیشیده اند . برعکس ، پسران دهقانان بدون زمین کمتر به زراعت علاقه داشته اند و بیش از گروههای دیگر به صنعت می اندیشیده اند. فقدان علاقه شان به کار در

ادارات ، ارتش و ادامه تحصیل ، آنانرا از دیگرگروهها متمایز میسازد .

پاسخگویانیکه پدر آنان به فعالیتی غیر زراعی مشغول بوده است تقریباً هیچگاه به کار بر روی زمین تمایل نداشتهاند . پسران پیشه‌وران بیش از همه به صنعت توجه نموده‌اند و فرزندان تجار (که کمتر از سایرگروهها به صنعت تمایل داشته‌اند) به ادامه تحصیل علاقه داشته‌اند. برعکس ، از بین گروههایی که مورد بررسی ما قرار گرفته‌اند ، فرزند انیکه از بین تجار برخاسته‌اند ، بیش از همه به کار در ادارات و ارتش تمایل داشته‌اند .

بطور کلی ، آنانیکه از بین کشاورزان برخاسته‌اند بیش از فرزندان کارگر بی تفاوت و ناراضی می‌نمایند . بنظر می‌آید که آنان بیش از سایرین از کار صنعتی رنج می‌برند .

پسران دهقانان بدون زمین و پیشه‌وران ، برعکس پیشین از همه از کار در صنعت راضی می‌نمایند . کارگرانیکه پدر آنان کاسب بوده است ازین دیدگاه شباهتی به کارگرزادگان دارند، اما آنانیکه از فعالیتهایی برمی‌خیزند که ما « دیگر » خوانده‌ایم ( مانند کارمندان ، ارتشی‌ها و غیره .. ) به دوگروه کاملاً مشخص تقسیم میشوند: گروه افراد راضی ، گروه افراد ناراضی .

رابطه‌ایکه بین نوع شغل پدر و تمایل شغلی فرزند دیدیم ، باید نشان دهنده چگونه محیط شغلی موجبات تجلی انواع خاصی از تمایل را فراهم می‌کند . این رابطه ، در عین حال ، نشان میدهد که بیانات پاسخگویان در مورد تمایلات شغلی خود در زمان جوانی منعکس‌کننده واقعیت تمایل نیز بوده است .

سن کارگران نیز می‌تواند ، از جهتی ، بعنوان صفت مشخصه گروه اجتماعی خاص آنان تلقی شود : جوانان و پیران کارآموزی خود را ، عیناً در محیطی یکسان به انجام نرسانیده‌اند ؛ بنابراین تمایلات آنان در نوجوانی بصورتی مشابه به تحقق نرسیده است . بدین ترتیب ، تمایلات ابراز شده برحسب سن پاسخگو تنوع می‌پذیرد .

جمع	تمایلات						سن کارگر	
	دیگر	تحصیل	ادارات ارتش	صنعت	زراعت	موفق‌شدن (بیت)		بی جواب
۱۲۷	۵	۱۵	۱۷	۵۱	۱۶	۱۱	۲۲	تعداد کمتراز ۳۰ سال درصد
۱۰۰	۲/۷	۱۱	۱۲/۴	۳۷/۲	۱۱/۷	۸/۵	۱۶/۱	
۱۶۲	۳	۱۹	۸	۴۹	۳۰	۱۲	۴۱	تعداد ۳۰ سال بیشتر درصد
۱۰۰	۱/۸	۱۱/۷	۴/۹	۳۰/۲	۱۸/۵	۷/۴	۲۵/۴	
۲۹۹	۸	۳۴	۲۵	۱۰۰	۴۶	۲۳	۶۳	تعداد جمع درصد
۱۰۰	۲/۷	۱۱/۴	۸/۴	۳۳/۴	۱۵/۴	۷/۷	۲۱	

کارگران پیرتر، در مقایسه با سایر کارگران، یا خاطره‌ای از تمایلات قبلی شغل خود نداشته‌اند و یا آنکه اساساً چنین تمایلی در جهت حرفه‌ای خاص در آنان وجود نداشته است. در صورت وجود تمایل، کارگران مسن‌تر، بیشتر به کار زراعت علاقه داشته‌اند، در حالیکه دیگران (گروه‌های جوانتر) به کار در ارتش، در ادارات و یا صنعت تمایل داشته‌اند. ارقام آنالیکه فقط تمایل به موفق شدن داشته‌اند، (بدون آنکه جهت خاص توفیق در ذهن آنان معین شده باشد) در برابر متغیر سن، نوسانی نمی‌یابد.

از دیدگاه رضایت یا عدم رضایت، میزان ناراضی‌ها در بین جوانان و پیران مشابه است. اما جوانان تا حدودی راضی‌تر و پیران تا حدودی بی‌تفاوت‌تر می‌نمایند.

تأثیر متغیر سن بر روی تمایلات بیشتر از آن نظر است که جوانان و پیران در محیط‌های اجتماعی متفاوتی زندگی نموده‌اند زیرا، جامعه ایران در خلال دهه‌های اخیر هر روز صورتی متنوع‌تر یافته است. معهداً، فرضیه دیگری نیز درین مورد بنظر می‌آید:

می‌توان پذیرفت که مسن‌ترها، به جهت تجربه‌ای که در محیط صنعتی و شهری کسب کرده‌اند سرخوردده‌تر از جوانانند. چون سن آنان فزونی یافته است، امید کمتری به کارآموزی حرفه‌ای می‌توانند داشته باشند، و کمتر می‌توانند امیدوار باشند که از شرایط زندگی کارگری خارج شوند. بنابراین، احساس بی‌تفاوتی در آنان بیش از جوانان باید تجلی یابد و بیش از دیگران، کشاورزی مطمح نظر آنان قرار گیرد.

رابطه بین تمایلات شغلی و سن با این حساب، انعکاس ارتباط قابل پیش‌بینی بین تسهیلات شغلی دروانی جوانی و مشخصات حرفه‌ای‌کنندگی کارگران خواهد بود.

ابتدا رابطه بین تمایلات و منزلت حرفه‌ای را مورد بررسی قرار دهیم: بمنظور ایجاد تقاطع بین این دو امر، فعالیت‌های صنعتی را به چندگروه اصلی تقسیم کرده‌ایم:

— عمله و خدومه

کارگران ماهر در صنایع ماشین و مونتاژ.

— کارگران ماهر در هر زمینه دیگر.

— سرپرستاران.

تمایل به کار صنعتی، وقتی با میزان جذب کارگر در محیط صنعتی مرتبط است، این تمایل نزد عمله و خدومه ناچیز می‌نماید، در صورتی که کارگران دارای تخصص و سرپرستان ماشین‌ها، که بیشتر در جریان تولید صنعتی هستند، بیشتر به کار صنعتی تمایل داشته‌اند و همین تمایل در نزد کارگران ماهر که تنها صاحبان واقعی شغل صنعتی هستند به حداعلی می‌رسد.

فقدان تمایل قبلی به کار صنعتی یا فقدان خاطره‌ای درین باب، و یا تمایل قبلی به کار کشاورزی بدین ترتیب نوسان می‌یابد: در نزد کارگران متخصص کاهش می‌پذیرد، در

## جدول تقاطع بدین صورت حاصل میشود :

جمع	تمایلات						انواع فعالیت	
	دیگر	تحصیل	ادارات ارتش	کار صنعتی	کشاورزی	موقتیت (بست)		بی جواب
۸۴	۱	۱۹	۷	۱۶	۱۹	۶	۲۵	تعداد
۱۰۱	۱/۳	۱۱/۹	۸/۳	۱۹/۱	۲۲/۶	۷/۲	۲۹/۸	عطموخدمه درصد
۹۷	۶	۷	۵	۳۶	۱۴	۱۰	۱۹	تعداد
۱۰۰	۶/۲	۷/۲	۵/۲	۳۷/۱۰	۱۴/۴	۱۰/۳	۱۹/۶	کارگران اداری تخصص درصد نسبی
۸۵	۱	۱۳	۱۳	۳۶	۷	۶	۹	تعداد
۱۰۰	۱/۲	۱۵/۱۰	۱۵/۳	۴۲/۳	۸/۲	۷/۱	۱۰/۶	کارگران ماهر درصد
۲۳	-	۴	-	۱۲	۶	۱	۱۰	تعداد
۱۰۰	-	۱۲/۱	-	۳۶/۴	۱۸/۲	۳	۳۰/۳	سرپرستان درصد
۲۲۹	۸	۳۴	۲۵	۱۰۰	۴۶	۲۳	۶۳	تعداد
۱۰۰	۲/۷	۱۱/۴	۸/۴	۳۳/۴	۱۵/۴	۷/۷	۲۱	جمع درصد

نزد عمله و سرپرستان ماشین‌ها که درین مورد از کارگران متخصص فاصله می‌گیرند، افزایش می‌پذیرد .

درسه تمایل دیگر، عمله و خدمه به حد متوسط نزدیک میشوند، در صورتیکه کارگران ماهر بیشتر به کار در ارتش و ادارات و تحصیل تمایل داشته‌اند. کارگران صاحب تخصص بیشتر در پاسخ مربوط به تمایل شغلی قبلی خود می‌گویند: «می‌خواستیم موفق شویم» سرپرستان تمایل به تحصیل و یا دستیابی به مشاغل آزاد را بعنوان تمایل قبلی خود مطرح می‌سازند. و این مطلب نشان دهنده تطابق تمایل حرفه‌ای با شرایط موجود در حرفه است.

حالا به بررسی پاسخ‌ها از نظر رضایت گروه‌های مختلف کارگر از کار خود به پردازیم، در سطور بالا اشاره می‌نمودیم که تمایل به کار صنعتی خود شاخصی در جهت تعیین رضایت یا عدم رضایت کارگران است (ازین جهت که کارگران بطور کلی به این هدف رسیده‌اند) اما، اینجا، می‌توان از خود پرسید آیا کارگران غیر ماهر (عمله و خدمه) و تا حدودی نیز کارگران صاحب تخصص معتقدند که کارشان صنعتی و فنی است؟ چنانچه تمایل قبلی خود را به چنین حرفه‌ای ندانند، باید آنرا دلیلی بر عدم رضایت آنان در شغل فعلی تلقی نمود. با



اینهمه ، باید پذیرفت که تمایل به کار صنعتی وفنی مستقیماً متأثر از میزان پیشرفت در محیط صنعتی است . لذا تأثیر تعلق به گروههای اجتماعی خاص بر رضایت با عدم رضایت از کار صنعتی را نباید از نظر دور داشت .

حالا به بررسی این مطلب می پردازیم که چگونه چهارگروه کارگر از نظر رضایت یا عدم رضایت و با بی تفاوتی در برابر کار توزیع میشوند ، هر یک از آنان یکی از جهات فوق را در خود تبلور می بخشد :

— در نزد عمله و خدمه ، بی تفاوتی وعدم رضایت در برابر رضایت اوج می یابد .

— کارگران ماهر راضی یا ناراضی مینمایند و کمتر آنان را بی تفاوت می بینیم .

— کارگران صاحب تخصص راضی تر بنظر میرسند .

— سرپرستان بیشتر بی تفاوت و کمتر ناراضی بنظر میرسند .

تمایلات حرفه ای کارگران در نوجوانی با میزان تحرك آنان در جریان کار صنعتی نیز ارتباط می یابد ( یعنی با جهتی دیگر از تاریخ شغلی که از منزلت کنونی حرفه ای آنان تمایز می پذیرد ) .

جمع	تمایلات							تعداد تغییرات
	دیگر	تحصیل	ارتش ادرات	کار صنعتی	کشاورزی	موفقیت (بدت)	بی جواب	
۱۹۰	۵	۲۳	۱۶	۵۷	۳۵	۱۴	۴۰	تعداد ۱ و ۲
۱۰۰	۲/۶	۱۲/۱	۸/۴	۳۰	۱۸/۵	۷/۴	۲۱	درصد
۱۰۹	۳	۱۱	۹	۴۳	۱۱	۹	۲۳	تعداد ۳ و بیشتر
۱۰۰	۲/۷	۱۰/۱	۸/۳	۳۹/۴	۱۰/۱	۸/۳	۲۱/۱	درصد
۲۹۹	۸	۳۴	۲۵	۱۰۰	۴۶	۲۳	۶۳	تعداد جمع
۱۰۰	۲/۷	۱۱/۴	۸/۴	۳۳/۴	۱۵/۴	۷/۷	۲۱	درصد

شاخص مادر سنجش تحرك حرفه ای ، طول سالهای کار درین حرفه را در نظر نمی گرفت در حالیکه تعداد تغییراتی که در محل اشتغال یک کارگر بروز می کند باید تابع سالهای کار او نیز باشد . با اینهمه ، قابل توجه است که رابطه بین تمایلات حرفه ای با تحرك درست در جهت عکس رابطه ایست که با سن کارگران بدست می آید . ( که خود نیز در ارتباط مستقیم با تعداد سالهای کار است ) .

کارگران مسن تر به کار در کشاورزی تمایل داشته‌اند. در عین حال، آنانی نیز که کمتر از همه ترك داشته‌اند به چنین حرفه‌ای متمایل بوده‌اند. جواناترها بیشتر به کار صنعتی تمایل نشان میدادند و پرتحرک‌ترین آنان نیز چنین می‌نمایند. تمایلات دیگر رابطه محسوسی با تحرك حرفه‌ای ندارند. به بیان دیگر، نوسان تمایلات برحسب سن بانوسان همین تمایلات برحسب تحرك اجتماعی مشابه نیست. این دو دارای رابطه‌ای معکوسند.

از نظر رضایت یا عدم رضایت از کار، رابطه ملاحظه شده را میتوان نتیجه این امر دانست که رضایت از کار و تحرك حرفه‌ای کارگران ارتباطی فشرده با یکدیگر دارند.

تمایلات حرفه‌ای در دوران نوجوانی پاسخگویان، باید هم تابع شرایط کنونی کارگر و هم متأثر از موقعیت خانوادگی او باشد.

معنای این پیوند مضاعف چیست؟ آیا بدان معناست که گاهی بدان و گاهی بدین مرتبط میشود، یا اینکه با تاریخچه حرفه‌ای افراد ارتباط مییابد؟ این فرضیه را باید بیشتر بررسی نمود. تمایل حرفه‌ای افراد داده‌ای روانی - اجتماعی است که تا حدودی آینده شغلی کارگران را منعکس مینماید. این تمایل خواه در واقعیت تجلی یافته و تاریخچه شغلی کارگر را متأثر ساخته باشد خواه در واقعیت تجلی نیافته باشد، در هر حال میزان انطباق کارگر را، محیط صنعتی تعیین می‌نماید.

رابطه بین تمایل شغلی کارگر و آینده وی از ارتباط بین سه نوع تمایل و فاصله شغلی پدر پاسخگو از خود او نیز برمیآید.

نظربه کمی تعداد نمونه، بدیختانه مجبور شدیم که راههای تحرك را در گروهائی بزرگتر و بنابراین با دقتی کمتر مورد توجه قرار دهیم و ازین جهت دقت تحلیل کاهش پذیرفت

الف - از کشاورزی یا دهقانی بدون زمین به عملگی.

ب - از کشاورزی یا دهقانی بدون زمین به کارگری با احراز تخصص.

ج - از کشاورزی یا دهقانی بدون زمین به کارگری ساده.

چ - از کشاورزی و دهقانی بدون زمین به سرپرستی ماشینها.

خ - از فعالیت‌های دیگر به عملگی.

د - از فعالیت‌های دیگر به کارگری با احراز تخصص.

ذ - از فعالیت‌های دیگر به کارگری با احراز مهارت عالی.

ر - از فعالیت‌های دیگر به سرپرستی ماشین آلات.

ز - از فعالیت‌های غیر مشخص به هر نوع فعالیت حرفه‌ای.

از جانب دیگر، تمایلات شغلی را به دو گروه تقسیم کرده‌ایم:

تمایل به تحصیل، کار در ارتش و ادارات را در یک قسمت و تمایل به موفقیت و متفرقه را در قسمت دیگر جای داده‌ایم.

فاصله شغلی بد ریاسخگوریاخسودش

جمع	ز	د	خ	ح	ج	ح	ج	ح	ج	پ	ب	الف	تایملات هزینه ای
۶۳	۱	۴	۴	۳	۴	۶	۶	۵	۱۵	۲۱	تعداد	بسی جواب	
۲۱	۵	۱/۵	۹/۱	۱۳	۲۸/۵	۳۱/۵	۱۳/۵	۲۱/۴	۳۰	درصد	تعداد	بسی جواب	
۶۳	-	-	-	۲	-	۶	۶	۷	۱۲	۱۹	تعداد	کشاورزی	
۱۵/۱	-	-	-	۸/۱	-	۳۱/۵	۱۸/۹	۱۲/۱	۲۷/۱	درصد	تعداد	کشاورزی	
۰۰۱	۳	۷	۶۱	۱۰	۴	۵	۱۵	۱۴	۱۲	تعداد	کار صنعتی		
۳۳/۴	۵۰	۵۰/۴	۴۳/۱	۴۳/۴	۲۸/۵	۲۶/۳	۴۰/۵	۳۴/۲	۱۷/۱	درصد	تعداد	کار صنعتی	
۵۶	-	۳	۱۷	۲	۶	۱	۹	۱۰	۱۱	تعداد	ادارات، ارزش، تحصیل		
۱۹/۶	-	۳/۱۱	۳۸/۶	۸/۷	۴۲/۷	۵/۲	۲۴/۳	۱۴/۲	۱۵/۷	درصد	تعداد	ادارات، ارزش، تحصیل	
۱۳	۳	-	۳	۶	-	۱	۱	۹	۷	تعداد	موفقیت در دیگر		
۳/۰۱	۳۷/۵	-	۶	۱/۶۱	-	۵/۲	۲/۷	۱۲/۸	۱۰	درصد	تعداد	موفقیت در دیگر	
۲۹۶	۷	۳۱	۳۳	۱۳	۳۱	۱۶	۳۷	۷۰	۷۰	تعداد	جمع		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	تعداد	جمع	

علیرغم چنین گروه‌بندی‌هایی، ارتباط بین تمایلات و راه‌های تحرك حرفه‌ای به صراحت بدست نمی‌آید.

شغل پدر پاسخگو هرچه باشد، تمایل به کار فنی و صنعتی ( شاخص رضایت از شغل) افزایش می‌یابد، فقدان تمایل ( شاخص بی تفاوتی ) به موازات کاهش جهات فنی کار کاهش می‌پذیرد. اما، تمایل به کار صنعتی و فنی در نزد پسران روستائیان و دهقانان بدون زمین ضعیف‌تر از فرزندان دیگرگروه‌هاست.

در یک شغل خاص، میزان رضایت از کار با شغل پدر و گروه مرجع تنوع می‌یابد.

## ۲ - تصاویر عاطفی مرتبط با دوران آموزش

خاطره کودکی آکنده از خوشبختی یا بدبختی، بدون شبهه، در اکثر جوامع داده‌ای روانی است که رفتار انسان را در تمام زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در جامعه‌ای که انسانها به قضا و قدر اعتقاد دارند، معتقد به تأثیر بدبختی و خوشبختی در یک مقطع زمانی به مقطع زمانی دیگرند، این خاطره ممکن است تأثیر مستقیم‌تری نیز در فعالیتهای بعدی داشته باشد.

بی شبهه، میتوان از خود پرسید این نوع خاطرات چگونه بوجود آمده تحول می‌پذیرد. اما، ریشه‌های آن هرچه باشد، این خاطره همانند آنچه به دنیای دور دست کودکی تعلق دارد، داده‌ایست که به دوران فراگیری تعلق دارد، اندیشه‌ای است که به سرآغاز زندگی معنای نحس و یا سیمون آنرا می‌دهد.

از پاسخگویان سؤال کردیم که آیا کودکی آنان از نظر خودشان مشحون از خوشبختی و یا ادبار بوده است؟ از جانب دیگر، از آنان پرسیدیم که آیا، بنظرشان، والدینشان خوشبخت یا بدبخت بوده‌اند و در عین حال، علل چنین قضاوتهایی را نیز خواستیم.

( الف ) ابتدا هر دو نوع پاسخ را با توجه به معنای آنان و تأکیدیکه بر سعادت و یا بدبختی ( با توجه به تعداد کلمات بکار رفته ) نموده‌اند، تحلیل نمودیم:

سعادت مؤکد ( بیش از یک کلمه کودکی پاسخگو والدین پاسخگویان

برای نشان دادن سعادت بکار رفته است ) ۱۳۵ ۱۴۳

سعادت ( فقط یک کلمه در جهت نشان

دادن سعادت بکار رفته است ) ۹ ۱۱

سعادت/بدبختی ۱۷ ۱۴

بدبختی ( فقط یک کلمه در تعبیر بدبختی

بکار رفته است ) ۱۲۲ ۱۰۸

بدبختی مؤکد ( بیش از یک کلمه در جهت نشان

۴	۳		
۱۳	۷	بی جواب و بی عقیده	دادن بدبختی عنوان شده است).
۲۹۳	۲۹۳	جمع	

هر دو توزیع مشابه و نزدیک مینماید، در هر دو ی آنان، دست کم، نظمی خاص به چشم میخورد: سعادت معمولاً با بیش از یک کلمه عنوان شده است مانند بدبختی ( و این از آنجهت که در واقع بیان خود برانگیزنده معنا نیز هست و میتواند جلوه‌هایی چند از محتوای خود را نیز بوجود آورد). انسانها در پاسخهای خود می‌گویند که در عین حال سعادت را هم نام برند و وهم مکتوم دارند و عنوان کردن بدبختی از جانب آنان هم دال بر اعتقاد به جبر است و هم مظهر کوششی در جهت عدم درگیری با آن.

علیرغم تشابهی که در بین دو توزیع ملاحظه میشود، هماهنگی پاسخهایی که به کودکان پاسخگو و یا والدین اشارت دارند، کامل نیست.

تطابق پاسخها یعنی تشابه فرزندان با والدین در ۱۹ مورد یعنی ۶۴/۵٪ موارد وجود دارد، در ۲۱ مورد، یعنی ۷۲٪ موارد، تطابق کامل نیست، در ۶۵ مورد یعنی ۲۲/۱٪ از کل موارد، بین والدین و فرزندان تفاوتی چشمگیر مشهود است. در موارد دیگر امکان مقایسه وجود ندارد.

حالا رابطه بین احساس سعادت و بدبختی را که با دوران کودکی ارتباط مییابد با بعضی از مشخصات کنونی و گذشته پاسخگویان مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

نظرات را در ۶ قسمت طبقه‌بندی می‌نمائیم:

- الف - والدین و پاسخگویان خوشبخت بوده‌اند. ۱۰۶ مورد
- ب - والدین و پاسخگویان بدبخت بوده‌اند. ۸۰ مورد
- پ - والدین خوشبخت، پاسخگویان بدبخت بوده‌اند. ۳۵ مورد
- ج - والدین بدبخت، پاسخگویان خوشبخت بوده‌اند. ۳۰ مورد
- ح - دیگر پاسخها ۲۵ مورد
- خ - بی‌جوابها ۱۷ مورد

نظرات ابراز شده در مورد سعادت یا بدبختی با محیطهای اولیه شهری یا روستائی ارتباطی

ندارد:

جمع	ح	ج	ج	پ	ب	الف	محیط اولیه
۱۹۹	۱۳	۱۶	۱۷	۲۶	۵۴	۷۳	تعداد
۱۰۰	۶/۵		۸۸/۵	۱۳/۱	۲۷/۱	۳۶/۶	درصد شهر
۹۴	۴	۹	۱۳	۹	۲۶	۳۳	تعداد
۱۰۰	۴/۲	۹/۵	۱۳/۸	۹/۵	۲۷/۶	۳۵/۱	درصد روستا
۲۹۲	۱۷	۲۵	۳۰	۳۵	۸۰	۱۰۶	تعداد
۱۰۰	۵/۸	۸/۵	۱۰/۲	۱۱/۹	۲۷/۳	۳۶/۱	درصد جمع

بین این نظرات و فعالیت حرفه‌ای پدیا سگورا بطنه‌های بقار زیر چشم ~~مورد~~

جمع	خ	ح	ج	پ	ب	الف	شغل پدر
۱۵۶	۱۰	۱۳	۱۱	۱۹	۳۸	۶۵	تعداد
۱۰۰	۶/۴	۸/۳	۷/۱	۱۲/۱	۲۴/۳	۴۱/۶	درصد کشاورزان
۳۵	-	۳	۸	۲	۱۹	۳	تعداد
۱۰۰	-	۸/۵	۲۲/۸	۵/۷	۵۴/۴	۸/۵	درصد دهقانان بدون زمین
۲۷	۲	۳	۶	۴	۳	۹	تعداد
۱۰۰	۷/۴	۱۱/۱	۲۲/۲	۱۴/۸	۱۱/۱	۳۳/۳	درصد پیشه‌وران
۳۶	۲	۵	۴	۴	۸	۱۳	تعداد
۱۰۰	۵/۶	۱۳/۹	۱۱/۱	۱۱/۱	۲۲/۲	۳۶/۱	درصد تجار
۳۱	-	۱	۱	۴	۱۱	۱۴	تعداد
۱۰۰	-	۳/۱	۳/۲	۱۲/۹	۳۵/۵	۴۵/۱	درصد دیگر فعالینها
۸	۳	-	-	۲	۱	۲	هی جواب
۲۹۲	۱۷	۲۵	۳۰	۳۵	۸۰	۱۰۶	تعداد
۱۰۰	۵/۸	۸/۵	۱۰/۲	۱۱/۹	۲۷/۳	۳۶/۱	درصد جمع

ملاحظه میشود که قسمت سوم یعنی فرزندان بدبخت و والدین خوشبخت بیشتر در روستاها بچشم میخورد و عکس آن ( والدین بدبخت و فرزندان خوشبخت، یعنی قسمت چهارم) در شهر بیش از روستا ملاحظه میشود.

ضعف احساس سعادت و شدت احساس بدبختی، خاص پسران دهقانان بدون زمین است. خاطرات پسران پیشه‌وران و تجار بهتر مینماید در حالیکه رنگ عاطفی گذشته در برابر فرزندان کشاورزان از طرفی و دیگرگروهها از جانب دیگر بطور محسوسی بهتر از سایرین تجلی مییابد. ارتباطی نزدیک بین احساس سعادت و یا بدبختی و میزان توان مالی خانوار اولیه کارگر در محیط اولیه او دیده میشود:

رقه خانوار	الف	ب	پ	ج	د	ح	جمع
تعداد خانوارهای مرته درصد	۲۳ ۵۲/۲	۶ ۱۳/۶	۴ ۹/۱	۲ ۴/۲	۶ ۱۳/۶	۶/۸	۴۴ ۱۰۰
تعداد خانوارهای متوسط درصد	۱۷ ۵۴/۸	۴ ۱۲/۹	۴ ۱۲/۹	۱ ۳/۲	۲ ۶/۴	۳ ۹/۶	۳۱ ۱۰۰
تعداد خانوارهای فقیر درصد	۵۰ ۲۷/۹	۶۲ ۳۴/۶	۲۳ ۱۲/۸	۲۴ ۱۳/۴	۱۱ ۶/۱	۹ ۵	۱۷۹ ۱۰۰
هی جواب	۱۵	۸	۴	۳	۶	۲	۳۸
تعداد جمع درصد	۱۰۶ ۳۶/۱	۸۰ ۲۷/۳	۳۵ ۱۱/۹	۳۰ ۱۰/۲	۲۵ ۸/۵	۱۷ ۵/۸	۲۹۳ ۱۰۰

پاسخگویانی که از خانواده‌های متوسط و یا پائین برمی‌خیزند، خاطراتی مشابه دارند، آنها در مقایسه با پاسخگویانی که از خانواده‌های فقیر برخاسته‌اند خود و خانواده خود را خوشبخت می‌خوانند.

ارتباطی نیز هرچند بصورت مبهم بین احساس سعادت یا بدبختی در گذشته و خاطرات مربوط به نوع فعالیت در دوران جوانی دیده میشود. کسانی که دوران کودکی را همراه با خاطرات مرتبط با بازی بخاطر می‌آورند، آنها خوشبخت می‌خوانند، در صورتیکه آنانیکه در گذشته به کار پرداخته‌اند، خاطره‌ای نامطلوب از آن دارند.

در یک کلام ، خاطره‌ایکه فرد از سعادت یا بدبختی در جوانی حفظ کرده است باوضع خانوار اولیه او ، نوع فعالیتش ، نتایج اقتصادی چنین فعالیتی ، سطح درآمد خانوار مرتبط است .

این خاطره ، درعین حال ، با فعالیت کنونی کارگر در ارتباط است :

فعالیت کنونی	الف	ب	پ	ج	ح	خ	جمع
تعداد عمله‌خنده	۲۵	۲۰	۱۱	۱۱	۸	۸	۸۲
درصد	۳۰/۴	۲۴/۳	۱۲/۱	۱۳/۴	۹/۷	۹/۷	۱۰۰
تعداد کارگران دارای تخصص نسبی	۲۸	۲۸	۱۳	۱۱	۳	۳	۹۴
درصد	۲۹/۷	۲۹/۷	۱۳/۸	۱۱/۷	۳/۱	۱۱/۷	۱۰۰
تعداد کارگران ماهر	۳۶	۲۴	۸	۸	۴	۴	۸۴
درصد	۴۲/۸	۲۸/۵	۹/۵	۹/۵	۴/۷	۴/۷	۱۰۰
تعداد سرپرستان	۱۷	۸	۴	-	۲	۲	۳۳
درصد	۵۱/۵	۲۴/۲	۱۲/۱	-	۶/۱	۶/۱	۱۰۰
تعداد جمع	۱۰۶	۸۰	۳۵	۳۰	۲۵	۱۷	۲۹۳
درصد	۳۶/۱	۲۷/۳	۱۱/۹	۱۰/۲	۸/۵	۵/۸	۱۰۰

کارگران ماهر و سرپرستان ماشینها بیش از کارگران وعمله خود ووالدین خود را در گذشته سعادت‌مند میدانند . بدین ترتیب ، باردیگر ، تصویریکه از کودک کی در ذهن باقیمانده است ، با مقتضیات حرفه‌ای کنونی ارتباط می‌یابد ؛ زیرا ، این تصویر یا از خلال شرایط کنونی حرفه‌ای خواننده میشود و یا آنکه چون در کودک کی تجلی یافته است ، شرایط و مشخصات حرفه‌ای کارگر را در زمانهای بعد تحت تأثیر قرار داده است .

همانطوریکه قبلا در مورد تمایلات حرفه‌ای گفتیم ، بنظر میرسد که احساس سعادت یا بدبختی در مورد کودک کی خود ، یا والدین صرفاً به گذشته و حال توده‌ای از افراد بستگی ندارد ، بلکه با حرکات زندگی یک فرد نیز در ارتباط می‌باشد . اما ، باید متذکر شد که اگر تمایلات شغلی ذکر شده توسط فرد و یا خاطره‌ای که از سعادت و یا بدبختی در دوران کودکی دارد هر دو با تاریخچه زندگی او پیوند دارد ، خود آنان با یکدیگر رابطه‌ای مستقیم ندارند .



جمع	تمایلات حرفه‌ای						کودکی پاسخگویان	
	دیگر	تحصیل	ادارات	کار صنعتی	کشاورزی	موفقیت (ب-ت)		بی جواب
۱۴۷	۲	۱۶	۱۳	۵۰	۲۳	۲۰	۳۰	تعداد
۴۹/۲	۳۵	۵۵/۹	۵۲	۵۰	۵۰	۴۳/۵	۴۷/۵	درصد
۱۷	-	۱	۱	۵	۷	-	۳	تعداد
۵/۷	-	۲/۹	۴	۵	۱۵/۲	-	۴/۸	تعداد - بدبختی درصد
۱۲۸	۵	۱۴	۱۱	۴۵	۱۵	۱۲	۲۶	تعداد
۴۲/۸	۶۳/۵	۴۱/۹	۴۴	۴۵	۳۲/۶	۵۲/۲	۴۱/۴	درصد
۷	۱	-	-	-	۱	۱	۴	تعداد
۲/۳	۱۲/۵	-	-	-	۲/۲	۴/۳	۶/۳	جوابهای دیگر درصد
۲۹۹	۸	۳۴	۳۵	۱۰۰	۴۶	۲۳	۶۳	تعداد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد

ملاحظه می‌نمائیم که آنانی که صرفاً تمایل به موفقیت را تنها تمایل شغلی خود در گذشته می‌خوانند، بیشتر کسانی هستند که کودک خود را مشحون از بدبختی می‌خوانند،

کودکی سعادتمند		تمایل به کار صنعتی		فعالیت حرفه‌ای بد پاسخگو
نسبت بد ران	تعداد پاسخگویان	نسبت بد ران	تعداد پاسخگویان	
۴۱/۶	۶۵	۲۳/۶	۳۸	کشاورزان
۸/۵	۳	۵۱/۴	۱۸	رهقان بدون زمین
۳۲/۳	۹	۵۰	۱۴	پیشه‌وران
۳۶/۱	۱۳	۳۶/۱	۱۳	تجار
۴۵/۱	۱۴	۴۱/۹	۱۳	فعالیت‌های دیگر

آنانیکه تمایل به تحصیل را عنوان کرده بودند بیشتر کودکی خود را با خوشبختی قرین میدیدند و تمایل به کشاورزی با احساس بدبختی در کودکی کمتر مقارن است. در سطحی وسیعتر هر دو پدیده مستقل از یکدیگر به نظر می‌آیند، آنان مستقیماً با یکدیگر پیوند ندارند، بلکه ارتباطشان همانطوریکه در جدول مربوط دیدیم، با مشاغل قبلی و فعلی کارگران محسوس است.

از خلال این ارقام رابطه‌ای منظم و معکوس بین تمایل به کار صنعتی و احساس سعادت در دوران کودکی توسط خود پاسخگو و یا پدر و مادر او، مشهود میشود. برعکس، هنگامی که همان شاخصها را با توجه به فعالیت حرفه‌ای پاسخگو مورد مقایسه قرار میدهیم ارتباطشان صورتی منظم نمی‌یابد.

کودکی خوشبخت		تمایل به کار صنعت		فعالیت حرفه‌ای پاسخگو
		نسبت	تعداد پاسخگویان	
والدین سعادتمند	تعداد پاسخگویان	نسبت	تعداد پاسخگویان	عطوفت‌ها
۳۰/۴	۲۵	۱۹/۱	۱۶	
۲۹/۷	۲۸	۳۷/۱	۳۶	کارگران دارای تخصصی
۴۲/۸	۳۶	۴۲/۳	۳۵	کارگران ماهر
۵۱/۵	۱۷	۳۶/۴	۱۲	سهرستان

تمایل به کار صنعتی و فنی گاهی با احساس سعادت خود فرد در کودکی و یا والدین او مرتبط میشود (در مورد کارگران ماهر) و گاهی با احساس بدبختی در کودکی خود فرد و والدین او (کارگران دارای تخصص).

پاسخگویان برای رضایت یا عدم رضایتی که از زندگی والدین و یا جوانی خود احساس می‌کنند، علی‌قائل می‌شوند، که در چهار مقوله قرار میدهیم:

علل اقتصادی:

سعادت: والدین من صاحب درآمدهائی بودند. آنان خرده مالک بحساب می‌آمدند،

غذا و پوشاک من مهیا بود.

بدبختی: درآمد خانواده من کم بود، وضع اقتصادی والدینم بد بود، نصف حاصل

ما را به ارباب میدادند. از کودکی بدبختی کار دویدم و شرایط زندگی من مطلوب نبود.

### علل خانوادگی :

سعادت : والدینم با من توافق داشتند ، پدر و مادر داشتم و مسائل خود را با آنان در میان میگذاشتم .

بدبختی : والدینم از هم جدا شده بودند ، فرزندانمان بین آنان تقسیم شده بودند . من یتیم بودم و این امر برایم سخت بود .

### علل اجتماعی :

سعادت : در این دوران بهم کمک میکردیم ، مالک و کدخدا بما اذیت نمی کردند .  
بدبختی : مالک سختگیر بود ، حاصل کار ما را می گرفت .

### علل روانی :

سعادت : والدینم نه زحمتی داشتند و نه دلوپسی خاصی . در این دوران برای زندگی خود هدفی داشتم و خوشحال بودم .

بدبختی : والدینم ومن از دردهای زیادی رنج میبردیم، این دوره از زندگی سخت بود .  
بین ۲۸۶ پاسخی که در مورد جوانی پاسخگویان داده شده است ، ۱۶۱ پاسخ یک و

یا چند علت برای سعادت مطرح کرده اند ، ۱۴۲ پاسخ یک یا چند علت برای بدبختی ، بین

۲۸۰ پاسخی که در مورد زندگی والدین داده شده است ۱۸۶ پاسخ یک و یا چند علت برای

سعادت قائل شده اند ۱۲۶ پاسخ یک یا چند علت برای بدبختی . علل عنوان شده بدین ترتیب تقسیم میشوند :

علل	جوانی پاسخگو			زندگی والدین		
	خوشبختی	غلل مربوط به بدبختی	جمع	خوشبختی	بدبختی	جمع
اقتداری	۸۳	۹۹	۱۸۲	۱۳۲	۹۷	۲۲۹
روانی	۳۲	۲۵	۵۷	۹	۷	۱۶
خانوادگی	۳۳	۵۹	۹۲	۴۹	۲۱	۷۰
اجتماعی	۲۱	۲۴	۴۵	۱۳	۲۳	۳۶
کلی	۳۷	۳	۴۰	۱۲	۵	۱۷
جمع	۲۰۶	۲۱۰	۴۱۶	۲۱۵	۱۵۳	۳۶۸

در مورد کودکی خود افراد و یا والدین آنان تعداد علت‌های ذکر شده مساوی می‌نمایند، در صورتیکه علت‌های ذکر شده در مورد بدبختی در شرح احوال خود افراد بیش از والدین آنان تعدد می‌یابد، و این امر نشان می‌دهد که پاسخگویانی که گذشته خود را مقرون به سعادت نمیدانند، معتقدند که این گذشته سخت‌تر از زندگی والدین آنان بوده است. از جانب دیگر، توزیع علل مربوط به سعادت و یا بدبختی برای پاسخگویان و والدین آنان یکسان نیست.

اغلب علت‌ها چه در رضایت و یا عدم رضایت، اقتصادی هستند. با اینهمه، نقش شرایط اقتصادی برای پاسخگویان زمانی که موضوع والدین آنان مطرح میشود، مهمترین مینماید (دوسوم علل تا زمانیکه سخن از خود می‌زنند) و بنظر میرسد که این شرایط برای والدین مطلوب‌تر و قابل‌تحمل‌تر از فرزندان بوده است و این امر با توجه به شرایط جدید شغلی و مقایسه احتمالی آن با گذشته (چیزیکه در مورد والدین صورت نمی‌پذیرد) قابل تبیین است.

در ذکر علل، سرنوشت خود فرد بیش از والدین او در نظر گرفته شده است. بین همه علت‌ها، آنانرا که خانوادگی خواندیم در مرتبه اول قرار می‌گیرند. و بنظر پاسخگویان این علت‌ها برای آنان نامطلوب‌تر و غیرقابل‌تحمل‌تر از والدین آنان بوده است. زیرا فرزندان نه تنها از دردهای والدین رنج برده‌اند، بلکه گاهی نیز از عدم توافق بین آنان آسیب دیده‌اند و یا آنکه از فقدان آنان متأثر شده‌اند.

علل سعادت یا بدبختی که با شرایط زندگی اجتماعی مرتبط میشود، برعکس برای والدین تعددی بیشتر می‌پذیرد. زیرا فرزندان بطور غیر مستقیم از بی‌عدالتی‌های روابط تولید رنج می‌برند.

پاسخگویان اهمیتی خاص برای حالات روانی خود در دوران نوجوانی قائل بوده‌اند، در صورتیکه از شرایط روانی والدین خود کمتر سخن به میان می‌آورند.

در یک کلام، پاسخگویان مسائل اقتصادی را بیش از سایر مسائل عنوان کرده‌اند. زندگی والدین، سرنوشت آنان، از خلال این مسائل روشن میشود. زیرا در آمد، یک امر جمعی است و بیشتر به مسئولین خانوار یعنی والدین مرتبط میشود، در صورتیکه، پاسخگو مسائل فردی و یا حالات روانی خود را زمانی عنوان می‌نماید که خود را از خانواده منفک می‌سازد.

در کنار حوادثی که مستقیماً با سوال‌های عنوان شده، طرح می‌گردید، دو امر نیز از محتوای پرسشنامه برمی‌آید:

کارگرانی که از روستاها برخاسته‌اند، هنوز به گذشته روستائی می‌اندیشند و از جانب دیگر در بین کلیه آنان فقر در گذشته اثراتی مشهود برجای نهاده است.

تفاقر را حالتی روانی میدانیم که در آن شخص تمایل به ناله و شکایت مییابد ، بدبختی را پدیده‌ای طبیعی میدانند که فارغ از فعالیت آدمی است .  
 این حالت روانی خطوطی خاص میپذیرد : تعمیم بدبختی ( همه کس بدبخت بود ، مالک همه چیز را میگرفت ) بدبختی و فقر را در سلسله‌ای از حوادث میخوانند : ( مثالی از پاسخها ، والدین من بیسواد بودند. از شهری اطلاع بودند ، روستا را بدون فکر قبلی ترك کردند همه چیز خود را در تهران خرج کردند ، بدزندگی کردند ، ما را بدبخت کردند، و مجبورمان کردند که بجای رفتن به مدرسه ، کارکنیم ) . بدبختی خود را به گردن دیگران میاندازند ( به گردن والدین ، مالک و یا ... ) تمایل به تشریح شرایطی از زندگی که در آن احساس مسئولیت نمیکردند ( در گذشته من خوشبخت بودم ، حالا مسئولیت خانواده‌ای را بدوش میکشم )

روستا از خلال پاسخها تصویری زیبا مییابد ( در آن خوب زندگی میکردیم ، نان هر روزه خود را داشتیم ، اینقدر زحمت نمیکشیدیم و ... ) این امر باید نتیجه عدم احساس مسئولیت و تعلق کودک به والدینش بوده باشد .

#### نتیجه

وابستگی شدید پاسخگویان به پدر و مادر ، اولین نتیجه این تحقیق است . دست کم یکی از والدین ، از نظر پاسخگویان ، همیشه مهمترین تأثیر تربیتی را بر آنها داشته است . تأثیر افراد دیگر مهم بنظر نمیرسد . ( در برابر ۱ مورد که در آن والدین در تربیت فرزندان تأثیر داشته‌اند ، فقط ۳ مورد می‌یابیم که در آن تأثیر تربیتی افراد خارج از خانه مشهود بوده است ) ، این افراد ، شامل برادران ، خواهران ، عموها و یا خاله‌ها هستند و در موارد نادری نیز پدر بزرگها و یا مادربزرگها ازین جهت تأثیر داشته‌اند . گذشته از افراد فوق‌الذکر ، بنظر نمیرسد که هیچکس در تربیت فرزندان تأثیر داشته باشد .

مشخصات تربیت با شکل خانواده پیوسته است و درعین حال ، نشان دهنده ساخت آنست . این مشخصات بطور کلی روشنگر این واقعیت است که روابط والدین با فرزندان در داخل گروهی بسته تکون می‌یابد . زوجین که تا زمان ازدواج زیر سلطه والدین بودند ، بعد از ازدواج از نوع این تسلط سرباز میزنند و تربیت فرزندان به عهده خود آنان سپرده میشود . روابط فرزندان و والدین در شهر و روستا صورتهای مشابهی می‌پذیرد .

محیط شهری و روستائی ، از جهت نوع کارهاییکه بر جوانان تحمیل مینمایند از یکدیگر متمایز میگردند . در این دو محیط ، میزان تحصیل فرزندان تباین می‌یابد و این خود بسبب تفاوت گروههای شغلی ( زارعین و غیر زارعین ) می‌انجامد . فرزندان گروه اول ( زارعین ) کمتر

به مدرسه میروند و نسبت به فرزندان گروههای دیگر در فعالیتهای تولیدی شرکت مؤثرتری دارند .

کار یا تحصیل فرزندان صرفاً با سطح درآمد خانوار مرتبط نیست ؛ بلکه این دو در زمینه ای وسیع قرار می گیرند که با شرایط عمومی مربوط به گروههای شغلی در ارتباط است : تولید زراعی توسط کارگران فامیلی تأمین میگردد ، لذا وابسته به نیروی کار آنانست و درعین حال ، بیش از آنکه به آموزش دبستانی نیازمند باشد ، با یادگیری فنون سنتی روستا مرتبط است .

در دیگر گروههای شغلی ، برعکس ، وظایف بصورت فردی تعیین میشوند ، جهات مختلفی بخود می گیرند و از خانواده متمایز میگردند ؛ شغل افراد در این مجموعه ، به بازار کار مرتبط میگردد ( که بصورتی نسبتاً مبهم شکل می پذیرد ) اما در تمامی این اقتصاد که شامل گروهی کثیر از روستائیان میگردد ، چنین صفاتی پدید نمیآید ، آنچنان که نمی توان پنداشت در خانواده روستائی به کارگماردن فرزندان صرفاً تابع قانون ارزش نهائی کار آنانست .

تحلیل روابط فرزندان از جانبی با همسالان خود و از جانب دیگر ، با مسئولان آموزشگاه ، نشاندهنده یکی از مشخصات روانی - اجتماعی برجسته محیطهای عقب افتاده است گروه متشکل کودکان ، آنچنانکه در جوامع صنعتی دیده ایم ، درین محیط بوجود نمیآید . بنظر میرسد که رشد و نمو فرزند بین گروههای متشکل از همسالان ( بدون آنکه ساختی پذیرفته باشد و یا هدفهای روشنی یافته باشد که به ابداع و ابتکار بیانجامد ) و گروههای سازمان یافته بزرگسالان تحقق مییابد . در مدرسه ، سخت گیری و تنبیه بدنی ، قانون کلی و عمومی است .

( مسلماً مدرسه چند دهه پیش مورد نظر است ) خارج از آن باز هم جائی برای بی نظمی نمیتوان یافت . بنظر نمیرسد که نظمی مستدل نیز در آن یافت شود . بدین ترتیب ، چنین بنظر میرسد که در طول دوران کودکی فرصتی برای یادگیری رفتاری خود مختار وجود ندارد . فرزند در بین آزادی مطلق ، هرج و مرج و پذیرش سخت و بدون قید و شرط ارزشهای مقبول جامعه در نوسان است .

با اینهمه ، کارگرانی را مییابیم که نه تنها در فعالیتهای مربوط به صنعت پیشرفت نموده اند ، بلکه ، مخصوصاً تخصصی را آموخته اند که مستلزم داشتن استعدادی جهت انطباق با شرایط جدید بوده است . این کارگران ، درعین حال ، تمایلی نیز در جهت جذب در جامعه صنعتی از خود نشان میدهند . این تمایل ، بی شبهه ، در جامعه سنتی وجود نداشت و لذا ، پاسخگویان خود بدان رسیده اند . چنین تمایلی با سطح تخصص کارگران مرتبط نیست . برعکس ارتباطی بین آن و محیط تولد کارگران می بینیم ؛ کسی که در شهر متولد شده است ، از خانواده های غیر زراعی منشاء می گیرد و درعین حال ، جوانتر از دیگران است ، تمایل بیشتری به جذب در جامعه صنعتی از خود نشان میدهد ، ( زیرا ، گروههای اجتماعی گوناگون تمایلی مشابه در جهت جذب در جامعه صنعتی نشان نمیدهند ) .

## نتیجه کلی

در پایان مقالی که با محیط اولیه کارگران صنعتی ، آنچنانکه امروز در خاطره‌ها باقی است ، آغاز نمودیم ، کوششی در جهت اخذ نتیجه‌ای کلی و تلفیقی بعمل آوردیم . کوشیدیم تا صفات جامعه اولیه آنانرا بیان داریم ، از گروههای مرجع سخن را نیم که بطور کلی شامل خانواده و گروههای محلی میشوند و در نوع خود اهمیتی بسزا در رفتار کنونی انسانها دارند . به عبارت دیگر ، در جستجوی توصیف عاداتی برآمده که در دورانهای اولیه یادگیری ، آموخته شده‌اند. رفتار و ارزشهایی را شناختیم که آموخته و پذیرفته شده‌اند .

البته روش ما جز از دنیای مدرک کارگران پرده برنمی‌آورد ، اما ، همانطوریکه در چند مورد بدان اشاره کردیم ، این ادراکات از نظر پاسخگویی از دنیای واقعی آنان در گذشته ناشی میشود . علاوه برین ، توصیفی که کارگران از محیطهای اولیه خود داشته‌اند ، با فرضیه-هائیکه در مورد جامعه سنتی از قبل داشتیم ، متباین نیست .

قبل از تصویر خطوط کلی جامعه اولیه کارگران ، واقعیت‌های مهمی را درین مطالعه شناختیم : با این داده‌ها ، ملاحظه می‌کردیم که جمعیت نمونه ( یعنی کارگران ) جهات تمایزی با کل جمعیت ایران نشان میداد .

از خلال آن ، جهاتی از پاسخ جامعه سنتی ایران را به صنعت جدید می‌دیدیم . در مرحله اول ، مشخص کردیم که کارگران بیش از سایر ساکنان ایران منشاء شهرستانی دارند و این امر ، نشان میدهد که خانواده‌های قدیمی تهران از کارگاههای صنعتی می‌گریزند ، و کار صنعتی با درجه‌ای خاص از جذب در شهر مرتبط است . اما ، در عین حال ، جمعیت کارگر نسبت به کل جمعیت تهران سن تر بنظر میرسد و این امر ، با آموزش حرفه‌ای کارگران بی‌ارتباط نیست ( چیزی که بعداً نیز از آن بعنوان شاخصی که موجبات تمایز کارگران را از رنجبران فراهم می‌آورد و در عین حال ، در جهت تمایز گروههای مهاجر و نورسیده عمل می‌نماید ، یاد خواهیم کرد ) با اینهمه ، دوسوم جمعیت کارگر از روستاها ، نه دهم آنان از شهرستانها منشأ گرفته‌اند و در سومین نسل ، فقط پنج درصد آنان تهرانی بحساب بیآیند . بنابر این ، در مجموع ، تجربه کمتری از زندگی ( مخصوصاً در پایتخت ) دارند . جمعیت کارگر تهران ، بیشتر از مناطق ترک‌نشین برخاسته‌اند . اقلیتهایی تهرانی که بسختی می‌توانستند در دستگاههای اداری راهی یابند ، بسوی مشاغل دیگر رانده شدند .

جمعیت کارگر ، با این حساب ، از کل جمعیت تهران از نظر مشخصات فرهنگی تمایز می‌یابد . این جمعیت ، قبل از آنکه بصورت کارگر در تهران شناخته شود ، از نظر فرهنگی شناسنامه‌ای جدا از سایرین دارد .

واقعیت سهم دیگر اینکه، کارگران فعلی تهران در محیط اولیه خود از گروههای بی‌چیز جامعه بوده‌اند. تقریباً ۷۰٪ آنان خانواده اولیه خود را فقیر، بی‌چیز معرفی می‌نمایند. (فقط ۱۰٪ از خانواده اولیه خود بعنوان گروه متوسط در محیط اولیه یاد می‌کنند). تقاطعهای بعدی نشان میدهد که چنین بیاناتی از واقعیت جدا نیست.

شاخصهائی حکایت از تنزل شرایط اقتصادی بعضی از خانواده‌ها در نسلی سینمایند که قبل از نسل کارگران فعلی زندگی کرده‌اند. بنظر میرسد که جمعیت کارگر تهران، در اکثر موارد از گروههای بی‌چیز روستاها و شهرستانها منشأ گرفته است. حتی، در بعضی از موارد، این گروهها، از نظر اقتصادی در حال اضمحلال بوده‌اند و در کار صنعتی پناه بسته‌اند. باین حساب، کار در کارخانه مظهر ارتقاء حرفه‌ای نیست، بلکه وسیله ارتزاق انسانها بشمار می‌آید. در اینجا سخن از عدم پذیرش شغل صنعتی نیست، بلکه مقایسه ایست ذهنی بین دو واقعیت: شغل پیشین و شرایط کنونی حرفه‌ای.

اگر اغلب کارگران از خانواده‌های فقیر برخاسته‌اند، بین آنان اقلیتی را نیز می‌بینیم که از خانواده‌های مرفه منشأ گرفته‌اند، که با قالب‌های فکری دیگر در برابر زندگی و مسائل آن قرار می‌گیرند.

مهمترین صفت شاخص جمعیت نمونه ما، روستائی بودن، شهرستانی بودن و درعین حال ترک بودن و بی‌چیز بودن آنست.

بدین قرار، کارگران از گروههای خاصی برمی‌خیزند، اما از نظر محل تولد به فلات ایران تعلق دارند که صفات خاص آن با تشریح محیط اولیه کارگران مشخص گردید.

این صفات، بعضی به همه جوامع در حال توسعه تعلق دارند، بعضی صرفاً ایرانی بنظر میرسند و درسطور زیر به تشریح هریک از آنان می‌پردازیم:

ازین خصوصیات گروه اول (که بهمه جوامع در حال توسعه تعلق دارند) باید ابتدا تشعب ناچیز فعالیتهای شغلی را نام برد. این همسانی شغلی هم از تحلیلهائی که با ارتقاء شغلی کارگران مرتبط میشود، برمی‌خیزد و هم در افق حرفه‌ای محیط‌های اولیه کارگران دیده میشود. بطور کلی، چنین بنظر میرسد که جامعه به دو گروه شغلی اصلی تقسیم میگردد: در یک طرف دهقانان، اجاره‌داران و کارگران کشاورزی، قرار می‌گیرند و در طرف دیگر، فعالیتهای بخش سوم - خدمات - مشاهده میشود. (فعالیتهای صنعتی گسترش شایان توجهی ندارند و زمانیکه بدان برمی‌خوریم، چهره سنتی آنانرا برجهات ماشینی و جدیدشان مرجح می‌بینیم).

عدم تشعب مشاغل فقط به جامعه روستائی ایران مرتبط نیست. محیط شهری نیز (آنچنانکه پاسخگویان آنرا توصیف کرده‌اند) بی‌تردید تعداد کمی از دهقانانرا در خود جای داده است؛ اما در آنجا نیز گروههای شغلی خاص جوامع صنعتی مانند



کارمندان ، کارگران کارخانه ها ، پیشه‌وران مشاغل جدید ، مشاغل آزاد ، رشد کافی نیافته اند .

دوسوم کارگران ازین کشاورزان برخاسته‌اند ، کمی بیش از یک‌دهم کارگران از خانواده‌ای منشاء گرفته‌اند که حرفه‌ای تولیدی ( یدی و غیر کشاورزی ) داشته است ؛ از ۲۰ کارگر نمونه ، فقط یک نفر فعالیتی یدی داشته است که نه با کشاورزی ونه با پیشه‌های سنتی مرتبط بوده است .

بدین قرار ، تجربه آموخته کارگران از محیط اولیه خود ، تجربه ایست از محیطی که در آن فنون جدید توسعه شایان توجهی نیافته‌اند؛ تجربه صنعتی تقریباً وجود ندارد ، در صورتیکه تجربه مربوط به حرف سنتی بچشم می‌خورد . کارگران صنعتی ، هیچگونه سابقه کار در کارخانه نداشته‌اند ، بزحمت می‌توان آنانرا از گذشته روستائی و کشاورزی خود جدا کرد .

در جوامع اولیه کارگران که عدم تشعب مشاغل صفت آنهاست همگی آنان است ، تعداد قابل توجهی بازرگان بچشم می‌خورد ( که خود روشنگر توسعه نسبی مبادلات درین جوامع است و درعین حال نشان میدهد که پول بصورتی مستمر مورد استفاده قرار می‌گرفته است ) اما این بار تفاوتی شایان توجه بین کشاورزان و غیر کشاورزان روستاها و شهرها بچشم می‌خورد . درآمد غیر کشاورزان تقریباً بکلی بصورت پول در اختیار آنان قرار می‌گیرد ، زندگی آنان بطور نسبتاً کامل با بازار پولی مرتبط است . در صورتیکه دهقانان فقط قسمتی ناچیز از محصول خود را به بازار عرضه می‌کنند ، بقیه آنرا خودبه مصرف می‌رسانند و یا آنکه با کالاهای دیگر معاوضه مینمایند . بنابراین ، مبادله کالا با کالا هنوز هم در روستاها رایج است و این خود از کمی پول درین نواحی حکایت دارد . این تفاوت بین شهرها و روستاها یادآور ساخت اجتماعی اقتصادی کلی این جامعه است که بر کشاورزی و درعین حال خود مصرفی و عدم حضور در بازار پولی متکی است . قسمت اعظم ارزش افزوده کار در کشاورزی ، توسط مالکین بزرگ ضبط میشود و به نفع آنان در بازارهای شهری به فروش میرسد .

قسمتی از کشاورزان که با بازار پولی بکلی فاصله می‌گیرند ، آنانی هستند که بصورت خانوادگی زمینهای خود را کشت و درو مینمایند و نیروی انسانی آنان مخصوصاً از بین کارکنان فامیلی تأمین میشود که خود از پاداش‌های پولی فاصله می‌گیرند . نیروی انسانی مزدبگیر ، قسمتی ناچیز از احتیاجات کشاورزان را تأمین مینماید و از اینجا باید با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در ایران به ناچیز بودن مشاغل غیر خانوادگی در کل اقتصاد پی برد و این امر خود صفت شاخص جوامع غیر صنعتی است . بدین ترتیب ، ملاحظه کردیم که عدم مشارکت فرزندان در تولید ، نشانه غنا یا فقر نیست . از نظر دهقان مستاجر کودک عنصر تشکیل دهنده تولیدیست که بصورت خانوادگی اداره میشود ، در صورتیکه دیگر گروههای اجتماعی در هر یک از سطوح درآمد ، هزینه زندگی کودک را بدون آنکه وی را بکارگمارند ، بعهده می‌گیرند .

جامعه اولیه کارگران نمونه ما که صفات خاص عقب‌افتادگی در آن ملاحظه می‌شود، زیر سلطه فنودالیتته نیز قرار دارد. تقریباً همه روستاهائی که بعنوان محیط اولیه کارگران مورد بررسی قرار می‌گرفت، به مالکینی تعلق داشت که کل روستا را از آن خود کرده بودند (۳۲٪) و یا قسمتی از آنرا (۶۵٪)، رابطه آنان با کشاورز بر توزیع محصول متکی بود. تعداد کارگر-انیکه از مالکین کوچک منشاء گرفته باشند، ناچیز بوده است.

شهر نیز مانند روستا زیر سلطه فنودالیتته دیده می‌شود و این امر از سازمان عمومی مستولی بر بسیاری از محله‌ها برمی‌آید که مسلماً با سازمان مبتنی بر طبقات و یا دیگر قشرهای اجتماعی تباين دارد.

در جای دیگر، پیوند بین عدم تحرك حرفه‌ای جامعه و سلطه فنودالیتته را نشان دادیم و این امر، در روستاها مانع تجلی توسعه‌ای همه‌جانبه می‌شود همچنانکه در شهرها به رشد بورژوازی و توسعه فعالیت‌های صنعتی لطمه می‌زند، با اینهمه در دهه‌های اخیر، علائمی به چشم می‌خورد که از توسعه روستاهای اولیه کارگران حکایت دارد. این امر، از دگرگونی کمی در درون نهادهای اجتماعی سنتی پرده برمی‌دارد که خود تغییراتی را در تعادل موجود پدید خواهد آورد. برعکس، شهرها آنچنانکه از لاپلائی توصیفی که کارگران امروز از آنسان سینمایند، برمی‌آید در حال گسترش بنظر نمی‌آیند و این خود از واقعیتی پرده برمی‌دارد که در جوامع اولیه کارگران امروز تهران در آغاز زندگی آنان وجود داشته است.

جهاتی از مظاهر اجتماعی این محیط با تحجر فنی و اقتصادی جامعه مرتبط است. در این میان، تحرك ناچیز جغرافیائی و شغلی جمعیت که موجب پیدائی گروه‌هائی بسته از نظر جمعیتی و اجتماعی است، اهمیتی بسزا دارد. بیش از ۸۰٪ خانوارهای اولیه کارگران صنعتی در محل خود سه نسل و یا بیشتر قدمت اقامت داشته‌اند و این نسبت در بین شهریان بیشتر از روستائیان است. از تمایل روستائیان به حرکت بسوی شهرها که بگذریم، بین روستاها مبادلات جمعیتی ناچیزاند. گذشته ازین، ۷۰٪ پدران پاسخگویان، شغل پدر خود را دنبال کرده‌اند و این نسبت در بین روستائیان به ۹۴٪ میرسد. همچنین ۸۰٪ پدران پاسخگویان در گروه حرفه‌ای خود ازدواج کرده‌اند. در سطح محل نیز مسوولیت‌ها در یک تبار باقی می‌ماند و سپس بین خانوارهای وابسته توزیع می‌شود.

بدین‌ترتیب، چنین بنظر می‌رسد که جامعه به گروه‌های محلی و حرفه‌ای بسته‌ای تقسیم می‌شود. لیکن، وجود مبادلاتی محدود بین گروه‌ها آنان را از صورت کاستی به معنای اخص کلمه دور مینماید. از جانب دیگر نیز، نمیتوان این گروه‌ها را با طبقات اجتماعی مترادف دانست. چون عدم ترک جغرافیائی صفت خاص آنانست. در واقع، عدم ترک توزیع جامعه به گروه‌هائی سجزا از یکدیگر در چنین جامعه‌ای می‌تواند یادآور اروپای ما قبل صفت باشد.

پس از بررسی شکل ظاهری جامعه ، به رفتار و مخصوصاً به خصوصیات تربیتی ایسن جامعه میرسیم . درین سطح ، ملاحظه میکنیم که جامعه کودک را وادار به قبول هنجارهای خاص خود میکند . معلم ، چه روحانی و چه غیرروحانی ، در واقع ، در چنین محیطی پیش از آنکه بصورت یکسری تجلی نماید نقاب قدرت بر چهره میزند و جامعه نیز با شدت و ارباب این قدرت را برافراشد تحمیل مینماید . از جانبی نیز ملاحظه مینمائیم که کودکان کوچکترن تماسی با افراد خارج از گروه خود ندارند . تماس آنان محدود است به خانواده و گروه همسالان ، افق شغلی محلی نیز غیرمتحرک مینماید ، کودکان را تماسی با وسایل ارتباط جمعی نیز نیست . در داخل گروههای محلی ، به هیچوجه تعارضی که موجب پیدائی حس نوحواهی بین گروههای سنی ، و فرزندان و والدین گردد ، پدید نمی آید . نتیجه چنین حالتی این است که دسته های کودکان ، همانطوری که در همه کشورهای درحال توسعه ملاحظه میشود ، صورت معمول گروههای محلی کودکان را بخود نمی گیرد . بی شبهه ، کودکان همسال با یکدیگر پیوند می یابند ، اما گروهیکه با این پیوند تشکیل میشود ، هدفی مستقل ندارد ، آنان ، یا گروهی ورزشی را تشکیل میدهند و یا آنکه صورت دسته های مذهبی را می یابند و در هر حال ، ابتکار عمل بدست آنان نیست . بنظر میرسد که کودکان بین دو قطب در نوسانند : آزادی کامل و اطاعت محض . بین این دو ، حالتی میانه که بصورت رفتاری خود مختار و منعطف به هدفهایی خاص تجلی نماید ، نسه . آسوخته شده است و نه انگیزه ای در جهت ایجاد آن وجود دارد . در واقع ، چنین حالتی ، درین جامعه ، ناشناخته است .

با اینهمه ، در روابط بین والدین و فرزندان نشان که ظاهراً صورتی سنتی می یابد ، عنصری تازه به چشم می خورد که موجب لغو تعادل دیرین میشود : بی شبهه ، آموزش فرزندان تابع میزان تحصیل والدین است ، اما سطح تحصیلی پسران نشان دهنده ارتقاء خاص آنان ازین نظر نسبت به بزرگترهاست . ( بین پسران ققطم<sup>۲</sup> با سوادند ، در صورتیکه همین نسبت در بین پدرانشان به نصف تقلیل میباید ) گذشته ازین ، آموزش در شهر و روستا ، صورتی متمایز یافته است : بین پاسخگویانی که از شهرها برخاسته اند ۸۲٪ به مدرسه رفته اند ، ۶۰٪ می توانند بخوبی بخوانند و بنویسند ، بین پاسخگویان روستائی الاصل ، ۴۰٪ به مدرسه رفته اند ، ۲۰٪ می توانند بخوانند و بنویسند . علاوه برین ، روستائیان بیشتر به مدارس مذهبی رفته اند ، در صورتیکه شهریها ، از مدارس جدید بهره گرفته اند . تفاوت شهر و روستا از دیدگاه شغلی قابل توجه است : کشاورزان کمتر از همه به مدرسه رفته اند ، اسری که ، باید بانوع فعالیت آنان که اغلب خانوادگی است ، مرتبط باشد . تفاوتهایی که بین گروههای مختلف شغلی و محلی از نظر تحصیلات ابتدائی جدید ، که محتوای اخلاقی آن ( دست کم با توجه به

هدف) ایجاد وحدت تفکر خواهد بود، پدید می‌آید، شاخص خوبی جهت شناخت تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی آنانست. بنظر میرسد که محیط روستا، و مخصوصاً کشاورزی در داخل روستا تاخر بیشتری درین زمینه از خود نشان میدهد. این تأخر بیش از آنکه با خواست سنت‌گرای این مردم مرتبط باشد، تابع موقعیت آنان در ساخت کلی جامعه از یکطرف و خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خاص آنان از طرف دیگر است. که موجب پیدائی مقاومتی در برابر نوآوری و نوخواهی بین آنان است.

بار دیگر، خطوطی را که پاسخگویان ما در ترسیم جامعه ایران، یادآور میشوند، تکرار مینمائیم: عدم تشعب نسبی فعالیتها، ازجمله کمی بخش کشاورزی (که از کارکنان فامیلی تشکیل میشود و باخود بسندگی اقتصادی مشخص میگردد)، تجلی مالکان بزرگ به عنوان واسطه بین کشاورز و بازار فروش، (در تقاطعی نیز این ارتباط توسط بزرگترهای محلی تأمین میشود) تحرك ضعیف فنی و اقتصادی جامعه، تحرك ناچیز جغرافیائی و حرفه‌ای (جامعه ساکن و منقسم به گروههای بسته بنظر نمیآید)، تحقق روابط بین نسلها بنحوی که موجب استمرار آسوخته‌های دیرین بدون بروز تغییر در آن گردد از صفات کلی چنین جامعه‌ایست.

کلیه مشخصات نامبرده به اغلب جوامع درحال توسعه متعلق است. در واقع، توصیف کم‌رشدی با بیان چنین صفاتی صورت میگیرد. در ایران صفات دیگری براین خصوصیات کلی افزوده میشوند که از حوزه فرهنگی خاص این سرزمین نشأت میگیرند و جهات بدیع جامعه را نشان میدهند. درعین حال، این صفات تازه و بدیع، خود در راه توسعه صنعتی، موانعی تازه و ناشناخته پدید میآورند. پاسخ کارگران تعدادی ازین صفات را روشن سینمود؛ ابتدا، ساخت خانواده و منزلت زن را ملاحظه مینمائیم:

خانواده، در ابتدا، صرفاً زن و شوهری مینماید، واین امر هم از شکل ظاهری آن (بندرت هسته اصلی آن از جهت افقی یا عمودی گسترش مینماید) وهم از مشخصات سطحی ساخت آن (چگونگی توزیع قدرت در درون آن و مسئولیت تربیت فرزندان) برمیآید. شوهر، پدر فرزندان و صاحب قدرت است. هنگامی که او وجود ندارد، زن مسئولیت اداره خانه را بدست میگیرد. حتی، زمانی که شوهر رئیس خانوار است، زن از جهاتی بسیار بازهم مسئولیتهای خاص را عهده‌دار میشود. (به قسمت مربوط به اخذ تصمیم در ازدواج فرزندان رجوع شود).

ازین نظر، این جامعه بکلی فردگرا شناخته میشود. اعضاء آن، همواره، تابع قدرت پدر نیستند، میتوانند خود تصمیم‌گیرند و آزادانه به اداره خانوار خود به‌پردازند. زن نیز مسئولیتی مستقل می‌یابد. اما، این جنبه منزلت، بایستی با جنبه مکمل آن در واقعیت یعنی وابستگی فرد به گروه فئودال، به‌گروه محلی و قبل از همه به طایفه مطمح نظر قرارگیرد. طایفه

را می‌توان موقتاً چنین تعریف کرد: گروهی متشکل از خانوارهایی که بین خود پیوندهای فامیلی و ناشی از همخونی، یا سببی (هنوز مطالعه‌ای در مورد تکون طایفه صورت نگرفته است که تعریفی دقیق از آن بدست دهد) برقرار کرده و یا میتوانند برقرار نمایند. یکی از خصوصیات اساسی طوایف، توزیع جغرافیائی آنانست: طوایف تمایلی خاص به تشکیل گروههایی پیوسته در داخل دهات و محله‌های شهری دارند.

قابل توجه آنکه، این پیوستگی و تمرکز صرفاً در محیط روستا پدید نمی‌آید، در شهر نیز بعد از آنکه توزیع ابتدائی در اولین لحظات مهاجرت، برهم خورد، بازهم چنین گروههایی در خلال نسلها پدید آمده و استمرار می‌یابند. با اینهمه، باید گفت که گروه خویشاوندان در محیط شهری افق اجتماعی و جغرافیائی وسیعتری نسبت به طایفه در روستا به خود می‌گیرد.

وابستگی خانواده زن و شوهری به طایفه، به‌گروه محلی، به گروههای فئودال، مخصوصاً درین مطالعه با در نظر گرفتن شرایط اتخاذ تصمیم در امر ازدواج مشخص گردید. این شاخص (تصمیم‌گیری در ازدواج) در شناخت زندگی اجتماعی اهمیتی بسزا دارد. ازدواج در جامعه سنتی، معنای اجتماعی و اقتصادی اساسی بخود می‌گیرد، سوچبات مبادله نیروی انسانی را فراهم می‌آورد و از اینرو انعقاد پیوند سببی بین طرفین مبادله بصورت یک ارزش تجلی می‌کند. درین میان، باید افزود که وابستگی فرد در انتخاب همسر به گروههای دیگر، صرفاً اقتیاد موقت او را نشان نمیدهد، بلکه نشانه‌ای از اطاعت مداوم وی در تمام طول زندگی است. دو امر را می‌توان دلیل این مدعا دانست: همه زندگانی افراد تحت تأثیر نوع انتخابی خواهد بود که پدر و مادر او در مورد ازدواجش بعمل آورده‌اند.

بطور کلی، ازدواج در شهر و روستا، با دخالت گروههای دیگری بجز خود زوجین صورت می‌یابد، اما در شهر این دخالت کمتر از روستاست، مخصوصاً در محیط شهری نمایندگان ارباب و یا بزرگترها در امر ازدواج دخالتی نخواهند داشت.

ابهامی که در منزلت خانواده زن و شوهری دیده میشود، تا موقعیت زن در کانون خانواده نیز ادامه می‌یابد، زن نسبت به شوهر از بسیاری جهات کهنتر است: جوانتر از اوست، دسترسی به بازار پولی ندارد، اسیر خانه و کارهای خانگی است.

از خود می‌پرسیم، فردیت و یا همبستگی کدامیک درین محیط تجلی می‌یابد و ارتباط متقابل آنان چگونه است؟ این ارتباط بسادگی قابل شناخت نیست. صرفاً با ارجحیت یک مفهوم بر دیگری تعریف نمیشود. در واقع، زندگی اجتماعی فردیت و همبستگی را در کشمکش مدارم بهم می‌آمیزد.

مسئله ازدواج را که به تفصیل مطالعه کرده‌ایم، بار دیگر مطرح نمائیم: بررسی نقش افراد گوناگونی که در بوجود آوردن یک پیوند مؤثر بودند، نشان میداد که اگر اتخاذ

تصمیم بعهدہ والدین است ، بزرگترهای روستا ، نمایندگان ارباب ، مورد مشورت قرار می‌گیرند ، وساطت می‌کنند و در نهایت ، اجازه ازدواج را صادر می‌نمایند . با اینهمه ، مفهوم نقش مکانیسم تصمیم‌گیری را به دقت نشان نمیدهد ، بی‌شبهه ، قبول نظرات دیگران برای زوجین ، اجباری نیست ؛ اما همین اظهار نظرها ، نشان دهنده علاقه خاص جمع به دخالت در ازدواج است ، همچنانکه ، شبکه نیروهای فردی و اجتماعی مداخله‌کننده را نشان میدهد .

نظریات داده شده ، صرفاً درحد نظریاتی نمی‌مانند ، بلکه تقاضای اجرای نظر مطرح میشود . زیرا ، در نهایت ، ازدواجی که حاصل میشود در شبکه روابط انسانها در محصل تغییراتی پدید می‌آورد . بعضی از خانوارها ، طوایف ، این ازدواج را معارض با منافع خود می‌بینند و بعضی دیگر از آن خرسند میشوند . پس ، والدین ، در هنگام اتخاذ تصمیم ، بی‌طرف نخواهند بود . این تصمیم را با حالتی ساده‌لوحانه نیز اتخاذ نخواهند کرد . زیرا ، خود آنان نیز درین امر ، هدفی خاصی دارند . نوع عمل آنان ، در این مورد ، درکسب یا طرد امتیازاتی خاص برایشان مؤثر خواهد بود .

این رفتار تابع ساخت‌گروههایی است که خانوار بدان متعلق است . ساخت این گروهها نیز بی‌تغییر نیست . جامعه از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی ، بطور کلی ، بدون تحرك ، بنظر میرسد . هرچند ، همانطوریکه قبلاً دیدیم ، موقعیتهای ، منزلتهای اقتصادی و اجتماعی ، مداومت خاصی دارند ، نقیصه ، منزلتهای افراد در طایفه ، گروههای محلی و فئودال ، متحجر نیستند . در داخل گروهها ، رقابت بیش از همبستگی به روابط انسانها شکل میدهد . گروهها بمنظور مقابله با تهدیدهای خارجی بوجود می‌آیند . پس باید همبستگی بیشتری در درون خود پدید آورند تا خارجی از اختلاف آنان با یکدیگر مطلع نشود . علت پیدائی طوایف نیز رقابت بین آنان از طرفی ، رفتار مالک از طرف دیگر است و بالاخره کل روستا در برابر سلطه فئودال و به منظور مقابله با آن همبستگی می‌یابد ، همانطوریکه فئودالیت در برابر گروههای خارج بعنوان پاسخی به عناد آنان جبهه‌گیری می‌نماید .

اما ، تهدیدهای خارجی موقت نیستند ، بلکه ، استمراری آنچه‌ان می‌یابند که همبستگی‌ها را صورتی ظاهری می‌بخشند ، از ورای آن اختلافات داخلی گروه خوانده میشود . معهذاً باید افزود که همین انگیزه خارجی برای تکون گروهها کافی بنظر میرسد و موجبات قوام درونی آنانرا نیز فراهم می‌نماید . در واقع ، رهبرگروه باید برای جلب همکاری اعضا قسمتی از امتیازات را بدانشا بپردازد ، جزئی از منافع را که با کمک آنان کسب مینماید به خودشان بازگرداند . توزیع منافع حاصل شده ، ازین تجمع ، با توزیعی که ممکن بود در یک جامعه پیشرفته بعمل آید ، یکسان نیست . درینجا ، منافع اقتصادی بصورت حمایت در روابط شخصی بهرکس اعطا میشود .

بدین قرار، هر خانواده در روابط اجتماعی نقش خود را با استفاده از تأمینی که گروه برایش بوجود می‌آورد ایفا می‌نماید. مثلاً، هر خانواده در درون طایفه‌ای قرار گرفته و می‌کوشد تا موقعیت ارجح در آن یابد. و از اینجا، بعضی از روابط فرد با خارج شکل می‌گیرد. ابهام نقشها و منزلتها مستمر است، حتی رفتارها نیز مبهم و گاهی دوگانه مینمایند. بی‌شبهه، فرد وجود دارد، ولی همبستگی گروهها در عین حال واقعی و تخیلی است. یکی از خصوصیات اساسی رفتار اجتماعی در جامعه شرقی را می‌توان بدین ترتیب، همگامی، معاضدت و تعارض در هر یک از لحظات آن نامید.

روابط بین دوگروه با تعارض اساسی موجود در ساخت کلی جامعه مرتبط است. در حالیکه روابط اجتماعی ناشی از تولید به معنای اخص، فردیت می‌یابد (ارباب زمین را به دهقانی خاص می‌سپارد یا به یک خانواده روستائی و با یک روستا بطور کلی)، فرد در جامعه، منزلت حقوقی واقعی مستقل از گروه‌هائی که بدانها متعلق است، ندارد. نظام حقوقی رایج، نظام حقوقی فردی نیست، نظامیست که در آن حقوق هر کس در شبکه ارتباط بین طوایف از طرفی، نیروی مالک از طرف دیگر و روابط گروههای فنودال بایکدیگر، تعیین میگردد. افراد از نظر حقوقی شان یکسانی ندارند، حقوق آنان با تعلقشان به گروهها و موقعیت هر کس در درون گروه تعیین میگردد.

این نظرات از قلمرو نتایجی که برین تحقیق مترتب است، فراتر می‌رود. با اینهمه، بدان اشاره میکنیم، زیرا دیگر خطوط روانی و اجتماعی جامعه مورد نظر ما را تبیین مینماید. بعنوان مثال، ملاحظه کردیم که قدرت یک طایفه در داخل گروه محلی خود، از دیدگاه پاسخگویان نمونه ما، نه تابع نیروی کار آنست، نه با تعداد افرادی بستگی دارد، نه میزان مهارتش در انجام کارها موجد آنست، بلکه، از طرفی، از میزان نیروی آن در شبکه روابط اجتماعی منشاء میگردد که خود با توانائی اعضاء طایفه در انجام مانورهای خاص، میزان استحکام پیوندهای درونیش، مهارتش در تنظیم روابط خود با ارباب و از طرف دیگر با میزان ثروت طایفه پیوند می‌گیرد که بنظر پاسخگویان در تمام موارد، عامل تشکیل دهنده قدرت در روابط اجتماعی است.

گذشته ازین، ثروت در هر خانواده بیش از آنکه با توانائیهای فردی هر عضو آن مرتبط باشد، از طرفی با غصب اموال دیگران و از طرف دیگر با میراث در ارتباط است. هیچکس، هیچ اشارتی به جمع‌آوری ثروت از راهی که بتوان آنرا جزء راههای کاپیتالیستی نمود، نکرده است. بدین ترتیب، ثروت بیش از آنکه تابع فعالیت‌های فردی باشد با موقعیت هر کس در شبکه روابط اجتماعی کسب می‌گردد. با اینهمه، ارتباط بین دو دلیل که بنظر پاسخگویان عامل تجمع ثروت در خانواده، پیچیده بنظر می‌آید.

در جای دیگر، به روابط دیالکتیکی موجود بین ثروت و غصب اسوال دیگران بعنوان فرضیه تبیین کننده مکانیسم های جامعه سنتی ایران اشاره کردیم. اگر غصب عامل اساسی کسب ثروت بشمار می آید، ثروت نیز به نوبه خود تسهیلاتی در انجام غصب فراهم می نماید. سوالهایی که از پاسخگویان نمونه بعمل می آوریم، این پیوند را بخوبی نشان نمیداد. اما تردافی که در ذهن پاسخگویان بین این دو حاصل می شد، نشان دهنده این پیوند می تواند باشد. بنظر میرسد که از اینجا، به تصویری برجسته از مکانیسم روابط اجتماعی درین جامعه میرسیم، تصویری از مکانیسم ارتقاء که باید نتایج منفی آنرا حتی در جامعه صنعتی نیز جستجو نمائیم. این تصویر را میتوان با نظرات دیگر پاسخگویان تکمیل نمود.

روابط بین سطح درآمد خانوار و وظایفی که در درون گروههای محلی به عهده می گیرد، یادآور ارتباط بین قدرت و ثروت در جامعه ایرانست.

بهمین ترتیب، روابط بین میزان سلطه یک طایفه در یک محل و گسترش مالکیت ارضی نیروی خاص طایفه در گروههای محلی (هر چند که ضعیف و ناچیز نماید) یادآور این واقعیت است که روابط بین تولید کنندگان و مالکین زمین در سطح کلی جامعه تکوین نمی یابد؛ (روابط طبقاتی از طریق احزاب و سندیکاها) بلکه در سطح گروههای فتودال که در درون آنان تولید کنندگان جبهه مشترکی ندارند و به طوایفی رقیب و متنازع تقسیم میشوند (آنچنانکه استیازات هر طایفه درین میان بهمان نسبت که با نیرویش در برابر سایر طوایف سنجیده و اخذ میگردد، با نیروی آن در برابر ارباب نیز مرتبط است) طبقه اجتماعی درین محیط در برابر کلاتها و افراد متنازع اضمحلال یافته است.

بی شبهه، پاسخهایی که حکایت از تضرع و ضعف می نماید، باید تابع همین ابهامی باشد که در روابط فردی و اجتماعی دیده میشود. شکایت کردن، سخن به عجز کشانیدن، رفتار بست که در جهت جلب ترحم دیگران و حفظ خود در مواقع خطرناک و غیر مطمئن که با غصب و حالات آن مرتبط است، حاصل میشود.

اظهار عجز بدین ترتیب از دید اقتصادی جمعیت پاسخگوی ما و یا دیگر کسانی که آنان به ذکرشان می پردازند، نه تنها از محتوای اخلاقی خود جدا میشود، بلکه وظایف اجتماعی نیز می پذیرد.

این دید اقتصادی مخصوصاً در اطراف مسائل مادی دور میزند، (هنگامی که سخن از علل کشمکشهای گروهی می نمودیم، بدان اشاره کردیم) و سعادت را با میزان ثروت می سنجد. چنین دیدی به دهقانان ایران اختصاص ندارد، بلکه صفت شاخص اکثر دهقانان در جوامع ماقبل صنعت است و از شرایط زندگی خاصی بر می خیزد که با مرزهای گرسنگی همسایه است.



مفهوم همکاری درعین کشمکش یعنی پیوند همیشگی این دو (کممک و تعارض) در روابط بین فرد و گروه میتواند تبیین کننده روابط افراد در خانواده نیز باشد و مخصوصاً موجود شکل خاص روابط زوجین که تناقض آنانرا قبلاً نیز دیدیم گردد.

خانواده زن و شوهری واحدی است تولیدی و مصرفی، ( دست کم در بین دهقانان) و محیطی است برای تولید مثل، تربیت فرزندان، و بقای آن مستلزم همکاری اعضای است. اما، همکاری در هر یک از رفتارهای روزانه زوجین از کشمکش جدا نیست، بدین ترتیب، یک سانی شغل‌های زوجین در تهیه مقدمات ازدواج، صرفاً رقابت زوجین را مخفی میدارد.

مرد نماینده و مدافع خانوار خود در برابر گروه‌های دیگر است که در عین حال هم آنرا تهدید مینمایند و هم میپذیرند. اما، در انجام این امر (نمایندگی خانوار و دفاع از حقوق آن) که جهات سیاسی دارد، مرد از خود خانوار کمک میگیرد، از توانائی‌های اقتصادی (خرجهای زائده که صرفاً منشعب از احترام جوئیست) و حتی از اعضای آن، (سیاست‌های خاص زناشوئی) و از منزلتی نیز که بزن تفویض گردیده است، (تولید مثل، در خانه محبوس بودن)

از جانب دیگر نیز قابل توجه است که قدرت شوهر در خانوار همراه با کاهش تهدیدهای خارجی، همانطوریکه در بحث از ماهیت نقشها، هنگام تهیه مقدمات ازدواج ملاحظه کردیم، کاهش می‌پذیرد.

اما زن مظهر زندگی، مصرف، و بعنوان مولد فرزندان و درعین حال مظهر ارزشها، داخلی خانوار شناخته میشود. زن از جانب دیگر زنان طایفه مورد استعانت قرار می‌گیرد، از این کمک آگاهی دارد و همه زنان طایفه، گروهی ما در سر تشکیل میدهند که درعین حال، سلطه مردان را نیز بجهت تهدیدهایی که بر جامعه زنان وارد میکنند، می‌پذیرند.

در اداره خانه، هریک از زوجین ارزشهای خاص گروه سرچ خود را مرجع میشناسد. بنظر اینطور میرسد که فرزندان ازین کشمکشها بدور نیستند، همسانی نقشهای والدین در تربیت فرزندان، اینجا نیز تناقضهایی بسیار را می‌پوشاند. بی‌شبهه، روابطی که در درون خانوار مستقر میشود، با موقعیت هریک از افراد در جامعه مرتبط است.

خطوط اصلی و کلی تصویری که از جامعه ایران از خلال پاسخهای گوناگون بگست می‌آید، در واقع در شهر و روستا مشترک و مشابه دیده میشود. با اینهمه، تفاوت‌هایی بین شهر و روستا دیدیم که بدین ترتیب خلاصه می‌کنیم:

ابتدا، باید یادآور شویم که اگر سازمان اجتماعی هر دو محیط (شهر و روستا) فتودالیسم را در خود جا داده و از آن متأثر گردیده است، اثرات کمتری از فتودالیسم بر چهره شهرها در مقایسه با روستاها می‌بینیم. اساساً چگونگی جذب انسانها در نظام فتودالی در شهر

و روستا یکسان نیست. دهقان مستقیماً حاصل کارش را با مالک تقسیم می نماید. در عین حال، او رعیت ارباب خود یعنی مطیع محض اوست. روابطی شخصی و مستقیم بین دهقان، ارباب و نمایندگان او برقرار میشود. برعکس، شهرها، تا حدودی بسیار از زمین و خدماتیکه روستائیان برعهده می گیرند، منتفع میشوند، در واقع آنان مستقیماً استفاده کنندگان خدمات روستائیانند. البته فنودالیت، درصدد غصب و تملک منافع دیگران در شهر نیز بر می آید، (مخصوصاً منافع تجاری) اما در شهر، مانند روستا، نمی تواند در کار دیگران دخالتی مستقیم داشته باشد. گروهی چند در شهرها، مانند لاتها، همچون ریزه خوارانی بنظر میرسند که در جهت تحکیم منافع فنودال اقدام می نمایند. با اینهمه، درین محیط، فرد، بی شبهه، میزان بیشتری از خود مختاری در رفتار نشان میدهد.

قبلاً، اشاره کردیم که این خودمختاری در سزایات زن و خانواده بی تاثیر نیست، و شاید در ارتقاء اجتماعی نیز مؤثر افتد. ملاحظه کردیم که کسب ثروت بیشتر از نظر کارگران شهری الاصل بیش از آنکه از غصب اموال دیگران نتیجه شود، حاصل کار انسانهاست. پس باید، بدین ترتیب، شهر را بیشتر «تساوی خواه» و گسترده بسوی اقتصادی منطقی تلقی کرد. دومین صفت متمایزکننده وی شبهه مهم شهر، این است که، بیشتر به فرهنگ و ایده اولوژی می اندیشد: سطح تحصیلات بالاتر است، مردم بیشتر به مدرسه میروند، کشمکشهای مذهبی اوج بیشتری بخود می گیرد.

به این تفاوتها باید اختلافاتی را که از دیدگاه تولید (روستائیان بیشتر دهقانند و شهریان در بخش خدمات فعالیت می کنند) و چهارچوب خاص فعالیتهای اقتصادی (کار خانوادگی با اقتصاد خودبسنده در روستا در برابر فعالیتهای منفرد، همراه با مرز یا مستقل در داخل بازاریکه منحصراً با پول به گردش کالاها رونق می بخشد) پدید می آیند، اضافه نمائیم. تفاوت دیگر با افق اجتماعی و حرفه ای در محیط مرتبط میشود: از این نظر، مشکلات بیشتری که در راه جذب روستائیان پیش آمده و در قلمرو صنعت ملاحظه میشود، بیشتر قابل تفهم خواهد بود و تفاوتهای اندیشه ای نیز بین انسانهای شهری و روستائی در قالب صنایع جدید، بازهم، ازین طریق بهتر قابل شناخت خواهد بود. با اینهمه، نشان دادیم که تفاوتهای اندیشه ای و آرمانی با مشخصات کنونی حرفه پاسخگویان مرتبط است (آنانیکه در محیط صنعتی از همه بهتر جذب شده اند، کسانی هستند که ادعا مینمایند قبلاً آرزوی ورود به کار صنعتی را داشته اند) در عین حال، شغل صنعتی نه تنها به مشخصات محیط اولیه آنان ارتباط داشت، بلکه با شغل پدر آنان نیز پیوند می یافت (پسران دهقانان بدون زمین، برعکس آنانیکه از دهقانان صاحب نسق منشاء می گرفتند، تمایلی خاص به صنعت نشان می دادند) و از اینجا، این نتیجه حاصل میشود که روستائیان و شهریان در برابر صنعت جبهه واحدی بخود نمی گیرند و تفاوتهایی چند بین آنان منشاء بروز عواملی خواهد بود که در جهت تسریع یابطل ساختن انطباق با صنایع جدید، مؤثر می افتند.

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)